



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# انحصاری سترگ و م

از نگاه آیت الله العظمیٰ

سید محمد باقر عظیمی و حلقه دانشمندان



محمد حسن خسروی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمومنین علیه السلام

نویسنده:

محمد حسن خسروی

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۰	راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمومنین علیه السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۲	فهرست
۱۸	پیش گفتار
۲۰	مقدمه
۲۸	فصل اول: راهکارهای جرم شناختی (اقدامات کنشی)
۲۸	اشاره
۳۱	مبحث نخست: کلیات
۳۱	گفتار اول: مفهوم شناسی
۳۱	اشاره
۳۲	۱- جرم
۳۳	۲- پیشگیری
۳۵	۳- واژه شناسی پیشگیری از جرم
۳۶	گفتار دوم: انواع پیشگیری از جرم
۳۶	اشاره
۳۷	۱- پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان
۳۷	۲- پیشگیری عمومی
۳۸	۳- پیشگیری انفعالی
۳۸	۴- پیشگیری نوع اول و دوم و سوم
۳۹	۵- پیشگیری وضعی
۴۰	گفتار سوم: رویکردهای حاکم بر پیشگیری
۴۰	۱- رویکردهای مجرم محور

- ۴۰- رویکردهای بزه دیده محور
- ۴۲- رویکردهای محیط محور
- ۴۳- رویکردهای اجتماع محور
- ۴۵- مبحث دوم: اصول پیشگیری از جرم
- ۴۵- گفتار نخست: اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم
- ۴۸- گفتار دوم: اصل مشروعیت روش ها
- ۵۰- گفتار سوم: لزوم توجه به نقش دین در پیشگیری از جرم
- ۵۲- گفتار چهارم: ضرورت استفاده از تجربه ها و رهیافت های علمی
- ۵۴- گفتار پنجم: لزوم رعایت آزادی های مشروع
- ۵۶- گفتار ششم: پیشگیری از جرم، وظیفه ای همگانی
- ۵۶- اشاره
- ۵۷- ۱- لزوم اقدام های حکومتی
- ۵۹- ۲- وظیفه اجتماع
- ۶۰- ۳- وظیفه و مسئولیت مجرم و بزه دیده
- ۶۲- گفتار هفتم: لزوم توجه به تدابیر گوناگون
- ۶۴- مبحث سوم: اولویت ها و روش های پیشگیری از جرم
- ۶۴- گفتار نخست: اجرای عدالت
- ۶۸- گفتار دوم: مبارزه با نادانی
- ۷۲- گفتار سوم: کوشش برای ترویج اخلاق فاضله
- ۷۵- گفتار چهارم: اتخاذ تدابیر لازم برای رفع نیازهای اساسی
- ۷۵- اشاره
- ۷۶- ۱- تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی
- ۷۷- ۲- پرداخت دستمزد کافی
- ۷۹- ۳- اصلاح نظام مالیاتی
- ۷۹- ۴- توجه ویژه به محرومان
- ۸۰- گفتار پنجم: حفظ کرامت و منزلت انسان ها

۸۰	..... اشاره
۸۱	..... ۱- حفظ منزلت و ارزش همه افراد
۸۲	..... ۲- پوشاندن عیب های کوچک مردم
۸۳	..... ۳- بزرگداشت نیکوکاران
۸۴	..... گفتارششم: گسترش فضای دینی و پرورش روحیه دین داری
۸۴	..... اشاره
۸۵	..... ۱- خداباوری و تأثیر آن بر کاهش جرم
۸۸	..... ۲- آخرت محوری و نقش آن در کاهش جرم
۸۹	..... ۳- التزام به رفتارها و احکام دینی و پیشگیری از جرم
۹۱	..... گفتار هفتم: اصلاح ارتباطات اجتماعی
۹۱	..... اشاره
۹۱	..... ۱- سفارش به پرهیز از پیروی الگوهای منحرف
۹۳	..... ۲- سفارش به پرهیز از همنشینی با پلیدان
۹۵	..... ۳- سفارش به تقویت پیوندهای اجتماعی
۹۶	..... ۴- امر به معروف و نهی از منکر
۹۸	..... گفتار هشتم: نظارت بر عملکرد مجریان
۹۹	..... گفتار نهم: ارائه آموزش های همگانی
۹۹	..... اشاره
۱۰۰	..... ۱- پرهیز از حضور در مکان های جرم خیز
۱۰۱	..... ۲- پرهیز از همنشینی با نامحرمان
۱۰۲	..... ۳- حجاب و نظارت بر زنان
۱۰۳	..... ۴- ضرورت ارضای غریزه جنسی برای مردان
۱۰۴	..... ۵- پرهیز از خلوت گزینی
۱۰۴	..... ۶- برنامه ریزی برای اوقات فراغت
۱۰۸	..... فصل دوم: زاهدکارهای کیفی
۱۰۸	..... اشاره

۱۱۰	مبحث نخست: برخورد با مجرمان در آموزه های امام علی(علیه السلام)
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	گفتار نخست: مجرم در آموزه های امام علی(علیه السلام)
۱۱۶	گفتار دوم: نوع جرم و روش برخورد با جرم
۱۱۹	گفتار سوم: اهداف مجازات ها
۱۱۹	اشاره
۱۲۱	۱- اجرای عدالت
۱۲۳	۲- اصلاح مجرمان
۱۲۵	۳- پیشگیری از جرم
۱۲۹	مبحث دوم: روشهای برخورد امام علی(علیه السلام) با مجرمان
۱۲۹	اشاره
۱۲۹	گفتار نخست: صرف نظر کردن از مجازات مجرم
۱۳۲	گفتار دوم: کوشش برای اصلاح مجرمان
۱۳۴	گفتار سوم: مجازات نکردن مجرم مسلمان در سرزمین دشمن
۱۳۶	گفتار چهارم: پرده پوشی عیوب مجرمان و دعوت آنان به توبه
۱۳۷	گفتار پنجم: عفو مجرمان و توصیه به آن
۱۴۲	گفتار ششم: آزاد ساختن مجرمان در انتخاب نوع مجازات
۱۴۳	گفتار هفتم: تأخیر در اجرای مجازات ناتوانان
۱۴۴	گفتار هشتم: برخورد انسانی با مجرم مجازات شده
۱۴۶	گفتار نهم: جبران خسارت مجرمان
۱۵۰	سخن پایانی
۱۵۴	منابع
۱۵۴	منابع فارسی:
۱۵۴	الف. کتابها
۱۵۸	ب. مقالات
۱۶۰	ج. پایان نامه ها



۱۶۰ ..... منابع عربی:

۱۶۲ ..... منابع انگلیسی:

۱۶۴ ..... درباره مرکز:

سرشناسه: خسروی، محمدحسن، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور: راهکارهای کنترل جرم از نگاه امیرالمومنین علیه السلام / محمد حسن خسروی؛ به سفارش ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات نورالسجاد، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص.

فروست: عدالت و سلامت.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۲۰-۱۵-۵؛ ۲۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم)

یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۹۱.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۳] - ۱۵۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره جرم شناسی

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه -- نقد و تفسیر

موضوع: جرم شناسی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده: ایران. قوه قضائیه. ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹/خ ۲۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۱۲۷۱۸

به سفارش: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر و پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر



فصل اول: راهکارهای جرم شناختی (اقدامات کنشی)

مبحث نخست: کلیات

گفتار اول: مفهوم شناسی ۲۰

۱- جرم ۲۱

۲- پیشگیری ۲۲

۳- واژه شناسی پیشگیری از جرم ۲۴

گفتار دوم: انواع پیشگیری از جرم ۲۵

۱- پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان ۲۶

۲- پیشگیری عمومی ۲۶

۳- پیشگیری انفعالی ۲۷

۴- پیشگیری نوع اول و دوم و سوم ۲۷

۵- پیشگیری وضعی ۲۸

گفتار سوم: رویکردهای حاکم بر پیشگیری ۲۹

۱- رویکردهای مجرم محور ۲۹

۲- رویکردهای بزه دیده محور ۲۹

۳- رویکردهای محیط محور ۳۱

۴- رویکردهای اجتماع محور ۳۲

مبحث دوم: اصول پیشگیری از جرم

گفتار اول: اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم ۳۴

گفتار دوم: اصل مشروعیت روش ها ۳۷

گفتار سوم: لزوم توجه به نقش دین در پیشگیری از جرم ۳۹

گفتار چهارم: ضرورت استفاده از تجربه ها و رهیافت های علمی ۴۱

گفتار پنجم: لزوم رعایت آزادی های مشروع ۴۳

گفتار ششم: پیشگیری از جرم، وظیفه ای همگانی ۴۵

۱- لزوم اقدام های حکومتی ۴۶

۲- وظیفه اجتماع ۴۸

۳- وظیفه و مسئولیت مجرم و بزه دیده ۴۹

گفتار هفتم: لزوم توجه به تدابیر گوناگون ۵۱

مبحث سوم: اولویت ها و روش های پیشگیری از جرم

گفتار نخست: اجرای عدالت ۵۳

گفتار دوم: مبارزه با نادانی ۵۷

گفتار سوم: کوشش برای ترویج اخلاق فاضله ۶۱

گفتار چهارم: اتخاذ تدابیر لازم برای رفع نیازهای اساسی ۶۴

۱- تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی ۶۵

۲- پرداخت دستمزد کافی ۶۶

۳- اصلاح نظام مالیاتی ۶۸

۴- توجه ویژه به محرومان ۶۸

گفتار پنجم: حفظ کرامت و منزلت انسان ها ۶۹

ص: ۴

۵- حفظ منزلت و ارزش همه افراد ۷۰

۶- پوشاندن عیبهای کوچک مردم ۷۱

۷- بزرگداشت نیکوکاران ۷۲

گفتار ششم: گسترش فضای دینی و پرورش روحیه دین داری ۷۳

۱- خدا باوری و تاثیر آن بر کاهش جرم ۷۴

۲- آخرت محوری و نقش آن در کاهش جرم ۷۷

۳- التزام به رفتارها و احکام دینی و پیشگیری از جرم ۷۸

گفتار هفتم: اصلاح ارتباطات اجتماعی ۸۰

۴- سفارش به پرهیز از پیروی الگوهای منحرف ۸۰

۵- سفارش به پرهیز از همنشینی با پلیدان ۸۲

۶- سفارش به تقویت پیوندهای اجتماعی ۸۴

۷- امر به معروف و نهی از منکر ۸۵

گفتار هشتم: نظارت بر عملکرد مجریان ۸۷

گفتار نهم: ارائه آموزش های همگانی ۸۸

۱- پرهیز از حضور در مکان های جرم خیز ۸۹

۲- پرهیز از همنشینی با نامحرمان ۹۰

۳- حجاب و نظارت بر زنان ۹۲

۴- ضرورت ارضای غریزه جنسی برای مردان ۹۲

۵- پرهیز از خلوت گزینی ۹۳

۶- برنامه ریزی برای اوقات فراغت ۹۳

مبحث نخست: برخورد با مجرمان در آموزه های امام علی (علیه السلام)

گفتار اول: مجرم در آموزه های امام علی (علیه السلام) ۹۹

گفتار دوم: نوع جرم و روش برخورد با جرم ۱۰۵

ص: ۵



گفتار سوم: اهداف مجازات ها ۱۰۸

۱- اجرای عدالت ۱۱۰

۲- اصلاح مجرمان ۱۱۱

۳- پیشگیری از جرم ۱۱۴

مبحث دوم: روش های برخورد امام علی (علیه السلام) با مجرمان

گفتار اول: صرف نظر کردن از مجازات مجرم ۱۱۸

گفتار دوم: کوشش برای اصلاح مجرمان ۱۲۱

گفتار سوم: مجازات نکردن مجرم مسلمان در سرزمین دشمن ۱۲۳

گفتار چهارم: پرده پوشی عیوب مجرمان و دعوت آنان به توبه ۱۲۴

گفتار پنجم: عفو مجرمان و توصیه به آن ۱۲۶

گفتار ششم: آزاد ساختن مجرمان در انتخاب نوع مجازات ۱۳۱

گفتار هفتم: تأخیر در اجرای مجازات ناتوانان ۱۳۲

گفتار هشتم: برخورد انسانی با مجرم مجازات شده ۱۳۳

گفتار نهم: جبران خسارت مجرمان ۱۳۵

سخن پایانی ۱۳۹

منابع. ۱۴۳

ص: ۶

حفاظت از محیط زیست و سلامت فضای زندگی ابعاد مختلفی دارد؛ گاهی عبور و مرور وسائل نقلیه و فعالیت کارگاه‌های پر سر و صدا، موجب آلودگی صوتی می‌شود، گاهی نگهداری و پخش زباله‌ها در فضای زندگی سبب انواع بیماری و ایدای همسایگان می‌گردد.

پاسداری از پاکی محیط زندگی و سلامت فضای عمومی، یک وظیفه و خواست عموم خردمندان جهان است، اما آلودگی‌ها، فقط گرد و غبار و تولید دود و پخش مواد نفتی در رودخانه و دریا و ریختن زباله‌های متعفن و فاضلاب در کوچه و خیابان نیست.

تولید، تکثیر، پخش و نشر و نمایش مواد آلوده از دیدگاه عقیدتی و اخلاقی و اجتماعی که ایمان، اخلاق، اتحاد، عدالت و استقلال جامعه را در معرض خطر قرار دهد، صدها بار بیش‌تر از دود و گرد و غبار برای جامعه مشکل ایجاد می‌کند. جرم و گناه وقتی در منظر و مرئی و در فضای مشترک و عمومی انجام گیرد، محیط اخلاقی و ایمانی جامعه را آلوده می‌کند. پیشگیری از گناه، به ویژه گناهان مشهودی که جرم و بزه و جنایت و خلاف شناخته می‌شود، وظیفه‌ای اجتماعی است که بر عهده افراد جامعه و دولت و ملت مسلمان و هر اندیشمند دلسوز سعادت و سلامت جامعه‌ی بشری است.

چندین سال است که با همین هدف مقدس «ستاد مردمی پیش‌گیری و حفاظت اجتماعی» در قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. این

ستاد می کوشد که با یاری امت از تولید و تکثیر و پیدایش و افزایش جرم های گوناگون پیش گیری کند. هسته های مردمی حفاظت اجتماعی و ستادهای احیای امر به معروف و نهی از منکر و نیروهای مخلص بسیج و سپاه و نیروی انتظامی و همه فرزندان مساجد در هر کجای کشور با هدایت و نظارت عالمان دین می کوشند که فضای زندگی عمومی را از هر گونه آلودگی به ویروس جرم و گناه پاک نگه دارند و از بروز جرایم عقیدتی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و رسانه ای جلوگیری کنند. شناخت زمینه های جرم، انگیزه های مجرمان، انواع جرم و علل و عوامل پیدایش و گسترش آن یک وظیفه ی اجتماعی است که بدون آن پاسداری از امتیث اخلاقی و ایمانی جامعه، امکان پذیر نیست.

یکی از برنامه های این ستاد که با همکاری گروهی از محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه تحقق یافت، تدوین کتاب های عمیق و کاربردی در زمینه مباحث پیش گیری از جرم است. این ستاد تاکنون بیش از ده اثر علمی - پژوهشی و بعضاً آموزشی در راستای هدف پیش گیری از جرم فراهم آورده است. کتاب حاضر، که به قلم برادر گرامی محمد حسن خسروی تألیف شده تلاشی علمی است، که امید است هم چون دیگر خدمات برادران و خواهران مؤمن و فداکار در زمینه ی پیشگیری از جرم مقبول آستان قدس ربوبی قرار گیرد و یاران همراه در اقامه این وظیفه ی اجتماعی از الطاف حضرت حق جلّ و علا بهره مند شوند. پیش گیری از جرم و گناه نوعی «جهاد فرهنگی» و مرزبانی در جبهه ی تقوا و پارسایی است.

در پایان از حمایت های ریاست محترم قوه قضائیه حضرت آیهالله هاشمی شاهرودی و همکاران ستاد مردمی و برادر گرامی حجهالاسلام محمود مهدی پور، به دلیل هدایت و

نظارت بر تحقیق و تولید این مجموعه، و از ناشر محترم جناب آقای جلالوند سپاس گذاری می شود.

والسلام، دبیر ستاد مردمی پیشگیری و حفاظت اجتماعی کشور

سید احمد زرگر / اسفند ۱۳۸۷

ص: ۸

جرم یا بزه، پدیده و واقعیتهای انسانی و اجتماعی است و در تعریف اصطلاحی رایج حقوق جزای معاصر «فعل یا ترک فعل و به عبارتی رفتار خاص انسانی است که جامعه آن را به علل اخلاقی در نظم و نقض قوانین لازم الاجرا به قید ضمانت اجرای کیفری ممنوع اعلام کرده است».

با توجه به ترکیب پیچیده ساختار وجودی انسان و ابعاد گوناگون شخصیتی او، رفتار مجرمانه از انسانی سر می زند که عوامل و جبرهای گوناگون درونی و بیرونی در رفتار او تأثیرگذار باشند. اما انسان، مقهور و محکوم بی چون و چرای این عوامل نیست و از برآیند و مجموع این جبرهای درونی و بیرونی به آزادی انسانی خود دست می یابد؛ آزادی که ناشی از ترکیب خاص خلقتی اوست و نیز زمینه انتخاب آزادانه او را فراهم می آورد. با این حساب از بعد انسانی شناخت این واقعیت، موضوع

تحقیق و کنجکاوی را برای دانشمندان رشته های گوناگون علوم تجربی و انسانی همانند روان شناسی، روان پزشکی، انسان شناسی جنایی، علوم پزشکی، زیست شناسی، جرم شناسی و حتی فلسفه و کلام فراهم آورده و ذهن آنها را به خود مشغول داشته و تئوری ها و نظریه های مختلفی را هم به دنبال آورده است.

پدیده جنایی (جرم) نیز نشانگر تعارض منافع و عناد و دشمنی میان فرد و هم نوعانش در جامعه و ظهور عنصر ظلم و تجاوز و بغي و فساد در جامعه از ناحیه انسان است که این خود به طور طبیعی واکنش جامعه و مدیریت آن را در قبال بزهکاری به دنبال داشته است. به طوری که تدابیر، راه حلها و سیاست ها و نظریه های مختلفی برای کنترل پدیده جنایی و جرم و جنایت در جامعه از ناحیه صاحب نظران و دانشمندان و ادیان الهی و مکاتب بشری مطرح شده است.

از زمان پیدایش مفاهیمی همچون جرم، مجرم، مجازات و اصلاح و بازسازی، حقوق و جزا همواره تحولات بی شماری را تجربه نموده است و آرام آرام، استفاده از علوم کمکی از قبیل روان شناسی، جامعه شناسی و حتی پزشکی حالتی طبیعی گرفته است. تحولات تئوریک حقوق کیفری پیدایش شاخه ای نوین را به ما نوید می دهد که به سیاست جنایی موسوم است که می توان ساده ترین تعریف برای آن را سیاست دولت در برابر جنایت دانست.

سیاست جنایی مفهومی است که مباحث گسترده جدال برانگیزی در مورد آن صورت گرفته است؛ به گونه ای که برخی آن را با سیاست کیفری یکی دانسته و تعریفی که برای آن ارائه داده اند واکنش های کیفری علیه جرایم توسط دولت است. «دون دیو دو وابر» استاد حقوق دانشکده حقوق

پاریس بر این عقیده بوده است و سیاست جنایی را روشی محدودکننده و واکنشی علیه جرم دانسته است. علی ای حال می توان سیاست جنایی را سازمان دهی واکنش علیه بزهکاری دانست. این واکنش ممکن است از سوی دولت صورت بگیرد یا به گونه ای دیگر مردم خود در مقابله با بزهکاری مداخله نمایند. هرچند در ابتدا صاحب نظران بودند که سیاست جنایی را تنها از طریق حقوق کیفری محقق می دانستند، ولی امروزه این امر بدیهی گردیده است که مرزهای حقوق جزا بیش از پیش فاقد صراحت است و اصلاح بزهکاران محدود به آن نیست. مفاهیمی همچون توجه به وضعیت صغار در معرض خطر، دختران خیابانی و فراری، همه و همه از مواردی است که حقوق کیفری ناتوان از پاسخ دادن به آنهاست. اینجاست که تدابیر پیشگیرنده و به قولی صائب «حقوق پیشگیری» می تواند نقش ارزنده ای را ایفا نماید.

«زندان» به عنوان ابزاری که شاید نه تنها اصلاحی را در بر ندارد و نداشته است و حتی موجبات فساد زندانیان را فراهم می سازد، از دیر باز به عنوان یکی از مجازات ها مورد توجه بوده است. اما توجه به نکات ذیل ما را به این نکته رهنون می کند که زندان بدان جهت که اغلب، بی اثر بوده و برای جامعه هزینه های بسیاری دارد، باید جای خود را به تدابیر دیگری بدهد که حیثیت اجتماعی بزهکار، نظم حاکم بر خانواده و اخلاق او از بین نرود.

امروزه زندان به یک دانشگاه جنایی تبدیل گردیده است. بزهکارانی تازه کار و بی تجربه که شاید بتوان گفت حتی بسیاری از آنان بر حسب اتفاق مرتکب بزه شده اند، با دنیایی از تجارب و اندوخته های جنایی روبرو می شوند که از سوی بزهکاران حرفه ای و ساکنان همیشگی زندان به آنها

ارائه می‌گردد. برای مثال، جوانی که صرفاً از روی جسارت جوانی و حس شیطنت و آزمون و خطا، دست به سرقت کیف دستی یک خانم زده است، حال پس از خروج از زندان با تجاربی جدید، سرقت اتومبیل، مغازه و منازل مسکونی را آغاز می‌کند.

زندان مکانی است که چنانچه کسی خواه گناهکار و خواه بی‌گناه وارد آن شود، حیثیت اجتماعی وی را تا حدودی لکه‌دار خواهد کرد. جامعه به کسی که مدتی را در زندان گذرانده است، به دید یک انسان عادی نگاه نمی‌کند. تحقیر، طرد و بی‌توجهی به کسی که مدتی در زندان بوده است، آثار خطرناکی را در پی خواهد داشت.

آیا نمی‌توان به کسی که پس از خروج از زندان، حتی خانواده اش نیز او را نمی‌پذیرد، حق داد که دوباره به جمع رفیقان و دوستان گذشته اش بپیوندد؟ آیا جامعه در قبال این افراد مسئولیتی ندارد؟

افزون بر موارد فوق می‌توان به از هم پاشیدگی نظام اقتصادی و خانوادگی بزهکار زندانی نیز اشاره کرد. بزهکار پس از خروج از زندان دیگر جایی در ادارات و سازمان‌های دولتی نخواهد داشت. فرزندان در مدتی که پدر در خانه نبوده است تحت نظارت درستی نبوده‌اند و هیچ بعید نیست که به راهی سهمناکتر از آنچه که پدر بدان روان گشته است، نیفتند. بنابراین، امروزه زندان دیگر نمی‌تواند ابزار اصلاح باشد و باید هدف اصلاح و درمان را به طریقی دیگر به دست آورد.

از بین بردن محیط‌های جرم‌زا، شاید یکی از اساسی‌ترین امور در جهت پیشگیری از بزهکاری باشد. یک بزه هر چند حرکت و رفتاری فردی است، ولی مستلزم شبکه‌ای از روابط اجتماعی است. با فعالیت قبلی درباره‌ی دگرگونی این مجموعه روابط اجتماعی می‌توان یک اقدام

پیشگیری به عمل آورد. امروز شعار پزشکی و جرم‌شناسی همین است. که «علاج واقعه قبل از وقوع باید نمود».

مسئله انضباط تحصیلی نمونه‌ای از بحث پیشگیری است. سال‌های سال، تنبیه بدنی در مدارس به عنوان ابزار عادی مقابله با بی‌نظمی‌های محصلان مورد استفاده بوده است، ولی دیده‌ایم که هیچ‌گاه اثر مناسبی به دنبال نداشته است. آنچه که موجب ایجاد نظم و انضباط در مدارس می‌گردد تنبیه و خشونت نبود. پس از آن تدابیر مناسب دیگری از قبیل همراهی و همدلی با محصلان بی‌انضباط و کشف علل خطاکاری آنان، واگذاری ایجاد انضباط به دست خود محصلان، افزایش سطح علمی و آموزش مسئولان مدارس و ... بود که توانست به نحو مناسب تری با این قضیه برخورد نماید.

بزهکاری یک حادثه زودگذر نیست که در لحظه‌ای اتفاق افتد و بعد پایان یابد. بلکه حاصل یک جریان متمادی است. «آنریکو فری» در پایان قرن نوزدهم میلادی تئوری اشباع جنایی را تنظیم نمود که بر اساس عقیده او هر گروه دارای تبه‌کاری درخور خود و متناسب با نوع اعضا و موقعیت آنها است و تا هنگامی که این دو عنصر ثابت بماند روش‌های ابتدایی هر چه باشد، تبه‌کاری ثابت خواهد ماند و به همین مناسبت او مدعی است که باید برای کیفر، جانشینی یافت. با روش‌هایی می‌توان اوضاع و خصالت‌های عمومی افرادی که گروه را تشکیل می‌دهند، تغییر داد. او رشته‌ای مفصل برای برنامه‌ خود ترتیب داد که به خصوص متضمن آزادی تجارت و تقلیل و حذف مصرف مشروبات الکلی، تبدیل پول فلزی به اسکناس و برات و ...، روشنایی کوچه‌ها، تقلیل ساعات کار، عدم تمرکز اداری و اموری از این دست است.



با این دیدگاه، می توان در جامعه کنونی تدابیری همچون بهبود سطح زندگی ساکنان محله های محروم، ایجاد اشتغال و سرگرمی های مناسب برای جوانان، محو محل های تجمع بزهکاران و کسانی که آماده بزهکاری هستند و سایر موارد را راه حل هایی برای پیشگیری از بزهکاری دانست.

به راستی آیا ما از محیط هایی که مملو از منحرفان اخلاقی و معتادان و بزهکاران است بی خبریم؟ آیا نمی توان به جای اینکه بزهکاران را پس از ارتکاب جرم به زندان بیفکنیم، پیش از آن از بزهکاری آنها ممانعت نماییم؟ و البته پاسخ این سؤالات بدون هیچ تردیدی مثبت خواهد بود، مشروط بر آنکه که بتوانیم یک سیاست جنایی سنجیده و کارا در مقابله با بزهکاری بیافرینیم تا هم از قدرت عمومی دولت و هم از مشارکت عمومی مردم برای مقابله با آن بهره جویم.

در این میان، مراجعه به سخنان امیرالمومنین (علیه السلام) و به دست آوردن راهکارهایی که آن حضرت برای کنترل جرم ارائه نموده است، چشم اندازی مثبت را برای آینده رقم می زند.

از این رو سعی می کنیم تا بحث کنترل جرایم را ابتدا با راهکارهای جرم شناختی (کنشی) آغاز کرده و پس از آن راهکارهای کیفی (واکنشی) را مورد بحث قرار دهیم. در فصل نخست ابتدا کلیات را بررسی کرده و سپس با دو مبحث مجزا به اصول پیشگیری از جرم و اولویت ها و روش های پیشگیری از جرم خواهیم پرداخت. در فصل دوم نیز در مبحث اول برخورد با مجرمان در آموزه های امام علی (علیه السلام) را مورد مطالعه قرار داده و سپس به روش های برخورد آن حضرت با مجرمان خواهیم پرداخت.

محمد حسن خسروی





پیشگیری از جرم از مباحث همیشه رایج و تازه ای است که هیچ گاه رنگ کهنگی و رسوب قدیمی بودن به خود نمی گیرد؛ زیرا از زمانی که بشر پا به عرصه حیات گذاشته، همواره طعم تلخ انحراف و کجروی از معیارهای درست، و در بند شهوات بودن و سیه روزی حاصل از تباهی و جرایم را چشیده است. البته تجربه تلخ جرایم، برای بشر ره آوردهایی نیز داشته و او را با شیوه ها و ابزارهای گوناگون مقابله با جرایم آشنا و مسلح کرده است؛ اما جرم و انحراف نیز بسان اژدهایی هزار سر بوده که با قطع هر سر و دست آن سر و دستی دیگر روئیده و روندی رو به تزاید داشته است. بدین سان، مسئله جرم و پیشگیری همواره در حال نو شدن است و بشر، هر زمان در این امید و آرزو است که آیا خواهد توانست دل به روزی خوش دارد که ریشه های جرم و انحراف را بسوزاند و بخشکاند.

با وجود همه تدابیر و اقدامهایی که به ذهن خدادادی بشر، برای مقابله با جرم خطور کرده و توفیق اجرا یافته است، نمی توان این نکته را انکار کرد که رشد جرایم و انحرافات و انواع آن، همواره بر میزان تدابیر پیشگیرانه که البته بیشتر از نوع کیفی بوده اند، پیشی داشته و این غده سرطانی در مقایسه با آن داروهای به ظاهر حیات بخش، فرصت رشد و

گسترش بیشتری یافته است. در اینجا این پرسش رخ می نماید که آیا اصل مشکل در همین تدابیری نیست که برای پیشگیری به کار رفته است. حرکت‌هایی که در جهت تقویت و ترویج پیشگیری غیرکیفری صورت گرفته، همه بر اساس این تشخیص است که با اقدام‌های کیفری و سرکوب‌گرانه نمی توان به رفع مشکل دل بست و باید به سراغ تدابیر پیشگیرانه غیرکیفری رفت؛ اما با وجود انواع گوناگون تدابیر پیشگیرانه غیرکیفری، باز هم سخن از ناکامی و شکست است و این پرسش مطرح می شود که راستی راه چاره چیست.

رویکرد به متون دینی و استمداد از آموزه های دینی برای پیشگیری از جرم، سابقه دیرینه ای ندارد؛ چرا که بشر گرفتار الحاد، قرونی را بدون توجه به این مهم سپری کرده و دین را از صحنه حیات اجتماعی خود دور نگاه داشته و گمان کرده است که می تواند فقط با اتکا به خرد خود در پی سعادت خویش بر آید و با گمراهیها و کژیها مبارزه کند، و صد حیف که غیر از فراموشی دین، از شأن حقیقی خود نیز چشم پوشید و خود را فراموش کرد و تقصیر و چاره را در عوامل بیرونی جست و این، نتیجه طبیعی همان غفلت بود که « نسو الله فأنسیهم أنفسهم»<sup>(۱)</sup>

اینک دوباره رویکردی (نه چندان قوی) به دین پیدا شده و طبیعی است که در این موقعیت جدید از اندیشمندان دینی و به ویژه حوزه های دینی انتظار می رود که در محدوده خود، به پاسخگویی این نیاز بشری پردازند. متأسفانه باید اذعان کنیم که در مباحث فقهی (و نه اصل دین) به این مهم کمتر توجه شده است. در اینجا مقصود آن نیست تا به ریشه ها و علل این امر پرداخته شود؛ ولی باید شجاعانه این واقعیت را

ص: ۱۸

پذیرفت که اندیشمندان دینی، خود را از این گونه صحنه‌ها کنار نگه داشته‌اند. نگاهی به روند مباحث فقهی حوزه‌ها و مجامع دینی می‌تواند تداعی‌گر این مطلب باشد که فقه شیعه، در وجه اجتماعی‌اش بیشتر فقه تنبیهی جلوه‌گر شده است تا فقهی ترمیمی و پیشگیرانه؛<sup>(۱)</sup> هر چند در گستره مباحث اخلاقی دین به طور غیرنظام‌مند، می‌توان آموزه‌های پیشگیری از جرم را به فراوانی یافت، در حالی که اندک‌مروری بر آموزه‌های گران‌سنگ به یادگار مانده از پیشوایان دینی، این امر را به خوبی اثبات و تداعی می‌کند که نسبت و سهم فقه پیشگیرانه می‌توانست بسیار بیشتر از فقه تنبیهی باشد. نکته مهم، کمر همت بستن به تدوین این فقه جدید است.

البته نویسنده این نوشتار مدعی نیست که با نگاه فقهی به آموزه‌های پیشگیرانه از سخن و سیره امام علی (علیه السلام) توجه کرده است؛ بلکه ادعا دارد که در حد بضاعت اندک علمی خویش و البته با همه محدودیت‌هایی که در آینده به آن اشاره خواهد شد، کوشیده است آموزه‌هایی را از کلام آن حضرت استخراج کرده و در معرض دید علاقه‌مندان قرار دهد تا این گام نخست، گام‌های بعدی را تسهیل کند.

ص: ۱۹

اشاره

فهم دقیق اصطلاح «پیشگیری از جرم» به تبیین مفهومی دو واژه «پیشگیری» و «جرم» منوط است. امروزه در علوم اجتماعی، این نکته که برای بسیاری از واژگان به کار رفته در این علوم نمی توان تعریف و تبیین معنایی مورد وفاق ارائه کرد، اصلی مسلم است و صاحب نظران در بیشتر واژگان، این نکته را گوشزد می کنند. ماهیت متفاوت علوم اجتماعی (به لحاظ دو عنصر اساسی انسان و اجتماع با ملحقیات ویژه آنها نظیر فرهنگ، آداب و رسوم و ...) از علوم طبیعی و ریاضی، چنین اقتضایی را سبب شده است.

در جرم شناسی و حقوق جزا نیز وضع اینگونه است. درست است که در یک متن مشتمل بر قوانین جزایی، ممکن است از «جرم» تعریف خاصی ارائه شده باشد، اما در سیر مطالعات جزایی و هنگام طرح مباحث حقوقی و جرم شناختی، هیچگاه به این تعریف بسنده نمی شود؛ بلکه از

## ۱- جرم

معانی ارائه شده از جرم را می‌توان به دو دسته مضیق و موسع طبقه‌بندی کرد. جرم در مفهوم مضیق، همان تعریف قضایی و قانونی خود را دارد؛ یعنی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدامهای تأمینی در نظر گرفته شده است. شاخصه مفهوم جرم در معنای مضیق آن، دخالت دولت (قوه قضایی) آن هم بیشتر به شکل سرکوبگرانه است که از آن به «مجازات» تعبیر می‌شود. تصریح قانونگذار به جرم بودن یک عمل نیز شرط دیگری است که رفتار را مجرمانه می‌کند؛ از این رو، اگر عملی به شدت هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را نقض کند، اما قانونگذار آن را «جرم» نشناخته باشد، جرم نیست. (۲)

آن چه در مباحث جرم‌شناختی و پیشگیری از جرم، از این واژه اراده می‌شود معنای موسع آن است که هر نوع رفتار مخالف با هنجارها و معیارهای مورد پذیرش جامعه را در بر می‌گیرد؛ اعم از آنکه مجازاتی برای آن در قانون لحاظ

شده یا نشده باشد: «جرم به معنای بسیار وسیع کلمه، عبارت است از فعل یا ترک فعل آن به وسیله یک نفر که به جهت آسیبی که به نظم اجتماعی وارد می‌کند از طرف جامعه مجازات می‌شود.» (۳)

ص: ۲۱

- 
- ۱- در این زمینه ر.ک.: دانش، تاج‌زمان، جرم چیست؟ مجرم کیست؟ فصل پنجم.
  - ۲- ر.ک.: استفانی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، ص ۵-۱.
  - ۳- همان، ص ۱.



برخی از اندیشمندان، مانند دورکیم، حتی هر گونه عمل مخالف وجدان اخلاقی اجتماع را نیز جرم می دانند؛ یعنی «مجازات اجتماعی» را ضرورتاً در مفهوم جرم اخذ نمی کنند.

به هر حال، جرم به مفهوم گسترده خود، شامل انحراف و کجروی نیز می شود که گاهی صرفاً نوعی مخالفت با هنجارها و ارزشهای مورد پذیرش اجتماع است؛ گر چه پاسخی آشکار از جامعه به آن داده نشود.

## ۲- پیشگیری

از نظر ریشه شناسی، پیشگیری به معنای «پیش دستی کردن» و «به جلوی چیزی رفتن» و نیز «آگاه کردن، و هشدار دادن» است. (۱)

به لحاظ معنای اصطلاحی، نوعی تطور و تحول معنایی، در این واژه به چشم می خورد. این امر به سبب نوع رژیمهای گوناگون حقوقی و کیفری است که خود، متغیری از اندیشه های اجتماعی و فرهنگی حاکم در هر زمانی به شمار می رود.

آنچه در ابتدا از این واژه برداشت می شده، پیشگیری کیفری به معنای مجموعه اقدامها و تدابیری بوده است که امروزه از آن به مجازاتها و اقدامهای تأمینی تعبیر می شود و مانع ارتکاب مجدد مجرمان به اقدامهای مجرمانه است. مطالعه ها و یافته های موجود در قلمروی حقوق کیفری، حکایت از آن دارد که جوامع بشری برای مقابله با جرایم، به طور عمده از مجازاتها، آن هم از انواع شدید، استفاده می کردند. (۲) طبیعی است که این

ص: ۲۲

---

۱- گسن، رمون، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، ص ۱۳۳.

۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۶-۲۵، ص ۱۲۹.

نوع پیشگیری، چندان هم پیش دستی به شمار نمی رود؛ البته نفس وضع مجازات‌ها می تواند عاملی رعب آور و از این رو مانعی در اجرای جرایم به حساب آید و مانعی بر سر راه فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه تلقی شود؛ اما امروزه کمتر کسی بر این کارکرد مجازات اصرار می ورزد و آن را تصدیق می کند. به عکس، امروزه از شکست رژیم مجازات‌ها و زرادخانه های کیفری سخن می رود.

امروزه، وقتی درباره پیشگیری از جرم سخن گفته می شود، معنای دیگری از آن مد نظر است. در معنای جدید، مقصود از پیشگیری، مجموعه فعالیتها و تدابیری است که از اساس، مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می شود و باریشه ها و علل پیدایی جرم مبارزه می کند. در این معنای جدید، مجازات چیزی جز مبارزه با معلول یعنی جرم نیست. مجازات، سلاحی ناکافی و ناکارآمد است که نمی تواند ریشه ها و علل این پدیده شوم را از میان بردارد؛ پس باید به اقدامهایی روی آورد که پیشاپیش از روی آوردن افراد به جرم و فراتر از آن هر گونه انحراف و رفتار کژروانه جلوگیری کند. ریموند گسن، محقق و جرم شناس فرانسوی تعریفی در باره پیشگیری از جرم ارائه کرده است که در این مقاله، مبنای کار قرار خواهد گرفت:

«از نقطه نظر علمی می توان گفت که مراد از پیشگیری، هر فعالیت سیاست جنایی است که غرض انحصاری یا غیر کلی آن، تحدید حدود امکان پیش آمد مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن الوقوع ساختن یا سخت دشوار نمودن یا احتمال وقوع آنها را پایین آوردن است؛ بدون اینکه به تهدید کیفر یا اجرای آن متوسل شد.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۲۳

وی برای مفهوم پیشگیری از جرم با توجه به معنای موسع جرم، معیارهای چهارگانه زیر را در نظر می‌گیرد: (۱)

۱. اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن تضمین پیشگیری از بزهکاری یا انحرافهای جرم گونه

باشد؛ یعنی اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین کننده و قاطع ایفا می‌کنند؛

۲. تدابیر یا اقدامهای پیشگیرنده، جنبه جمعی دارد؛ یعنی مخاطب آن، کل جمعیت یا گروه یا بخش معینی از آن کل است؛

۳. اقدامهای پیشگیرنده، اقدام‌هایی هستند که پیش از ارتکاب رفتارهای بزهکارانه یا کجروانه، و نه پس از آن اعمال می‌شوند؛

و به لحاظ اینکه این اقدامها پیش از اعمال بزهکارانه است، نمی‌توانند به طور مستقیم، قهرآمیز و سرکوب‌گرانه باشند.

### ۳- واژه‌شناسی پیشگیری از جرم

با توجه به توضیحاتی که در تبیین مفهوم دو واژه جرم و پیشگیری گذشت، می‌توان از واژگان فراوانی در سخنان امام (علیه السلام) جهت استخراج مباحث مرتبط با این موضوع و آموزه‌هایی که این واژگان را دربردارند، استفاده کرد. برخی از واژگان مرتبط با مفهوم جرم، (۲)

عبارتند از: اثم، سیئه، جرم، حرام، خطیئه، فسق، فساد، جور، منکر، فاحشه، شر، لثم، وزر، ذنب، هلکه،

ص: ۲۴

---

۱- ر.ک.: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «بزهکاری و پلیس محلی»، ص ۱۳۶.

۲- در زمینه واژگان معادل جرم در متون دینی و عربی، ر.ک.: طاهر، عباس، سیکولوجیة الذنب، ص ۱۴.

مهلکه و...؛ البته نمی توان تفاوت مفهومی این واژگان با یکدیگر و گاهی با جرم به مفهوم موسع آن را نادیده گرفت؛ ولی از آنجا که به لحاظ مصادیق و موارد، به نوعی با مصادیق جرم به مفهوم موسع آن همپوشانی دارند، می توان از آنها استفاده کرد. از واژگان ناظر به مفهوم پیشگیری نیز می توان به تعبیرهایی چون وقایه، نجات، دفع، تحصین و... اشاره کرد.

بیان کلید واژگان یادشده، هرگز به مفهوم اکتفا به لفظ و جمود بر آن در استخراج آموزه های پیشگیری از جرم نیست؛ بلکه مطلب مورد نظر، در وهله نخست، مفهوم و معنای کلی مستفاد از گفتار امام علی (علیه السلام) است؛ گرچه در مواردی که این واژگان یافت شوند، تأیید و تصریحی بر آموزه تلقی می شوند.

## گفتار دوم: انواع پیشگیری از جرم

### اشاره

پیشگیری به معنایی که گذشت، انواعی دارد که بر حسب تحول و تکامل نظریات جرم شناختی پدیدار شده است. پیدایش و ارائه انواع نظریات گوناگون درباره پیشگیری، مرهون رهیافتها و نظریات گوناگونی بوده که درباره «پدیده مجرمانه» و علل وقوع آن ارائه شده است. امروزه، جرم شناسی چهارراه علوم تلقی می شود<sup>(۱)</sup> که از نظریات روان شناختی، جامعه شناختی، زیست شناختی، تعلیم و تربیت، پزشکی و... تغذیه می شود؛ به همین سبب، نضج یافتن و رشد دیدگاهها و شکل گیری نظریه های پیشگیری از جرم نیز از همین علوم مایه می گیرد. اینک به مهمترین انواع

ص: ۲۵

---

۱- ر.ک.: کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، ج ۱، فصل اول؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «بزهکاری و پلیس محلی»، ص ۱۴۰-۱۳۷.

پیشگیری اشاره می کنیم.

## ۱- پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان

به لحاظ شخصیت پذیرا و در حال پرورش نوجوانان و آمادگی بیشتر این قشر برای اقدامهای تربیتی، جهت مقابله با بزهکاری آنان باید با اتخاذ تدابیر تربیتی مناسب و درست، شخصیت سالم و متعادلی را در ایشان پدید آورد. در سخنان و سیره پیشوایان معصوم، در این زمینه، نکات ارزنده ای یافت می شود. در گفتار امام علی (علیه السلام) نیز در موضوع هدایت و تربیت فرزندان، آموزه های ارزشمندی وجود دارد. عالیتزین نمونه آن که منشور تربیتی نسل جوان به شمار می آید، نامه ای است که در آن، امام به فرزند بزرگوار خویش، امام حسن (علیه السلام)، می فرماید:

«پیش از آنکه قلبت سخت شود (و تو را موعظه و نصیحتی به راحتی کارآمد نباشد) به تربیت تو اقدام

کردم».<sup>(۱)</sup>

طبیعی است که تربیت درست جوانان و نوجوانان، راه را بر انحراف ها و کژرویهای آنان می بندد.

## ۲- پیشگیری عمومی

در پیشگیری عمومی، مقابله با علل و عوامل عمومی وقوع جرم، نظیر عوامل اجتماعی، جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و ... مد نظر است. هر یک از علل یادشده می تواند به نوعی در پیدایش رفتارهای مجرمانه یا پرورش و رشد آنها مؤثر باشد؛ برای مثال، محیط اجتماعی می تواند به گونه ای

ص: ۲۶

---

۱- «فبادرتک بالأدب قبل أن یقسو قلبک»، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

باشد که رفتارهای مجرمانه در آن رشد و نضج بیشتری داشته باشند. محیطهای جغرافیایی نیز می توانند در فعال کردن نیروهای جرم زای نهفته در افراد و گروه ها نقش مؤثری ایفا کنند. نبود حکومت یا وجود حکومت فاسد و حاکمانی که پذیرای عدالت نیستند و به اجرای عدالت دل خوش ندارند، می تواند از جمله عوامل بروز رفتارهای منحرفانه باشد؛ به همین جهت، اصلاح نظام اقتصادی، حکومتی، قضایی و ... نقش بسیار مهمی در کاهش میزان جرم و رفتارهای کزروانه دارد. در پیشگیری اختصاصی، به عوامل اختصاصی جرم و دفع آنها توجه می شود؛ به طور مثال، آنچه در خصوص به سازی نسل و پرهیز از ازدواج با افراد فاسد و منحرف سفارش می شود، از مصادیق پیشگیری است.

### **۳- پیشگیری انفعالی**

در پیشگیری فعال، دولت و به ویژه پلیس برای پرهیز از وقوع بزه، جلوی وقوع آن را می گیرند؛ به طور مثال، پلیس برنامه ریزی برای هدایت اوقات فراغت جوانانی را که در معرض جرم یا انحراف در زمان یا مکانی خاص قرار دارند به عهده می گیرد؛ ولی در پیشگیری منفعلانه چنین نیست؛ بلکه پلیس با حضور در صحنه (مانند مترسک) مانع از وقوع جرم می شود.

### **۴- پیشگیری نوع اول و دوم و سوم**

در این تقسیم که از پزشکی الهام گرفته شده است، در سه مرحله به مقابله و مواجهه با پدیده مجرمانه پرداخته می شود. در پیشگیری نوع اول یا به تعبیری پیشگیری اولیه، هدف، جلوگیری از معضل و آشفستگی، و

ایجاد مانع در برابر بروز رفتار مجرمانه از طریق بهبود اوضاع اجتماعی و زندگی و دیگر اقدامهایی است که در جهت تغییر اوضاع و احوال و موقعیت جرم زای محیط فیزیکی و اجتماعی انجام می شود.

پیشگیری نوع دوم، شامل اقدامهایی می شود که به گروه های خاصی ناظر است؛

آنان که احتمال دارد هر لحظه مرتکب جرم شوند. هدف از این نوع پیشگیری، تشخیص معضل یا نابسامانی و از بین بردن یا بهبود آن در کوتاه ترین زمان ممکن است و مخاطب آن، گروه یا جمعیت خاصی چون کودکان و نوجوانان محله های فقیر یا بی بضاعت است.

هدف از پیشگیری نوع سوم متوقف ساختن وضعیت نابهنجار پیش آمده است و بیشتر ناظر به پیشگیری از تکرار جرم از طریق اعمال اقدامهای فردی و سازگارسازی مجدد بزهکاران قدیم است.

## ۵- پیشگیری وضعی

این دو نوع پیشگیری در مقایسه با انواع پیشین جدیدترند و در مباحث جرم شناختی و پیشگیری نو، بیشتر از آنها سخن می رود. پیشگیری وضعی یا موضعی به مجموعه اقدامهایی گفته می شود که جهت تسلط بر محیط و اوضاع پیرامونی مشرف بر جرم و نیز مهار آن انجام می شود تا از این طریق، افراد یا آماجها (ثروت افراد و ...) را از بزه دیدگی محافظت شود؛ در صورتی که هدف پیشگیری اجتماعی، حذف یا خنثی کردن آن دسته از عوامل اجتماعی است که در تکوین بزه مؤثرند. پیشگیری اجتماعی، ریشه های بزهکاری را نشانه می گیرد و با استمداد از هیأت اجتماع و از طریق شیوه های گوناگون، علل و عوامل مؤثر در فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه را تحت نظارت در می آورد.

## ۱- رویکردهای مجرم محور

۱- رویکردهای مجرم محور (۱) در این رویکرد، اقدامهای پیشگیرانه برای خنثی سازی و کاهش حالت خطر ناک افرادی است که در آستانه ارتکاب بزه قرار دارند. به بیان دیگر، هدف اشخاصی است که قابلیت بالایی را در ارتکاب جرم دارند و هر لحظه احتمال دارد اندیشه مجرمانه در رفتار آنها ظهور یابد. در این رویکرد که عمده توجه بر روی علل و عوامل درونی بزهکاری متمرکز می شود، در مورد اموری چون ترکیب ژنتیکی افراد، سن، جنس، نژاد، و نیز روان آنان کاوش می شود. رویکردهای زیست شناختی و روان شناختی در جرم شناسی، بیشتر در پی تحلیل بنیانهای زیستی و روانی افرادی است که به بزهکاری سوق می یابند.

بدیهی است که در کنار عوامل یادشده نمی توان از نقش اراده فرد در بزهکاری نیز غافل بود و جدیدترین رویکردهای موجود، به این مسئله به خوبی توجه کرده اند. البته وقتی از اراده فرد سخن به میان می آید، گذشته از مبادی میلی و گرایشی، به مبادی تصویری و تصدیقی نیز توجه می شود. به هر حال، باید افزون بر اقداماتی که در جهت فروکاستن از تنشها و هیجانهای روانی افراد صورت می پذیرد، به آموزش و بالا بردن سطح شناختی آنان نیز همت گماشت تا از این طریق، فرد از ارتکاب پدیده مجرمانه منصرف شود.

## ۲- رویکردهای بزه دیده محور

۲- رویکردهای بزه دیده محور (۲)

ص: ۲۹

---

Offender-centred approaches – ۱

Victim-centred approaches – ۲



در این گونه رویکردها، فرض بر این است که «بزه دیده»<sup>(۱)</sup> می تواند نقش مؤثری در برانگیختن استعداد های شرورانه مجرمان داشته باشد؛ البته قربانی و بزه دیده جرم می تواند انسان، حیوان، یا حتی ثروت افراد باشد.<sup>(۲)</sup>

هر یک از این موارد که گاه از آن به آماج های جرم نیز تعبیر می شود، می تواند در وقوع جرم مؤثر باشد. آسان بودن دسترسی به آنها، جذابیت بالا، سطح شعور پایین و نیز توانایی اندک در دفاع از خود می تواند قابلیت بزه دیدگی افراد را بالا ببرد.

کودکان و کهنسالان به لحاظ آنکه توانایی چندانی در دفاع و مقابله از خود ندارند بیشتر از افرادی که قدرت کافی در صیانت از خویش دارند، در معرض بزه دیدگی قرار می گیرند. همچنین زنان به لحاظ غلبه عواطف و احساسات، بیشتر در معرض فریب قرار می گیرند. غربی و بی یار و یاور بودن و عدم آشنایی فرد با محیط نیز می تواند عاملی در بزه دیدگی او به شمار آید. بدین سان، مجنی علیه، به ویژه در وضعیت های خاص، تأثیر مهمی در ایجاد وضعیت مستعد برای ارتکاب جرم دارد. به همین جهت برخی معتقدند که می توان با ارائه آموزش های خاص به بزه دیدگان بالقوه و تدابیر فنی و اقدام هایی چون بیمه، تأسیس خانه های سالمندان و ...، از بزه دیدگی افراد پیشگیری کرد.

نمونه بارز این رویکرد، در پیشگیری وضعی تجلی یافته است. پیشگیری وضعی، «بیشتر با حمایت از آماج های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماجها در برابر بزهکاران است». البته باید توجه داشت که با گسترش مفهوم

ص: ۳۰

۱- Victim

۲- Controlling crime p. ۲۹۹

بزه دیدگی از انسان به حیوان و اشیا و نیز از شخص حقیقی به شخص حقوقی و از بزه دیده معین به بزه دیده نامعین (چون جرایم بر ضد فرهنگ، ارزشها و مقدسات ملی- مذهبی که بزه دیده آن نه تنها انسان های حاضر در آن جامعه، بلکه کل بشر است)(۱)، دایره تدابیر پیشگیری نیز گسترش خاصی می یابد.

### ۳- رویکردهای محیط محور

۳- رویکردهای محیط محور(۲) با توجه به نقشی که محیط (اعم از محیط انتخابی، اجتماعی، اتفاقی و...) در بروز و تکوین بزه دارد، در پیشگیری از جرم به این مسئله توجه شده است که می توان با تغییر یا دستکاری در وضعیت محیطی، از بروز جرم جلوگیری کرد: پیشگیری محیطی(۳) ... مبتنی بر تصدیق و شناخت این واقعیت می باشد که پیشگیری از وقوع جرم از طریق تجدید آرایش ساختار اصولی صحنه فیزیکی ای که جرم در آن به وقوع می پیوندد، به منظور جلوگیری، جابجایی و یا غیرضروری و یا غیرممکن نمودن وقوع آن، آسانتر از آن است که رفتار تک تک مرتکبین را ابتدائاً تحت قاعده و نظم در آوریم ... . برخی از جرم شناسان، روشی را مورد توجه قرار داده اند که در آن، طرح معماری می تواند بر نرخ ارتکاب جرم تأثیر بگذارد. استدلال آنان این است که فقدان «فضای قابل دفاع» در معماری می تواند موجب رواج بزهکاری و خرابکاری شود.

ص: ۳۱

---

۱- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم فاطمه قناد، ص ۵۱-۵۰.

۲- Environment-centred approaches

۳- Environmental prevention

فضاهایی از ساختمانها و محوطه آنها که هم موجب افزایش حس مالکیت شده و هم به آسانی توسط ساکنان آن قابل کنترل و مراقبت است، موجب تقلیل نرخ بزهکاری است.<sup>(۱)</sup>

راهبردهای محیط محور در پیشگیری از جرم، افزون بر پرهیز از آماجها (محیطهای خاص)، شامل برخی از اقدامهای رایج در پیشگیری وضعی و رویکردهای عمومی تر طراحی خروج از جرم<sup>(۲)</sup> نیز می شود.

#### ۴- رویکردهای اجتماع محور

برخی از دانشمندان، مانند لاکاسانی، جرم را به مثابه میکروب و جامعه را محل کشت آن می دانند.<sup>(۳)</sup> اگر جامعه ای پذیرای جرم و مجرم باشد و در مقابل رفتارهای ناشایست، از خود واکنش چشمگیر و یا بایسته بروز ندهد، فساد و انحراف رفته رفته سراسر آن جامعه را دربرمی گیرد. به عکس، اگر اعضای جامعه در مقابل نابهنجاریها و رفتارهای کژروانه، واکنش در خور توجهی نشان دهند و در حفظ و پابندی به معیارها و ارزشها مصر باشند، زمینه رشد و گسترش انحرافها کاهش می یابد.

تفاوت میزان و نوع جرایم در میان گروه ها و نواحی گوناگون و مطالعه رفتارهای اعضای این گروه ها و جوامع، این اندیشه را قوت بخشیده است که با استفاده از مشارکت مردم می توان به مقابله با بزهکاری برخاست. این امر، گذشته از آنکه هزینه های دولت را کاهش می دهد، به سبب

ص: ۳۲

---

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی، دانشنامه جرم شناسی، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲- Designing out crime

۳- دانش، تاج زمان، همان، ص ۲۳۲.

بسیج عمومی در پیشگیری از جرم مؤثرتر است.

«نظارت و مراقبت همسایگی» از جمله روشهای پیشگیری از جرم با توجه به همین رویکرد است. طبیعی است که به لحاظ ضرورت حفظ نظم اجتماعی، استفاده از مشارکت اجتماع در پیشگیری از جرم باید با تقویت، حمایت و مساعدت دولت انجام گیرد. به بیان دیگر اگر از تقابل رویکرد اجتماع محوری در مقابل دولت محوری سخن می رود، فقط به لحاظ ضمیمه کردن مشارکت جامعه مدنی به نقش دولت در فرآیند پیشگیری از جرم است. وقتی از مشارکت جامعه مدنی و طبقات و نهادهای گوناگون اجتماعی سخن می رود، انتظارها و توزیع وظایف و مشارکتهای یکسان نیست و با تواناییها، کارکردها، قابلیتها و ظرفیتهای نهادهای و طبقات اجتماع تناسب دارد.

گذشته از رویکردهای مهم یادشده، رویکردهای دیگری را نیز می توان از تحلیل نظریه های پیشگیری از جرم، استنباط کرد که در این مجال فرصت شرح و تبیین آنها نیست.

ص: ۳۳

### گفتار نخست: اهمیت و ضرورت پیشگیری از جرم

گذری بر آنچه از امام علی (علیه السلام) به دست ما رسیده است، به خوبی این امر را روشن می سازد که آن حضرت هم به مقتضای شأن امامت و ولایت خود، و هم به لحاظ شأن حاکم بودن (در دوران حکومت کوتاه خویش)، به مسئله پیشگیری از جرم توجه بسیاری داشته است. وقتی رسالت دین، هدایت و راهنمایی انسان و بیرون راندن او از گمراهیها و فتنه ها باشد، به طور قطع پیشوایان دینی به لحاظ وظیفه ای که خداوند بر دوش آنان نهاده است، باید بکوشند تا این مهم را تحقق بخشند. از این روست که پیشگیری از انحراف و کژروی و رفتارهای مجرمانه، در فهرست وظایف انبیا و پیشوایان دینی قرار می گیرد. امام علی (علیه السلام) چندین بار این امر

را خاطر نشان ساخته است:

«همانا خداوند محمد درود خدا بر او و خاندانش باد را

هشداردهنده به جهانیان و امین وحی و قرآن برانگیخت؛ در حالی که شما ای توده های عرب، بر بدترین دینهای جهان تکیه داشتید و در بدترین دیار می زیستید. در میان سنگلاخهای مارآکنده، می غلتیدید. نوشیدنیتان آب گندیده بود و خوراکتان نانه های خشک. خون یکدیگر را می ریختید و پیوند خویشاوندی را می گسستید. بتها در میانتان بر پا و زندگیتان با انواع گناهان آمیخته بود»<sup>(۱)</sup>.

امام در خطبه های متعدد، اوضاع و احوال وحشت آور و نفرت انگیز زمان جاهلیت را که نمونه بارز جامعه فرپوشیده از انحراف است به یاد می آورد و رسالت پیامبر را در رسالت این مردم خاطر نشان می کند.<sup>(۲)</sup> آن حضرت در مورد شأن حاکم اسلامی نیز با بیان این نکته که حکومت کردن هدف نیست، بلکه وسیله ای در جهت تحقق اهداف عالیه است، از جمله این اهداف را «اصلاح و ایجاد امنیت برای ستمدیدگان

بیان می کنند: «خدایا! تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود؛ بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمینهای تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستم دیده ات در امن و امان زندگی کنند».<sup>(۳)</sup>

از این رو، امام از جمله حقوق شهروندان بر حاکم را حرکت او در

ص: ۳۵

---

۱- «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (ص) نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَأَنْتُمْ مَعْشَرُ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ، مَنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خَشَنٍ وَحَيَاتٍ صَمٍّ، تَشْرَبُونَ الْكَدْرَ وَتَأْكُلُونَ الْجَشْبَ، وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ، الْأَصْنَامُ فَيَكُم مَنصُوبَةٌ وَالْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ» نهج البلاغه، خطبه ۲۶. صص ۴۹-۵۰.

۲- همان، خطبه های ۱، ۴۲، ۹۵ و ۱۰۴.

۳- همان، خطبه ۱۳۱.

جهت صلاح و سعادت آنها می‌داند. پیشگیری از جرم اقامی در همین جهت است و چون امام کوشش در جهت اصلاح مردم را بسیار مهم می‌داند، اهمیت پیشگیری از جرم نیز استنباط می‌شود. او در خصوص کوشش در جهت اصلاح مردم می‌فرماید:

«کوشش در جهت اصلاح مردم، از برترین عاداتهاست.»<sup>(۱)</sup>

از سوی دیگر، اهمیت پیشگیری از جرم به سبب هدفی است که از اجرای آن دنبال می‌شود؛ یعنی جدا از اینکه نفس این عمل، نوعی عمل به معروف است و از این جهت خیر است (چون مقدمه رسیدن به اهداف عالیتری است)، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا زمینه‌های رشد و تعالی آدمی در پرتوی پیشگیری از جرم فرصت ظهور و نمود می‌یابد. به بیان دیگر، از بین بردن زمینه‌های بزهکاری و انحراف، خود،

مقدمه و مداخلی برای فعلیت یافتن و تحقق زمینه‌ها و فرصتهای هدایت و کمال آدمی و دسترسی او به عبودیت و سعادت حقیقی است؛ از این رو، پیشگیری از جرم در جهت این هدف غایی، ارزش و اهمیت والایی دارد.

سرانجام، چنان که پیش از این نیز گفته شد، مقصود از پیشگیری، اقدامهای غیرکیفری است که در مقایسه با اقدامهای کیفری اهمیت بیشتری دارند. کیفرها نیز نقش پیشگیرنده دارند؛ ولی به لحاظ صفت سزادهندگی و آزاردهندگی شان، نوعی شر تلقی می‌شوند.<sup>(۲)</sup>

اما اقدامهای پیشگیرنده، فاقد صفت سزادهندگی اند و در نظر عرف، خیر و خوب به شمار می‌آیند. بدیهی است که پاسخ گفتن به شرور با خیرات، ارزش و

ص: ۳۶

---

۱- «مِنْ كَمَالِ السَّعَادَةِ السَّعْيُ فِي صَلَاحِ الْجُمْهُورِ» آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، شرح خوانساری، ج ۶، ص ۳۰، ح ۹۳۶۱.

۲- در اینجا مفهوم عرفی شر مراد است، و گرنه کیفر نیز فی نفسه خیر است.

اهمیت بیشتری دارد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«با شر و بدی، از طریق نیکی و خوبی مقابله کنید.»<sup>(۱)</sup>

### گفتار دوم: اصل مشروعیت روش ها

آن چه باید به آن توجه داشت، این است که تحقق پیشگیری از جرم، امری نیست که به هر بهایی مجاز و ارزشمند باشد، بلکه رعایت اصول و ضوابطی ضرورت دارد؛ اصولی که نه تنها کارآمدی پیشگیری از جرم را تضمین می کند، بلکه آسیبهای پیدا و پنهان آن را از بین می برد. به اعتقاد ما این عدم رعایت این اصول، شکست کوششهای پیشگیرانه از جرم را در پی خواهد داشت.

در هر حکومتی، همه اقدامها و فعالیتهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و ... به شدت تحت تأثیر ارزشها، سنتها و فرهنگ مورد قبول و رایج آن جامعه است و این خود، صافی و معبری است که انجام هر فعالیت و کوششی را هر چند در ظاهر کارآمد به نظر آید، روا نمی دارد. برای مثال، در جامعه مردم سالار نمی توان بدون توجه به آرا و افکار عمومی و مشارکت مردم و با زور سر نیزه و قدرت نظامی، امنیت و آسایش عمومی را برقرار ساخت. در چنین جوامعی، امروزه به طور رسمی اعلام می شود که پلیس باید شمشیرش را غلاف کند یا کنار بکشد. یا مثلاً در جوامعی که فرهنگ لیبرالیزم حاکمیت یافته است و فردگرایی و حفظ آزادیهای فردی اهمیت فراوانی دارد، اقدام های پیشگیرانه باید کمترین صدمه را به این قاعده وارد سازد.

ص: ۳۷

---

۱- «ضادوا الشرّ بالخير»، آمدی، همان، ج ۱، ص ۴۲۰.



به طور طبیعی برای متفکر دینی و در جامعه اسلامی، قوانین الهی و ارزشهای دینی، محک و معیار بسیار مهمی برای تجویز یا عدم تجویز روشهای پیشگیرانه به شمار می آید؛ چنان که در دیگر حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و ... نیز چنین است. اگر اعتقاد ما این است که دین برای سعادت و بهروزی مردم در دنیا و آخرت آمده است، نمی توان برای صلاح دنیایی آنان، به اموری تمسک جست که با شریعت، احکام و ارزشهای الهی مغایرت و منافات دارد؛ در غیر این صورت، زیان حاصل از این روشها بسیار بیشتر از منافع کوتاه مدت احتمالی آنهاست. این زیان لزوماً اخروی نیست، بلکه در همین دنیا دامنگیر انسان ها می شود. امام علی (علیه السلام) این قاعده کلی را چنین بیان فرموده اند:

«مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی گویند، جز آنکه خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت.»<sup>(۱)</sup>

توجه به سخن اخیر امام، این نکته را به خوبی آشکار می سازد که رویکردها و برنامه ها و روشهای پیشگیری از جرم که با هدف اصلاح امور دنیایی مردم انجام می شود، اگر با قواعد دینی مغایر باشد، خود، سبب تیره روزی و بدبختی بیشتر آنها خواهد شد. به همین جهت، هیچگاه نمی توان روشهایی همچون اصلاح نسل را پذیرفت؛ از جمله عقیم سازی بزهکاران و بیماران روانی که در سال ۱۹۳۰ در ایالات متحده امریکا رواج داشت، یا آنچه را که در آلمان نازی به صورت سترون سازی افراد مبتلا به نابهنجاریهای جسمی یا روانی مطرح بود.<sup>(۲)</sup>

ص: ۳۸

---

۱- «لا یترک الناس شیئاً من أمر دینهم لإستصلاح دنیاهم إلا فتح الله علیهم ما هو اضر منه» نهج البلاغه، حکمت ۱۰۶.

۲- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی، دانشنامه جرم شناسی، ص ۹۰.

با توجه به همین قاعده است که امام علی (علیه السلام) از مصلحت‌گزینی‌های نامشروع و غلبه بر وضعیت‌های نابسامان موجود چشم می‌پوشد و عدالت را فدای مصلحت نمی‌کند و با صراحت فریاد بر می‌آورد:

«آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود از جور و ستم درباره امت اسلامی استفاده کنم.»<sup>(۱)</sup>

این سخن گهربار، در موقعیت و واقعه خاصی از امام صادر شده است؛<sup>(۲)</sup> ولی به عنوان یک قاعده، قابلیت تسری به دیگر موقعیت‌ها را دارد. از این رو، هیچ‌گاه نمی‌توان برای جلوگیری از بزهکاری، به اتخاذ تدابیر و قوانین غیرعادلانه، هر چند موقتی، روی آورد و از روش‌های نامشروع استفاده جست.

### گفتار سوم: لزوم توجه به نقش دین در پیشگیری از جرم

مبالغه نکرده ایم اگر یکی از مهمترین علل ناکارآمدی نظریه‌های پیشگیری از جرم را بی‌توجهی به دین و نادیده انگاشتن آموزه‌های دینی بدانیم؛ هرچند جرم‌شناسان و جامعه‌شناسانی بوده‌اند و هستند که این ارتباط را بررسی کرده‌اند و بر جایگاه و نقش دینداری در پیشگیری از بزهکاری تأکید ورزیده‌اند.

دورکیم، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، معتقد است که علت بسیاری از نابسامانی‌های جوامع نوپدید، ضعف یا عدم اعتقاد به خدا در جامعه

ص: ۳۹

---

۱- «أتأمرونی أن أطلب النصر بالجور؟» نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

۲- ماجرای نصیحت برخی از اصحاب خیرخواه که حضرت را به نوعی تبعیض و انعطاف در برنامه‌های اقتصادی و مسکوت گذاشتن عدالت اقتصادی سفارش می‌کردند تا از این طریق، حکومت از هجوم دشمن بیرونی مصون بماند.

است. وی اعتقاد دارد کسانی که تعهد و التزام به نظام اعتقادی مشترک را از دست داده اند، در پی منافع مادی خویش رفته، هموعان را نادیده می‌انگارند.

ژرژ پیکا، جرم‌شناس فرانسوی، نیز با اشاره به اینکه در جوامع روستایی بزهکاری بسیار کم است، آن را نتیجه همگونی فراوانی می‌داند که در این جوامع بر اثر مذهب پدید آمده است. وی جامعه اسلامی را بازمانده‌ای از این الگو می‌داند. (۱)

سرّ این مطلب نیز روشن است؛ چرا که بیشتر ادیان آسمانی یا غیرآسمانی، از یک سو انسان‌ها را به اخلاق پسندیده و رفتار و سلوک نیکو فرا می‌خوانند، و از سوی دیگر، آنها را به دوری جستن از گناه و جرم و رفتارهای ناپسند دعوت می‌کنند. دین با آموزه‌های ارزشمند و سفارشهای اخلاقی، اجتماعی، فردی، تربیتی، خانوادگی و ... خود، پناهگاه و دژ محکمی را برای فرد پدید می‌آورد که به ورطه خطاها و انحرافها نیفتد.

این دژ مستحکم، بیرون و درون آدمی را پوشش می‌دهد و چنان که در ادامه بیان خواهیم کرد، بر عمیق‌ترین و نامرئی‌ترین سطوح عوامل پدیدآورنده انحراف و جرم اثر می‌گذارد. در بُعد فردی، بر انگیزه‌های آدمی رنگ دینی و الهی می‌زند و ذهن او را از اوهام و نیات فاسد و پلید دور می‌سازد، به رفتار و احساس او آهنگ ویژه‌ای می‌بخشد و در بُعد اجتماعی و بیرونی نیز روشها و برنامه‌های مهم اصلاحی، تربیتی، فرهنگی و اجتماعی را در اختیار بشر قرار می‌دهد؛ اموری که بشر توان دستیابی به آنها را یا اصلاً ندارد یا گونه درست و متقن آن را نمی‌شناسد. به همین علت به باور ما، یکی از خطوط و اصول اساسی در هر الگوی پیشگیری،

ص: ۴۰

---

۱- پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۱۷.

لزوم توجه به دین و حاکمیت ضوابط و اصول دینی و شرعی بر برنامه ها و تدابیر پیشگیرانه است و هر الگویی که از این اصل مهم غفلت کند و فاقد آن باشد، سرنوشتی جز شکست و ناکامی نخواهد داشت. فلسفه دین، رهایی انسان از بدبختی و گمراهی و رهنمون شدن او به سعادت دنیایی و آخرتی است.

در اندیشه امام علی (علیه السلام)، فلسفه بعثت پیامبران، چیزی جز رهایی انسانها از انحرافها و گمراهی ها نبوده است. در اوج فوران و رواج جرایم و تیره روزی ها و بدبختی ها، انبیای الهی با ارائه آموزه های دینی به مدد بشر برخاسته و او را به وادی رستگاری رهنمون شده اند. محتوای دین و آموزه های آن، اموری است که اگر به درستی برای مردم بیان شود و تربیت دینی درست در جامعه تحقق یابد، آن جامعه را به میزان بسیاری، از نابهنجاریها و انحرافها پاک خواهد کرد. نگاهی به تاریخ گذشته، به ویژه دوران رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و نیز پیشینه دینی برخی جوامع، به خوبی بیانگر این مطلب است.

### **گفتار چهارم: ضرورت استفاده از تجربه ها و رهیافت های علمی**

از تأکیدی که بر نقش دین شد، نباید اینگونه استفاده شود که از دیدگاه دین و متفکران دینی و به طور کلی نظریه ها و الگوهای دینی، جایی برای تجربه ها و یافته های علمی وجود ندارد، بلکه متون دینی بیشتر از دیگران، بشر را به ضرورت کنجکاوی و تأمل و ژرف نگری درباره مسائل هستی و استفاده از تجربه های دیگران سفارش کرده اند. به بیان دیگر، گشودن باب دین و تمسک به آموزه های دینی، هرگز به معنای انسداد باب علم و تجارب بشری نیست، بلکه

می توان ادعا کرد که از

شاخصه های مهم دین داری، تعقل و تفکر و اهمیت دادن به تجربه های دیگران است. در اندیشه امام علی (علیه السلام) نیز عقل و تجربه از مهمترین وسائل چیرگی بر مشکلات روزگار، اصلاح کننده امور و نیرومندترین شالوده برای بشر است (۱) و کسی که خود را از این دو محروم سازد بدبخت و تیره روز است:

«همانا بدبخت کسی است که از سود خرد و تجربه ای که به او دادند محروم ماند.» (۲)

به همین دلیل، در الگوی استنباطی پیشگیری از جرم از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، فرصت استفاده از تجربه های دیگران وجود دارد. البته اقدام به پذیرش آنها با رعایت اصول و ضوابط دیگری صورت می گیرد. هر چند باید به این نکته نیز اذعان کنیم که این گونه نیست که نمی توان در متون دینی به صراحت یا به طور ضمنی آموزه های روشنی در زمینه پیشگیری از جرم به دست آورد. به عکس، با تأمل ژرف در متون دینی، آموزه های بسیار راهگشایی به دست می آید که گره بسیاری از مشکلات بشر را می گشاید. اما بدبختانه هنوز کار جدی و قابل تأملی در این خصوص صورت نگرفته است.

ص: ۴۲

---

۱- در این زمینه ر.ک.: حکیمی، محمدرضا و محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام ج ۱.

۲- «فان الشقی من حرم نفع ما اوتی من العقل و التجربة» نهج البلاغه، نامه ۷۸.

به لحاظ ویژگی ضداجتماعی جرم، پیشگیری و مجازات، شیوه های واکنشی جامعه در قبال آن تلقی می شود. جامعه برای صیانت از ارزشها و آرمانهای خود، چنین شیوه هایی را روا می دارد: اما باید توجه داشت که حراست و حفاظت از کیان جامعه، هرگز نباید دستاویز و بهانه ای برای پایمال شدن حقوق و آزادیهای مشروع افراد باشد. به همین جهت باید بیشترین حد احتیاط را در حفظ حقوق افراد به کار بست (۱) و اصول عدالت و حقوق بشر، یعنی کرامت شخص انسان، آزادی رفت و آمد افراد و خلوت زندگی خصوصی آنان را محترم شمرد. (۲)

البته این که کدام یک از دو مصلحت حفظ کیان اجتماع یا حفظ آزادیها و حقوق مشروع افراد، مهمتر است و در موارد گوناگون چگونه باید با این دو برخورد کرد، بحثی بسیار مهم است که در مجال این نوشتار نمی گنجد. به هر حال، ظاهر متون دینی و سخنان امام علی (علیه السلام) چنین نشان می دهد که قاعده نخستین در اقدامهای پیشگیرانه این است که باید بنا بر حفظ حقوق افراد باشد و چشم پوشی از حقوق و آزادیهای مشروع مردم و بی اعتنایی به آن، جز با دلیل موجه، جایز نیست. امام علی (علیه السلام) در حکومت خویش، این مهم را برای مسلمان و غیرمسلمان رعایت و بدان گوشزد می کرد. آن حضرت در خصوص حفظ حرمت مؤمن می فرماید:

«خداوند را محرماتی است که ناشناخته نیست و حلال هایی را مباح دانسته است که در آن کاستی وجود ندارد و در این میان حرمت و احترام مسلمان را بر هر حرمتی برتری بخشیده و با اخلاص و توحید

ص: ۴۳

---

۱- استفانی، گاستون و دیگران، همان، ج ۱، ص ۲۳.

۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «بزهکاری و پلیس محلی»، ص ۱۴۹.

شیرازه حقوق مسلمانان را در نقطه پیوند، به سختی گره زده است.»<sup>(۱)</sup>

بدیهی است رعایت حرمت کسانی که در حریم دولت اسلامی زندگی می کنند، لازم است و این به مسلمان اختصاص ندارد و غیرمسلمانان نیز از آن بهره مند می شوند. امام در نامه ای به مالک اشتر که به حق می توان آن را منشور حکومتی همه اعصار تلقی کرد، وی را به این مهم توجه می دهد:

«مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش. مبادا چونان حیوان درنده ای باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی؛ زیرا مردم دو دسته اند. دسته ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش. اگر گناهی از آنان سر می زند یا کاستی هایی بر آنان عارض می شود، یا خواسته و ناخواسته، اشتباهی را مرتکب می گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر؛ آن گونه که تو دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد.»<sup>(۲)</sup>

ص: ۴۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

۲- «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللِّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَانَّهُمْ صَنَفَانِ إِذَا أَخَ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ يَفْرُطُ مِنْهُمْ الزَّلِيلُ وَتَعْرُضُ لَهُمُ الْعُلَلُ وَيُؤْتِي عَلَى أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَالْخَطَاءِ فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تَحِبُّ وَتَرْضَى أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ» همان، نامه ۵۳.

تا مدتها پیش از این، پیشگیری از جرم فقط وظیفه دولت به شمار می رفت. دولت که نماینده رسمی اجتماع است، موظف به اتخاذ تدابیری برای صیانت از کیان اجتماع در برابر تبهکاری و نابهنجاری بود. رفته رفته این اندیشه قوت گرفت که این مهم بدون مشارکت و همکاری اجتماع تحقق نمی یابد و بهتر است به جای تکیه بر توان دولت و حکومت که در عمل ناکارآمدی خود را نشان داده بود، از بدنه اجتماع در سیاست جنایی استفاده شود. به همین جهت، امروزه در واکنش به پدیده مجرمانه از مشارکت جامعه مدنی سخن می رود. البته این مشارکت همچنان باید تحت نظر دولت انجام گیرد تا به حقوق فردی و خصوصی و نیز کرامت و شأن انسانها کمترین خدشه ای وارد نیاید. مردمی کردن پیشگیری از جرم، گذشته از صرفه جویی هایی که در هزینه ها به همراه دارد، به سبب درگیر شدن نهادهای مردمی و مواجهه آنها با مشکلات، از سویی موجب پایین آمدن سطح انتظارهای عمومی از حکومت، و از سوی دیگر، کاهش نگرانی آنها از جرم نیز خواهد شد: زیرا بزهکاری و تبهکاری از عمده ترین دل مشغولیهها و نگرانیهای مردم است. به همین جهت، امروزه برنامه ها و روشهایی چون «نظارت همسایگی» و «پلیس محلی» در پیشگیری مطرح می شود.

مروری بر سخنان گرانقدر امام علی (علیه السلام) این نکته را به خوبی روشن می کند که آن حضرت پیشگیری از جرم را وظیفه ای همگانی می داند که دولت و یکایک افراد اجتماع و حتی مجرمان بالقوه و نیز افرادی که احتمال بزه دیده شدن آنها وجود دارد، مسئول پیشگیری هستند.



از دید امام علی (علیه السلام) وجود حکومت برای هر جامعه ای ضرورت دارد. به سامان رسیدن امور اجتماعی و صلاح و معاش مردم، در گرو وجود حکومت است و بی حکومتی، نتیجه ای جز هرج و مرج و گسترش اقدام های خودسرانه و نابسامانی های عظیم اجتماعی در پی ندارد. هیچ چیز جامعه و مردم آن را به اندازه بی قانونی از مسیر پیشرفت و کمال باز نمی دارد، به همین دلیل، از دیدگاه حضرت، حکومت امیر ستمگر و فاجر از بی حکومتی و بی قانونی بهتر و مطلوبتر است؛ چرا که بی حکومتی، عامل فتنه های همیشگی است:

«شیر درنده، بهتر از سلطان ستمکار، و سلطان ستمکار بهتر از فتنه های همیشگی است.» (۱)

به همین سبب، امام در برابر خوارج که از نفی حکومت سخن می گفتند فرمود: برای پیشگیری از ناامنی و پایمال شدن حقوق ضعیفان، به حکومت امیری نیکوکار یا بدکار نیاز است و چاره ای از آن نیست.

«مردم به زمامداری نیک یا بد نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت به کار خود مشغول باشند و کافران هم بهره مند شوند و مردم در استقرار حکومت زندگی کنند. به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می شود و به کمک آن با دشمنان می توان مبارزه کرد. جاده ها امن و امان و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود. نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران در امان

ص: ۴۶

---

۱- «أَسَدٌ حَطُومٌ خَيْرٌ مِنْ سُلْطَانٍ ظَلُومٍ وَ سُلْطَانٌ ظَلُومٌ خَيْرٌ مِنْ فَتْنٍ تَدُومٍ». همان.

با دقت در این سخنان، ضمن آن که فلسفه وجود حکومت از دیدگاه امام فهمیده می شود لزوم تدابیر حکومتی برای پیشگیری از جرم نیز روشن می گردد و بدیهی است که در حکومت حکیمان و پارسایان و انسانهای شایسته، این امور بهتر و بیشتر تحقق می یابد. این چنین حاکمانی در حقیقت امینان خداوند بر روی زمین و عامل بازدارنده مردم از زشتیها و پلیدیها هستند:

«همانا زمامدار، امین خدا در روی زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.»(۲)

ارزشمندی حکومت از دیدگاه امیر مؤمنان(علیه السلام) به توجه و اقدام حکومت به همین امور است و گرنه ارزش یک لنگه کفش از آن بیشتر است.

امام علی(علیه السلام) پس از به دست گرفتن حکومت، با بیان این که در صدد کسب قدرت و بهره وری از امور دنیایی پست و بی ارزش نبوده است، هدف خود را چنین تشریح می کند:

«بلکه مقصود ما آن است که نشانه های دین تو را به جامعه بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای تو آشکار سازیم تا بندگان ستمدیده ات را امنیت

ص: ۴۷

- 
- ۱- «إِنَّهُ لَا يَبْدُ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ يَزُّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُلْغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيَجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيَقَاتِلُ بِهِ الْعَدُوَّ وَتَأْمَنُ بِهِ السَّبَلُ وَيُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوَى حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَيَسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ» همان، خطبه ۴۰.
  - ۲- «إِنَّ السُّلْطَانَ لِأَمِينٍ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَمَقِيمٍ الْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَالْعِبَادَ وَوَزَعْتَهُ فِي الْأَرْضِ» آمدی، غررالحکم، شرح خوانساری، جلد ۲، ص ۶۰۴.

فراهم آید و حدود اجرانشده ات به اجرا در آید.»<sup>(۱)</sup>

برخی دستورها و سفارشهایی که امام به نمایندگان و والیان سرزمینهای اسلامی داده، در جهت وظیفه حکومت در پیشگیری از جرم است.

## ۲- وظیفه اجتماع

در الگوی حکومتی امام علی (علیه السلام) مردم نقش بسیار سازنده و حساسی دارند؛ به گونه ای که می توان آن را از بهترین الگوهای حکومت مشارکتی دانست.

امام همواره از حقوق متقابل مردم و حکومت سخن می گوید و بهترین حکومت را حکومتی می داند که در آن، یکایک مردم از احساس مشارکت و مسئولیت بسیار بالایی برخوردار باشند، از نصیحت به حاکمان و زمامداران کوتاهی نورزند، بین خود نصیحت و خیرخواهی داشته باشند و در صورت لزوم، به فرماندهان حکومتی گردن نهند و حاکم را یاری رسانند. در پرتوی تحقق مشارکت واقعی مردم است که زمینه های انحراف و بزهکاری از بین می رود و عدالت واقعی تحقق می یابد، در غیر این صورت باید همچنان در انتظار نابودی و فساد جامعه بود.

امام علی (علیه السلام) در این خصوص از سویی مشارکت را حق مردم می داند که حکومت باید آن را مراعات کند و از سوی دیگر، مشارکت را تکلیف و وظیفه همگانی برمی شمرد و مردم را به ادای آن فرا می خواند.

ص: ۴۸

---

۱- «وَلَكِنْ لِنُرْدِّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامُ الْمَعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» نهج البلاغه، خطبة ۱۳۱.

سفارش های امام علی (علیه السلام) درباره امر به معروف و نهی از منکر، در همین جهت است. وی آشکارا بیان می کند که اگر مردم در انجام این تکالیف، کوتاهی ورزند، فساد و شرارت جامعه را فرامی گیرد:

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدان شما بر شما مسلط می شوند.»<sup>(۱)</sup>

امر به معروف و نهی از منکر، از مهمترین برنامه ها و تدابیری است که اسلام برای مشارکت عامه مردم در پیشگیری از جرم تدارک دیده است و همه افراد مسلمان در سراسر جهان، به صورت یک عضو فعال در آن شرکت دارند و برای هیچ کس در هر مقام که باشد امتیاز و مصونیت قرار نداده است. بزرگترین فرد در جامعه اسلامی می تواند از طرف عادی ترین فرد جامعه مورد امر و نهی قرار گیرد تا کسی در جامعه از قانون و دستورهای شریعت مقدس تخلف نکند.

«کلکم راعٍ و کلکم مسئول عن رعیتہ». توجه به این نکته نیز مهم است که آن چه در عمل، کارایی بیشتری دارد، امر به معروف و نهی از منکر در قالب عمل، آن هم به صورت گروهی است.

### ۳- وظیفه و مسئولیت مجرم و بزه دیده

سومین رکن در برنامه های پیشگیری از جرم «فردی» است که یا در معرض بزه دیدگی قرار گرفته یا خطر فعلیت یافتن اندیشه مجرمانه در او شدت یافته است و هر لحظه ممکن است مرتکب خطا و جرم شود. امام

ص: ۴۹

---

۱- «لا تترکوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شراؤکم» همان، نامه ۴۷.

علی (علیه السلام) به هر دو گروه از این افراد توجه کرده و در سخنان و سفارشهای خود، وظایف آنان را مشخص فرموده است. در آموزه های برجای مانده از آن حضرت می توان این نکته را به روشنی دریافت که برای پیشگیری از بزهکاری و نیز در مقام هدایت و صلاح، خود فرد، نقش اساسی را ایفا می کند. از نظر اسلام، انسان عنصری صرفاً تأثیرپذیر و مجبور نیست، بلکه عنصری تأثیرگذار است که سرنوشت خود و جامعه اش را رقم می زند. او می تواند با اراده و عقل و تدبیر خدادادی خویش، بر نفسانیات و زمینه های وسوسه انگیز و تحریک کننده شهوت، چیره شود و خود را از معرض حوادث، فتنه ها و جرایم دور سازد و به لحاظ همین وضعیت و شخصیت است که ثواب و عقاب الهی (دنیایی یا آخرتی) معنا می یابد.

امروزه دورانی نیست که برای فرد در ارتکاب جرم نقش چندانی در نظر گرفته نشود و همه امور به طبیعت یا اجتماع و حکومت و سایر عوامل بیرونی نسبت داده شود. اکنون فقط به مؤلفه های سرشتی تغییرناپذیر و غیرقابل نظارتی چون سن، نژاد، جنس و ترکیب ژنتیکی بسنده نمی شود، بلکه به اراده و مبادی فردی بیشتر توجه می کنند. این فرد است که اگر کار ناصواب خویش را صواب ببیند یا بزرگی جرم در نظرش خرد و ناچیز آید، به سوی جرم می گراید. پس باید کوشید تا مبادی رفتار او از طریق آموزشهای درست، شکل صحیحی بیابد. در سفارش امام علی (علیه السلام) هم به افرادی که ممکن است در صدد ارتکاب جرم برآیند توصیه هایی وجود دارد و هم به افرادی که احتمال دارد در معرض بزه دیدگی قرار گیرند، سفارش می شود.

سفارش های اخلاقی امام، بیشتر خطاب به گروه نخست است. اینکه افراد اغلب، حب دنیا را از دل بیرون کنند، خدا را بر کار خویش حاضر و

ناظر بدانند، در محاسبه های خود آخرت را هم در نظر بگیرند و از لذتهای زودگذری که از رهگذر ارتکاب جرم به دست می آید چشم بپوشند، همگی از این قبیل است.

در مورد گروه دوم، سفارش هایی چون چشم پوشی از ارزش های کمتر برای حفظ ارزش های بالاتر، مانند چشم پوشی از مال و حتی بذل و بخشش آن برای حفظ آبرو و ناموس، دوری جستن از پذیرا شدن دین و ضمانت های مالی که از عهده آن نمی توان برآمد، دیده می شود.

### **گفتار هفتم: لزوم توجه به تدابیر گوناگون**

اصل دیگری که در نگاه کلان به گفته های امام علی (علیه السلام) استنباط می شود اتخاذ تدابیر همه جانبه و گوناگون برای پیشگیری از جرم است. آن چه در روند شکل گیری مباحث و نظریه های پیشگیری از جرم دیده می شود، جزئی نگری است که البته به پیروی از روش علوم تجربی، در این مباحث نیز پی گرفته شده است. جزئی نگری در مقام پژوهش به سبب آن که زوایای بسیاری از موضوعات خاص و جزئی را با عمق و دقت بیشتری می کاود، امری مطلوب است. اما به دلیل جزئی بودن نمی تواند کارگشایی فراوانی داشته باشد. در مقام عمل و مواجهه با پدیده شومی چون بزهکاری که علل و عوامل گوناگونی در شکل گیری و رشد آن دخالت دارد، نمی توان از یک دیدگاه و به صورت جزئی اقدام کرد. شاید ریشه شکست و عدم کارایی نظریه ها و الگوهای پیشگیری از جرم، همین باشد. به هر حال، اگر جرم و انحراف، پدیده ای است که ریشه در علل و عوامل گوناگونی چون فقر، جهل (کمبود یا نبود آگاهیهای لازم)، محیط اجتماعی، وضعیت سیاسی و فرهنگی دارد، نمی توان با نظر به یک یا چند

عامل و نه همه عوامل با آن مبارزه کرد.

تبع در سخنان امام علی (علیه السلام) آموزه های گوناگونی را در زمینه پیشگیری از جرم فرا روی انسان قرار می دهد. با نگرشی کلان به این آموزه ها می توان دریافت که امام مبارزه و به تعبیر بهتر، واکنشی همه جانبه را در این راه، ضروری می بیند. البته می توان با تحلیل دقیق این آموزه ها، اولویت های اساسی پیشگیری از جرم را استخراج کرد. به طور مثال، امام علی (علیه السلام) نادانی را پایه هر گونه شر و بدی و دانش را سرمنشأ هر گونه خیر و صلاح می داند. از دیدگاه او تقوای الهی و کوشش در جهت متقی کردن یکایک افراد جامعه، کلید و منشأ رستگاری جامعه و رهایی آن از هر بدبختی است.

این گونه آموزه ها که امام در آن از اساس و سبب هر بدبختی و انحراف سخن می گوید، در مقایسه با دیگر آموزه هایی که از معاشرت کردن با فاسقان و فاجران و نیز حضور در مکانهای خاصی پرهیز می دهد، می تواند این معنا را برساند که از نظر وی کدام یک اولویت دارد. تکرار یک آموزه در سخنان حضرت امیر نیز به سبب در دسترس نبودن همه سخنانش نمی تواند دلیل کافی برای اهمیت و اولویت آن آموزه باشد، ولی با نظر به آنچه فعلاً موجود است، می تواند نوعی اولویت برای آن آموزه را بیان کند.

در ادامه، ضمن ارائه آموزه های پیشگیری از دیدگاه امام علی (علیه السلام) که بیانگر روش ها و برنامه های پیشگیری است، به نوعی اولویت ها نیز خاطر نشان می شود.

ص: ۵۲

گفتار نخست: اجرای عدالت

نگاهی به گفتارهای امام علی (علیه السلام) این مطلب را به ذهن خواننده متبادر می‌سازد که «عدالت» بنیاد و قوام جامعه سالم است که بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انحرافها و جرایم را از میان می‌برد. افزون بر آن هنگام بروز کجی و انحراف در جامعه، می‌کوشد تا با بهترین شیوه ممکن، حالت اعتدال را به جامعه بازگرداند؛ به گونه‌ای که به حقوق مشروع افراد و کیان اجتماع لطمه‌ای وارد نشود. نقش کارساز و زیربنایی عدالت، انسانها را همواره شیفته خود ساخته است و هیچ انسانی، هر چند ستمکار، از شعار عدالت خواهی و عدالت طلبی نمی‌گریزد. به عبارت دیگر، «عدالت» همواره در اندیشه و گفتار بشر، تقدس و ارزش داشته است، تا آن جا که ظلم بالسویه را نیز عدل خوانده‌اند و حاکمان و سردمداران، ستمگریهای خود را به نام رفع ظلم و برقراری عدالت توجیه کرده‌اند.

با وجود این، در میان عالمان، «عدالت» مفهوم و معنای مورد اتفاقی



نمی یابد و دربارهٔ عناصر سازندهٔ مفهوم عدالت اختلاف وجود دارد. تعاریفی که از عدالت ارائه شده، مفاهیم انصاف، برابری، بی طرفی و پاداش یا کیفر مناسب را دربردارد. طبق نظریهٔ لوکاس (۱۹۸۰) عدالت، مفهومی متفاوت از نیکوکاری، بخشندگی و سخاوت، قدردانی و حق شناسی، دوستی و دلسوزی دارد. عدالت چیزی نیست که لزوماً باید به سبب آن احساس خرسندی کنیم، بلکه چیزی است که بر اساس آن، بر حق پافشاری داریم.

مفهوم عدالت را نباید با مفهوم خیر درآمیخت. برخی کارها ممکن است خوب تلقی شوند، اما برای عدالت ضروری نباشند. به طور مثال، صدقه دادن و عفو و گذشت خیر است، ولی عدالت نیست.

متون دینی و به ویژه سخنان امام علی (علیه السلام) معنا و تصویر روشنی از عدالت ارائه داده اند. حضرت می فرماید: «عدالت، هر چیزی را در جای خود می نهد، در حالی که بخشش، آن را از جای خود خارج می سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است، در حالی که بخشش، گروه خاصی را

شامل می شود.»<sup>(۱)</sup>

از این سخن درمی یابیم که عدالت شریفتر و برتر است. دقت در کلام امام، بیانگر تفاوت «عدالت و تساوی» و «عدالت و اخلاق» است. ممکن است «تساوی» در مواردی از مصادیق عدالت و در موارد دیگر، از مصادیق ظلم باشد که در این صورت، رفتار نکردن به تساوی در جایی که باید به تساوی رفتار شود، خود، موجب پایمال شدن حقوق افراد و برانگیخته شدن احساسات و عواطف آنها و برهم خوردن نظم اجتماعی می شود. در مقابل به تساوی رفتار

کردن در جایی که باید به تساوی رفتار

ص: ۵۴

---

۱- «العدلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَ الْجُودُ مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ مِنْ جِهَتِهَا وَ الْعَدْلُ مَسَائِسُ عَامٌّ وَ الْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ» همان، حکمت ۴۳۷.

نشود نیز گذشته از آن که خود، جرم به شمار می رود، جرم زا است. به همین جهت «عدالت» (در صورت رعایت)، عوامل جرم زایی را از میان برمی دارد؛ زیرا احساسات و عواطف آدمیان را ارضا می سازد. البته مانند بسیاری موارد، ممکن است هم برای مجریان عدالت و هم برای عموم مردم، در تشخیص مصادیق، نوعی خلط و خطا پیش آید که در این صورت، چه بسا ظلمی چهره عدل به خود گیرد یا عدلی، ظلم تلقی می شود و عادل به سبب اجرای عدالت ظالم قلمداد و شهید راه عدالت گردد.

از سوی دیگر، عدالت خواهی شعاری شیرین است، اما در عمل، هم سخت و هم برای برخی تلخ است. از این رو همراه شدن آن با اخلاق، تا اندازه ای چهره ای لطیفتر به آن می بخشد. اما هرگز نباید اخلاق، ایثار و جود را مبنا قرار داد و از عدالت صرفنظر کرد؛ چرا که به نابودی خود اخلاق منجر خواهد شد. (۱)

استاد مرتضی مطهری می گوید: اجرای عدالت است که می تواند جلوی مطامع روحی را سد کند، جلوی حرصها و آزها و طمعها را بگیرد. البته عدالت فقط می تواند رادع و مانع باشد، نه این که آنها را از بیخ و بن برکند. اما اگر عدالت نباشد و میدان، میدان زور و غارت و چپاول باشد، آنها که تحت فشار عوامل روحی همچون حرص، آز، طمع، حسد، حقد و کینه هستند، مطامعشان بیشتر تحریک می شود و بیشتر تحت فشار قوی این عاملها قرار می گیرند. امکان اینکه به سوی ظلم و جور و ستم کردن و اجحاف حقوق دیگران کشیده شوند، بیشتر است. این هم از بُعد

ص: ۵۵

فردی است و هم از بُعد اجتماعی. (۱)

تاریخ زندگی بشر از آن حکایت دارد که اجرای عدالت، با کاهش جرم، و عدم اجرای عدالت، با افزایش جرایم همراه بوده است. در جوامعی که ثروت به صورت نابرابر توزیع شده و دسترسی به آموزش و پرورش، اشتغال و مراقبت بهداشتی برای همگان به صورت مساوی امکان پذیر نمی باشد، نرخ جرایم بالاتر است. (۲)

بدین لحاظ از جمله اهدافی که سازمان ملل در زمینه عدالت کیفری و پیشگیری از جرم ارائه کرده، اجرای عدالت به شیوه ای کارآمدتر و مؤثرتر است؛ البته با رعایت احترام به حقوق همه افراد زیان دیده از جرم (قربانیان جرم) و همه کسانی که در نظام کیفری دست اندرکارند. (۳)

در اندیشه امام علی (علیه السلام) به سامان رسیدن کار حکومت و بقای آن، در گرو اجرای عدالت است:

«هیچ دژی به اندازه اجرای عدالت، از حاکمیت پاسداری نمی کند (از سقوط و تهاجم محفوظ نمی دارد)»؛ (۴)

در غیر این صورت، فساد و تباهی حاکمان، فقط به سطح خودشان محدود نمی شود و از آنجا که آنها الگوهای جامعه اند، مردم نیز به فساد کشیده می شوند و خشونت، بدبختی، فقر، گمراهی و ... از آثار چنین

ص: ۵۶

۱- همان، ص ۱۴.

۲- معظمی، شهلا، جرم شهری: سیاستهایی برای پیشگیری، مجله امنیت، شماره ۱۰-۹، سال ۱۳۷۹، ص ۵۰.

۳- . همان.

۴- «ما حصن الدول بمثل العدل» حکیمی، محمدرضا و دیگران، همان، جلد ۶، ص ۳۳۰.

جامعه ای خواهد بود. در این جامعه، دیگر از سازندگی مادی خبری نیست.

«در جایی که حکومت ستم کند، آبادانی

وجود نخواهد داشت.»<sup>(۱)</sup>

در این جامعه سازندگی معنوی انسانها نیز به فراموشی سپرده می شود، چرا که اصلاح توده ها و اجرای برنامه هایی که سازندگی شخصیت آنها را در پی دارد، در گرو اجرای عدالت است:

«توده را جز اجرای عدالت، چیز دیگری اصلاح نمی کند.»<sup>(۲)</sup>

فقرزدایی، تکاثرزدایی، ایجاد برابری انسانی، تعلیم و تربیت سالم، سلامت روانی جامعه، داد و ستد مشروع و درست، تثبیت ارزشها، احیای احکام دین و پرورش دینداری همه در گرو عدالت است. از این رو امام علی (علیه السّلام) می فرماید: خداوند سبحان، سامان یابی (اصلاح) جامعه انسانی را در گرو اجرای عدالت قرار داده است.

### گفتار دوم: مبارزه با نادانی

در اندیشه علی (علیه السّلام)، مبارزه با نادانی، جزو اساسی ترین برنامه های پیشگیری از انحراف و تباهی است. اولویت انجام این مهم بدان سبب است که حضرت نادانی را به صراحت، ریشه هر شر و بدی<sup>(۳)</sup> و منبع و معدن آن می داند.<sup>(۴)</sup> ایشان قاعده ای کلی را ارائه می دهد که علت لغزش و انحراف رفتاری، عقیدتی و اخلاقی آدمی را باید در نادانی او جست و

ص: ۵۷

۱- «لا یكونُ العمرانُ حیثُ یجورُ السلطانُ» همان، ص ۳۵۴.

۲- «الرّعیةُ لا یصلحها إلا العدلُ» همان، ص ۴۰۰.

۳- آمدی، غررالحکم، شرح خوانساری، جلد ۱، ص ۲۰۵، ح ۸۱۸.

۴- همان، ص ۱۷۳، ح ۶۵۷.

مصادیق و نمونه هایی از آن را نیز بیان می کند،<sup>(۱)</sup>

البته در این که مقصود از نادانی مقابل دانایی یا عقل است، دیدگاه های متفاوتی ارائه شده که مجال طرح آن در اینجا نیست.

اعتقاد نویسندگان بر این است که حتی اگر جهل، نقطه مقابل عقل نیز تلقی شود، با توجه به این که امام علی (علیه السلام) عقل را بر دو نوع مکتسب و غریزی می داند<sup>(۲)</sup> عقل نقطه مقابل علم نیز تلقی می شود (با این فرض که مقصود از علم، همان عقل مسموع و دانش فراگرفته شده باشد)؛ از این رو، مبارزه با نادانی هم بیدارسازی عقلهای سرشته و ذاتی آدمیان و هم ارائه دانشهای لازم به آنها را دربرمی گیرد و به اصطلاح، هم تذکر و هم تعلیم را پوشش می دهد.

روشی که امام در مبارزه با نادانی ارائه می کند، بسیار قابل توجه و در جهت همان اصولی است که با استفاده از دیدگاه حضرت ارائه شد. ایشان از سویی حکومت را به تعلیم دادن و آگاهی بخشی به مردم موظف می کند و این را از حقوق شهروندان بر حکومت می داند که به هیچ روی نباید ترک شود و در جای دیگر، منظور خویش از این دانش را تفسیر می کند:

«بر امام و حاکم لازم است که معیارهای اسلامی و ایمان را به مردم تحت سرپرستی خویش بیاموزد.»<sup>(۳)</sup>

از سوی دیگر، امام متفکران را به نشر دانش خویش و کوشش در

ص: ۵۸

- 
- ۱- همان، ج ۷، ص ۵۲-۵۱؛ حکیمی، محمدرضا و دیگران، همان، ج ۱، فصل ۶.
  - ۲- «العقل نوعان غریزی و مکتسب» ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، باب ۳۱، ص ۶۲.
  - ۳- «علی الإمام أن يعلم أهل ولايته حدود الإسلام والإيمان» آمدی، همان، ج ۴، ص ۳۱۸.

جهت هدایت و تعلیم مردم موظف می سازد و سرانجام، یکایک مردم اجتماع را به دانش اندوزی و کسب اطلاعات لازم سفارش می کند و آن را فریضه ای بزرگ می شمارد و حیا و شرمساری (به علت بالا بودن سن یا ...) را در یادگیری رد می کند:

«یا دانا باش یا جوینده دانایی، و جز این دو مباش که نابود خواهی شد.»<sup>(۱)</sup>

نوع ارتباطی که امام بین وظیفه عالم و متعلم تصویر می کند، بیانگر یکی از مهمترین فنون پیشگیری از جرم است که از آن به فراهم آوردن مقدمات لازم برای تحقق راهبردها تعبیر می کنیم. امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید:

«خداوند از مردم نادان عهد نگرفت بیاموزند، مگر وقتی که از دانایان عهد گرفت آموزش دهند.»<sup>(۲)</sup>

مسئله ارائه اطلاعات لازم و افزایش آگای هیهای عمومی که امروزه از آن در قالب تدابیر و برنامه های مبارزه با بیسوادی، آموزش رایگان و اجباری، تشکیل کلاسها و جلسات آموزشی تعبیر می شود و در ردیف مهمترین وظایف حکومت و رسانه های عمومی به شمار می آید، همگی در جهت تحقق این مهم است. بی جهت نیست که ویکتور هوگو می گفت:

«در یک مدرسه را باز کنید تا در یک زندان بسته شود.»<sup>(۳)</sup>

باید توجه داشت که با هر دانشی، به ضرورت، جرم و انحراف فرو

ص: ۵۹

---

۱- «اغدُ عالماً أو متعلماً و لا تکن ثالثاً فتعطب» حکیمی، محمدرضا و دیگران، ج ۱، ص ۷۱، ح ۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸.

۳- دانش، تاج زمان، همان، ص ۲۶۲.

نمی‌نشیند. از این رو، توجه به نوع دانشی که فراگرفته می‌شود، بسیار ضرورت دارد. برخی علوم برای فرد و جامعه نفعی اندک دارد یا برای هر دو زیان آور است که این دو، از دایره مفهومی علم مورد نظر امام خارج است. ایشان فراگیری دانشی را الزامی می‌داند که سبب صلاح و رشد مثبت آدمی شود. (۱)

همین علم است که امام آموزش آن را برای پیشگیری از انحرافهای عقیدتی کودکان و نوجوانان، واجب دانسته و پدران و مادران را به آن تکلیف کرده است:

«به کودکان دانش بیاموزید که برایشان مفید باشد، تا صاحبان افکار باطل (مرجئه) آنان را گمراه نسازند.» (۲)

به همین سبب، پیشوایان دینی از علمی که برای فرد نفعی ندارد، به خدا پناه می‌برده‌اند، زیرا این علم و این مدرسه، نه تنها موجب هدایت و پیشگیری فرد از انحراف نیست، که موجب گمراهی او نیز می‌شود. بدبختانه گاه آنچه به صورت رسمی و غیررسمی در مدارس و آموزشگاه‌ها یا رسانه‌ها و مطبوعات، آموزش داده می‌شود، از این نوع است و مصداق همان سخن هلوسیوس در قرن هجدهم است که می‌گفت:

«آدمیان نادان به دنیا می‌آیند، نه ابله. آنان به واسطهٔ تعلیم و تربیت به

ص: ۶۰

---

۱- «ألزم العلم بک ما دلّ علی صلاح دینک و ابان ان فساد» آمدی، همان، ج ۲، ص ۴۷۱، ح ۳۳۳۷.

۲- «علّموا صبیانکم ما تنفعهم الله به لا تغلب علیهم المرجئه» حکیمی، محمدرضا و دیگران، همان، ج ۱، ص ۱۱۱.

از آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت که بین نادانی و جرم رابطه ای مستقیم وجود دارد؛(۲) به همین علت، جهالت زدایی از مهمترین اولویتها در پیشگیری از جرم است. اما باید به این نکته نیز توجه داشت که بین علم و پیشگیری از جرم رابطه مستقیمی وجود ندارد؛ چنانکه رابطه بین علم (به صورت مطلق) و انحراف نیز چنین است. آری آگاهی درست و لازم می تواند نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم داشته باشد. نتیجه بخش بودن آگاهی به شخصیت فراگیر نیز بستگی دارد. در سخنان پیشوایان دینی، از جمله امام علی(علیه السلام) با صراحت آمده است که اگر فراگیران از تهذیب و پرورش اخلاقی درست بهره مند نباشند، علوم مفید نیز نمی تواند برای اینان کارگشا و راهنما باشد و اینجا است که سومین اولویت در برنامه های پیشگیرانه رخ می نماید و آن تهذیب اخلاقی افراد و نهادینه سازی اخلاق درست است.

### گفتار سوم: کوشش برای ترویج اخلاق فاضله

سومین اولویت پیشگیری از جرم در سخنان امام علی(علیه السلام) مبارزه با رذایل اخلاقی در سطح فردی و اجتماعی است. امام سرچشمه بسیاری از شرور، پلیدیها و فجایع را در رذایلی چون حقد، حسد، بغض، خود برترینی، تفاخر و غرور بیجا می داند:

ص: ۶۱

---

۱- باتومور، تی.بی، جامعه شناسی، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی، ص ۲۴۷.

۲- در زمینه رابطه علم و جهل با جرم، ر.ک.: محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه یابی جرم در اسلام.



«کینه توزی، سلاح شرارت است.»<sup>(۱)</sup> و یا

«کینه توزی علت فتنه ها است.»<sup>(۲)</sup> و یا «آز، آدمی را در نابهنجاریهای بسیاری قرار می دهد.»<sup>(۳)</sup>

آنچه در اسناد و تحقیقات بین المللی مکتوب است و جرم شناسان نیز بدان تأکید داشته اند، تصریح روشن به این نکته است که بین جرم و وجود نابهنجاریهای اخلاقی در سطح فردی یا اجتماعی، رابطه ای مستقیم وجود دارد. در نهمین کنگره سازمان ملل متحد در خصوص پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان که در قاهره تشکیل شد و به جرایم خشونت آمیز اختصاص داشت، آمده است:

«دو صفت از شخصیت انسان، ارتباط زیادی با گسترش رفتار خشونت آمیز دارد: یکی فقدان همدلی با احساسات دیگران و دیگری طبیعت آنی اندیشی که متضمن عدم توانایی در چشم پوشی از لذت است ...»

اخلاق فردی به مثابه نظام نظارت کننده قوی درونی، در مقابل قانون و پلیس که نظارت کننده های بیرونی هستند عمل می کند. اخلاق اجتماعی نیز خود، نوعی ناظری غیررسمی است که به مراتب قوی تر و کارآمدتر از قانون است که ابزار نظارت رسمی به شمار می رود. به همین جهت، راسل معتقد بود که بدون اخلاق اجتماعی، اجتماعها نابود می شوند و برای دنیای خوب، اخلاق اجتماعی و فردی به طور مساوی لازم است. در نقطه

ص: ۶۲

---

۱- «سلاح الشرِّ الحقدُ» آمدی، همان، ج ۴، ص ۱۲۹، ح ۵۵۵۵.

۲- «سببُ الفتنِ الحقدُ» همان، ص ۱۲۱، ح ۵۵۲۲.

۳- «الحرصُ موقعٌ فی کثیر من العیوب.» همان، ج ۱، ص ۲۹۴، ح ۱۱۳۱.

مقابل، حاکمیت رذایل اخلاقی و عدم وجود وجدان اخلاقی قوی، عامل بسیاری از بزهکاریهای کوچک و بزرگ به شمار می آید.

تحقیقات روان شناختی نشان می دهد که جنایت و بزهکاری، با درجه های پایین استدلال اخلاقی همراه است و حتی بین نوع جرمی که محکومان مرتکب می شوند و مرحله رشد اخلاقی آنها رابطه وجود دارد. نقش اخلاق فاضله این است که می تواند مانع بسیار مهمی در برابر شهوتها، خودپرستی ها و خودبینی ها باشد. دورکیم می گوید:

«شهوات بشری تنها در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می ایستد. اگر هیچ نوع اقتدار اخلاقی وجود نداشته باشد، تنها قانون جنگل حکم فرما خواهد بود و ستیزه جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، الزاماً حالتی مزمن به خود خواهد گرفت.»<sup>(۱)</sup>

شریعت اسلام نیز اخلاق را از اساسی ترین ارکان اجتماع می داند و در حمایت از آن می کوشد و حتی با انحراف از این مسیر به شدت برخورد می کند؛ به گونه ای که برای بسیاری از رفتارهای ضداخلاقی مجازات در نظر گرفته است.<sup>(۲)</sup>

از سوی دیگر، یکایک مردم اجتماع را به اخلاق نیک دعوت می کند. پیامبر هدف از برانگیخته شدن خود را کامل کردن مکارم اخلاقی می داند. اینها همه از نقش بارز اخلاق در سعادت فرد و جامعه حکایت دارد؛ زیرا کسی که خود را به اخلاق نیکو آراست، به ندرت

ص: ۶۳

---

۱- آرون، ریمون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، ص ۳۴۳.

۲- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ترجمه ناصر قربان نیا، سعید رضایی و حسین جعفری، ج ۱، ص ۸۰.

مرتکب جرم می شود،<sup>(۱)</sup> و در چنین جامعه ای، زمینه ها و علل پیدایش جرم از میان می رود.

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) نیز اخلاق، دست مایه سعادت دنیایی بشر است. حضرت می فرماید که اگر به خدا و قیامت اعتقادی، و از آن ترسی نباشد باز هم لازم است آدمیان به اخلاق درست روی آورند، زیرا این امر مایه رهایی و رستگاری آنها است.<sup>(۲)</sup>

ایشان توجه به خودسازی و حسابرسی نفس را باعث سلامت فرد و جامعه می دانند. سفارشهای امیر مؤمنان (علیه السلام) در زمینه خودسازی، تقوا، زهد، ایثار و همدلی و همراهی، تحمل، صبر، عفاف و به ویژه پرهیز از دنیاپرستی و عجب و آز، همه در جهت پرورش اخلاقی فرد و جامعه و نقشی است که این مهم در پیشگیری از بزهکاری دارد.

### گفتار چهارم: اتخاذ تدابیر لازم برای رفع نیازهای اساسی

#### اشاره

انسان، موجودی با نیازهای جسمی و روانی است که زندگی اش و تداوم آن به ارضای این نیازها بستگی دارد و کمیت و کیفیت ارضای این نیازها نیز در شکل گیری شخصیت متعادل، سالم و بهنجار، یا به عکس، شخصیت نامتعادل، منحرف و گمراه او نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. بارزترین و اولی ترین این نیازها، نیازهای فیزیولوژیک (جسمانی) از جمله غذا، آب، مسکن، پوشاک، تفریح، استراحت و نیازهای جنسی است. این نیازها، پایه و اساسی برای توجه فرد به نیازهای متعالی و کوشش در

ص: ۶۴

۱- همان، ص ۲۰۹.

۲- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ح ۵۰۴۴، به نقل از: محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳، ح ۱۲۷۲۱.

جهت پاسخگویی مناسب به آنها به شمار می آید. در آموزه های موجود از پیشوایان دینی، ضمن توجه دادن به ضرورت پاسخگویی درست به این گونه نیازها، هشدار داده شده در صورت عدم تأمین نیازهای اساسی افراد، آمادگی رفتار منحرفانه در آنان قوت و فزونی خواهد یافت و نمی توان از شر و بدی آنها ایمن بود.

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) عدم تأمین یا تأمین نامناسب هر یک از نیازهای اساسی انسان می تواند عامل مهمی در شکل گیری رفتارهای مجرمانه و منحرفانه باشد.<sup>(۱)</sup>

از این رو، برای پیشگیری از این گونه رفتارها لازم است اقدامهای ضرور از سوی حکومت، جامعه و افراد اتخاذ گردد.

اشاره به برخی از این تدابیر و اقدامها می تواند راه گشا و مفید باشد.

### ۱- تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی

از دیرباز تاکنون درباره نقش فقر (به مفهوم عدم قدرت فرد در تأمین نیازهای معیشتی و جسمی) در بزهکاری، بحثهای بسیاری شده است. افلاطون در جمهوریت، فقر را عامل از بین رفتن احساسات و در نتیجه، تشدید حس کینه توزی، انتقام جویی و بدبینی می داند.

آمارها و پژوهش های انجام یافته نیز از افزایش میزان بزهکاری هنگام ازدیاد قیمت ها (و در نتیجه، عدم توانایی افراد در رفع نیازهای معیشتی خود) حکایت دارد.<sup>(۲)</sup> گذشته از عوامل فردی، چون تنبلی و سستی، مهمترین عوامل این پدیده شوم را باید در نظامهای اقتصادی نادرست،

ص: ۶۵

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۶۰ و حکمت ۳۱۹.

۲- ر.ک.: ستوده، هدایت الله، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، ص ۸.

بحرانهای اقتصادی، توزیع نامناسب و ناعادلانه امکانات جست. در نقطه مقابل، جهت مقابله با این پدیده شوم و پیشگیری از جرایم، افزون بر کوششی که هیأت حاکمه اجتماع باید در رواج فرهنگ کار و تلاش انجام دهد، باید اموری چون ارائه دستمزد کافی، عدالت اجتماعی، تحت حمایت قرار دادن خانواده های بی سرپرست، ترویج فرهنگ ایثار و اطعام به نیازمندان را پیش گیرد و بدین سان یکی از سرچشمه های مهم بزهکاری را بخشکاند.

این مهم، به روشنی در سیره عملی و گفتار امام علی (علیه السلام) دیده می شود. حضرت گذشته از اینکه خود الگوی تمام عیار کار و کوشش بود، افراد را به کار و تلاش و استفاده از نعمتهای الهی فرا می خواند. اقدامهایی که ایشان در دوران کوتاه و پر برکت خویش انجام داد و کارگزارانش را به رعایت آنها سفارش کرد، بسیار در خور توجه است.

## ۲- پرداخت دستمزد کافی

امیر مؤمنان (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر، به وی سفارش می کند که قاضیان و کارمندان دستگاه قضایی را تأمین کند تا احتیاج آنها به مردم کم شده، از نفوذ طماعان و حيله گران در امان بمانند:

«آن قدر به او ببخش که نیازهایش را بر طرف کند و نیازش به مردم کم شود ... تا از توطئه آنان نزد تو در امان باشد.»<sup>(۱)</sup>

دقت در کلام امام به خوبی نوع رابطه مستقیم رفع نیازهای مادی و پیشگیری از فریب خوردن و گمراهی قاضیان را نشان می دهد. پدیده

ص: ۶۶

شوم رشوه، پایمال کردن حق ضعیف و مظلوم و بی‌اعتنایی به افراد کم‌درآمد در دادگاه‌ها، در این مسئله ریشه دارد.

امام علی (علیه السلام) برای دیگر کارگزاران حکومت نیز همین مطلب را به مالک اشتر سفارش می‌کند:

«سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دارد که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی بر آنان است اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.»<sup>(۱)</sup>

بر اساس گفتار علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) بی‌توجهی به نیازهای معیشتی کارمندان زمینه رعایت قوانین حکومتی و قواعد و مقررات اخلاقی را از بین می‌برد. به همین جهت، حضرت هشدار می‌دهد که «اگر نیازهای مادی کارمندان تأمین شده باشد، حتی افراد نادرست نیز بهانه‌ای برای دزدی و خیانت و رشوه‌خواری نخواهند داشت، اما اگر نیازهای مادی آنان تأمین نشده باشد، فشار احتیاج، آنها را از راه راست منحرف می‌سازد و روحیه امانت‌داری را در آنان متزلزل می‌کند و زمامدار نیز حجتی بر آنان نخواهد داشت. زیرا سرقت و خیانت خود را توجیه می‌کنند و گناه آن را به گردن زمامداری که آنها را در محرومیت و نیازمندی نگاه داشته و در عین حال، اموال مردم را زیر دستشان قرار داده است، خواهند انداخت.»<sup>(۲)</sup>

ص: ۶۷

---

۱- همان.

۲- فاضل لنکرانی، محمد، آیین‌کشورداری از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، تقریر و تنظیم حسین کریمی، ص ۱۵۸.

### ۳- اصلاح نظام مالیاتی

حضرت امیر، اصلاح نظام مالیاتی را مبنا و پایه دیگر اصلاحات می داند، چرا که همه مردم را نان خور مالیات و مالیات دهندگان برمی شمرد و آبادانی شهرها و ولایات را وابسته به آن می داند. البته در اصلاح نظام مالیاتی نیز سفارش می کند که این نظام باید به گونه ای باشد که مصلحت مالیات دهندگان نیز مدنظر قرار گیرد تا آنان از انجام دادن این مهم سرباز نزنند:

«در کار خراج، چنان بنگر که صلاح خراج دهندگان باشد؛ زیرا بهبود خراج و خراج دهندگان، عامل اصلاح امور قشرهای جامعه است و تا کار خراج دهندگان سامان نپذیرد کار دیگران سامان نگیرد که مردمان همگان، هزینه خوار خراج و خراج دهندگانند.»<sup>(۱)</sup>

به همین سبب امام علی (علیه السلام) در وضعیت بد اقتصادی و جغرافیایی چون آفت زدگی، کمی نزولات آسمانی و خشکسالی، به تخفیف در گرفتن مالیات سفارش می کند.<sup>(۲)</sup>

### ۴- توجه ویژه به محرومان

در هر حکومتی همواره طبقاتی محروم و مستضعف وجود دارند که به عللی از تأمین نیازهای نخستین خود ناتوانند. گروهی از اینان خویشان داری کرده، گروهی دیگر به گدایی دست می زنند. این مسئله خود می تواند عاملی در بزه دیدگی یا بزهکاری آنان باشد. حکومت موظف است دست کم نیازهای معیشتی اینان را از بیت المال برآورد.

ص: ۶۸

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- همان.

در این میان، یتیمان و بی سرپرستان و سالخورده‌گان و سالمندان باید از توجه ویژه ای برخوردار باشند. امام علی (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر به صراحت بر این نکته تأکید ورزیده است. (۱)

ایشان از سوی دیگر، یکایک افراد جامعه را به رفع نیاز مسکینان ترغیب می کنند و مسکین رو آورده به انسان را به مثابه فرستاده خدا می داند که پاسخ به او پاسخگویی به خدا است. (۲)

(سیاست مشارکتی بر مبنای اندیشه دینی)

### گفتار پنجم: حفظ کرامت و منزلت انسان ها

#### اشاره

از نیازهای اساسی آدمیان، حفظ و پاسداشت کرامت، حرمت، آبرو و مقام و منزلت آنها در اجتماع است. این نیاز برای انسان آن قدر ارزشمند است که گاه حاضر است از نیازهای معیشتی و ضروری خود نیز در حد امکان چشم بپوشد و کرامت خویش را نزد دیگران محفوظ نگاه دارد. آدمی به سبب همین نیاز از انحراف و کژروی بیم دارد و به آن نزدیک نمی شود، البته میزان توجه هر فرد به این نیاز و چگونگی ارضای آن، به نوع تربیت خانوادگی و نیز فرهنگ و نظام اجتماعی حاکم بر او بستگی دارد و چه بسا انسانی به علل گوناگون از این نیاز چشم می پوشد یا با توجیهاات نادرست، خود را می فریبد.

نکته مهم این است که بیدارسازی انسانها برای توجه به این نیاز و نیز کوشش در جهت ارضای درست آن می تواند عاملی مهمی در پیشگیری از

ص: ۶۹

۱- همان.

۲- همان، حکمت ۳۰۴.



جرايم به شمار آيد. امام علي (عليه السلام) در آموزش هاي عمومي خود با ترسيم دو الگوي شخصيتي كريم و لئيم ويژگي ها و رفتارهاي اين دو را در عبارت هاي گوناگون برشمرده و از اين طريق، مردم را به اتصاف به كرامت، ترغيب كرده است. از جمله ويژگي هاي كريمان در سخن امام، خويشتن داري و پرهيز از تن دادن به خواهش ها و هوس هاي زودگذر، نرم خويي، پابندي به پيمان، آبروداري و ترجيح آبرو و ناموس بر ثروت و بخشش را مي توان نام برد.<sup>(۱)</sup>

در مقابل، انسان هاي لئيم، اسير هوس ها و خواهش هاي خود و سخت دل و پيمان شکن هستند، به آبروي خويش وقعي نمي نهند و ترجيح ثروت بر آبرو و ناموس، انتقام جويي و كينه توزي از ديگر ويژگيهاي آنان است. امام به كارگزاران و متوليان امر حكومت، رعايت اموري را سفارش مي كند كه حافظ كرامت مردم است و آنان را همچنان در مدار كرامت نگاه مي دارد. اينك به برخي از اين آموزه ها اشاره مي شود.

### ۱- حفظ منزلت و ارزش همه افراد

از جمله ويژگي ها و رفتارهايي كه انسان ها به طور معمول دارند، «پيش داوري» است؛ به اين معنا كه بر حسب ساختارها و قالبهاي ذهني خودشان (گرچه نادرست باشد) درباره رفتارها و شخصيت انسان هاي ديگر داوري مي كنند كه گاهي اين نحوه نگرش و قضاوت ها بسيار متعصبانه است و به طور مثال درباره دينداري كساني كه به باورها و اعتقادات آنان معتقد نيستند، ترديد مي كنند؛ در حالي كه ممكن است

ص: ۷۰

---

۱- ر.ك.: آمدی، همان، ص ۳۴۸-۳۴۵.

باورها و اعتقادهای خود آنان از اساس باطل و نادرست باشد، یا بر فرض به کسی که

شخصیتی خاص داشت یا مرتکب چند خطا شد و سزای رفتار خودش را نیز دیده است، به چشم انسان دارای حقوق و امتیازهای انسانی نگاه نمی کنند.

چنین نگرشی بدون شک سبب فرو ریختن عزت و شکسته شدن حرمت و شخصیت فرد می شود و می تواند عاملی در سوق دادن او به سوی بزهکاری باشد. نگرش حکومت و حاکمان به رعیت و فرودستان نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به همین جهت امام در نامه خود به مالک اشتر می فرماید:

«و مهربانی بر رعیت و دوستی ورزیدن با آنان و مهربانی کردن با همگان را برای دل خود پوششی گردان و چون جانوری شکاری مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا رعیت دو دسته اند: یا برادر دینی تواند یا همانند تو در آفرینش.»<sup>(۱)</sup>

## ۲- پوشاندن عیب های کوچک مردم

در نظام پیشگیری اسلامی، با همه خطاهای مردم، آشکارا برخورد نمی شود، بلکه با استنباط مجموع آموزه های دینی، اصل و قاعده اولی در برخورد با لغزشها و خطاها به ویژه اگر خطاکننده شخصیت سالمی داشته و بر اثر غفلت یا علل و عواملی دچار انحراف شده باشد و نیز اگر خطا فاحش نباشد -- پنهان نگاه داشتن آن و برخوردی از روی تغافل با فرد است. همه این تدابیر بدان سبب است که شخصیت فرد و کرامت و

ص: ۷۱

---

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

حرمت او در اجتماع و نزد همگان محفوظ بماند.

بر اساس مطالعه ها و یافته های دانشمندان، برخوردهایی که به شکسته شدن حرمت و شخصیت افراد به ویژه نوجوانان و جوانان، در اجتماع و خانواده منجر می شود، از جمله عوامل مؤثر در بزهکاری است. به همین جهت باید کوشید که تا حد امکان، عزت نفس و ارزشمندی افراد پاس داشته شود. امیر مؤمنان در این زمینه به کارگزار خود می نویسد:

«همانا مردم عیوبی دارند که رهبر امت، در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبادا آنچه را بر تو پنهان است، آشکار گردانی و باید آنچه را هویدا است، بپوشانی.» (۱)

### ۳- بزرگداشت نیکوکاران

از جمله اموری که زمینه های بزهکاری افراد را فراهم می سازد، عدم وجود نظام درست پاداش و تنبیه است. اگر در نظام اداری و اجرایی اجتماع، بین نیکوکار و بدکار تفاوت نباشد، اندک اندک انگیزه های نیک و خیرخواهانه از بین رفته، افراد ارتکاب اعمال سوء را برای خود روا می شمردند. حتی اگر در نظام تشویقی نیز بین افراد به تناسب نوع و نحوه کارشان تفاوت نباشد، این امر سبب کم کاری و انحراف های شغلی دیگر می شود. بنابراین، وجود نظام تشویقی و تنبیهی مناسب می تواند بسیاری

ص: ۷۲

---

۱- «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عِوَابًا الْوَالِي أَحَقُّ مِّنْ سِتْرِهَا، فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرَ مَا ظَهَرَ لَكَ» همان.

از زمینه های بزهکاری را از میان بردارد. سخن امام علی (علیه السلام) در این زمینه به مالک اشتر چنین است:

«هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند؛ زیرا نیکوکاران به نیکوکاری بی رغبت و بدکاران به بدکاری تشویق می شوند.»<sup>(۱)</sup>

### گفتار ششم: گسترش فضای دینی و پرورش روحیه دین داری

#### اشاره

از دیگر اولویت های اساسی پیشگیری از جرم که از گفتار امام علی (علیه السلام) استفاده می شود و به جرأت می توان آن را اساسی ترین اقدام در پیشگیری از جرم دانست، کوشش در جهت افزایش و تثبیت باورهای دینی مردم است. تأملی در آموزه های گرانسنگ مولای متقیان (علیه السلام) این مطلب را روشن می کند که دینداری، عامل

مهمی در خشکاندن چشمه های فساد و تباهی است و در مقابل، سرخ همه جرایم و گناهان را باید در نبود یا ضعف دینداری حقیقی و درست افراد جست. بسیاری از کارشناسان مسائل اجتماعی و جرم شناسان نیز اذعان دارند که کنار گذاشتن باورها و اعتقادهای دینی و گرایشهای مذهبی و عدم التزام به احکام دینی، عامل بسیاری از نابهنجاریها و کژرویهای آدمی است.<sup>(۲)</sup>

به همین جهت، از جمله سفارشهای مجامع بین المللی و کنگره های پیشگیری از جرم، تقویت بنیانهای مذهبی است. به طور مثال، کنگره نهم پیشگیری از جرم و اصلاح سازمان ملل متحد، مذهب را یکی از عوامل مؤثر در سالم سازی

ص: ۷۳

---

۱- همان.

۲- ر.ک.: اعتیاد و شخصیت، ترجمه توفان گرگانی، ص ۷۸.

جامعه و پیشگیری از رفتارهای مجرمانه و منحرفانه دانسته است.<sup>(۱)</sup>

برخی از جنبه های نقش پیشگیرانه دینداری به شرح زیر است.

### ۱- خداباوری و تأثیر آن بر کاهش جرم

از جمله آموزه های اساسی و محوری ادیان الهی، پذیرش خداوندی است که همه هستی را آفریده و تدابیر ریز و درشت همه امور در قدرت اوست.<sup>(۲)</sup>

او به همه آدمیان رحمت و از تمام کردار آنان آگاهی دارد، حسابگر روز جزا است و آدمی باید در برابرش پاسخگو باشد. در ادیان الهی خدا موجودی نیست که آدمی را آفریده باشد و آن گاه او را به خود وا گذاشته و هیچ تسلط و قدرتی بر او نداشته باشد. باور به وجود خداوندی رحیم و مهربان که دستگیر آدمی در سختیها است و پذیرش رضا و قدر او می تواند انسان را در حالات دشواری که خود از جمله عوامل کشیده شدن انسان به انحراف است، بازدارد. از سوی دیگر، اعتقاد به خداوندی حاضر و ناظر بر ظاهر و باطن و خلوت و جلوت آدمی، عامل بازدارنده بسیار مهمی به شمار می آید.

«ما انسان را آفریدیم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می -

ص: ۷۴

---

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «سیاست جنایی سازمان ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ویژه، ص ۴۴۷.

۲- ر.ک: هاشمی شاهرودی، سید محمود، قوانین جزایی از نظر اسلام، به قلم سیدعلی اشکوری، ص ۱۹-۱۲.

کند و ما از شاه‌رگک او به او نزدیک تریم.» (۱)

«اگر آن چه را در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند.» (۲)

«آیا می‌پندارند که ما راز آنان را و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ چرا و فرشتگان ما پیش آنان (حاضرند) و ثبت می‌کنند.» (۳) «به درستی خداوند همیشه بر شما نگهبان است.» (۴)

«و هر کجا باشید، او با شماست و خداوند به هر چه می‌کنید، بینا است.» (۵)

«هیچ گفتگوی محرمانه‌ای میان سه تن نیست، مگر اینکه او چهارمین آنهاست و نه میان پنج تن، مگر این که او ششمین آنهاست و نه کمتر از این (عدد) و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند، او با آنهاست.» (۶)

ص: ۷۵

۱- «و لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسَّوْسُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» سوره ق، آیه ۱۶.

۲- «وَ إِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ» سوره بقره، آیه ۲۸۴.

۳- «أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْوَاهُمْ بَلَى وَ رُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ» سوره زخرف، آیه ۸۰.

۴- «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» سوره نساء، آیه ۱.

۵- «وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» سوره حدید، آیه ۴.

۶- «مَّا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثِهِ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَ لَا خَمْسَهُ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَ لَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا

ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» سوره مجادله، آیه ۷.

به راستی، شخصیتی که با چنین نگرشی شکل یافته، آیا به آسانی به ارتکاب جرایم تن می دهد؟ کدام دولت و حکومتی است که بتواند چنین رقیب درونی و بیرونی همیشه و همه جا حاضر و ناظری را برای انسان طراحی و اجرا کند؟<sup>(۱)</sup>

در آموزه های پیشوایان دینی نیز سفارش فرد و اجتماع و کارگزاران حکومتی بر تقوای الهی، دقیقاً در جهت سیاست ترویج دینداری و تثبیت خدامحوری و خداباوری در زندگی فردی و اجتماعی است و به تصریح و ضمانت امام علی (علیه السّلام)، عامل بازدارنده از انحرافها و پلیدیها به شمار می رود.

«به درستی که تقوای الهی در این دنیا، مانع از (بدبختی و نابودی) و سپری (در مقابل انحرافها) و در آخرت، راه رسیدن به بهشت است ... آگاه باشید، از تقوا مراقبت، و خویشتن را با آن حفظ کنید.»<sup>(۲)</sup>

امیرالمؤمنین علی (علیه السّلام)، تقوای الهی را مرکبی رام، مطیع و راهوار می داند که آدمی را به سرمنزل سعادت می رساند و شهوات را مرکبایی سرکش و چموش می داند که صاحب خود را در آتش بدبختی می افکند. از دیدگاه ایشان تقوای الهی پناهگاهی محکم و بلند است که پناهندگان خود را از سقوط و گمراهی محافظت می کند و ریشه همه گناهان و جرایم را می زداید<sup>(۳)</sup> و انسان را از هر نابودی می رهاند.<sup>(۴)</sup>

ص: ۷۶

- 
- ۱- ر.ک.: یالجن، مقداد، التریبه الاسلامیه و دورها فی مکافحه الجریمه، فصل دوم.
  - ۲- «فانّ التقوی فی الیوم الحرز و الجئّه و فی غد الطریقُ إلى الجئّه ... ألا فُصُونوها و تَصُونوا بها.» نهج البلاغه، خطبه ۱۹۱.
  - ۳- همان، خطبه ۱۵۷.
  - ۴- «فانّ تقوی الله ... نجات من کُلّ هلکة» همان، خطبه ۲۳۰.

## ۲- آخرت محوری و نقش آن در کاهش جرم

از جمله کارکردهای مهم دینداری که نقش بسیار مهمی در کاهش جرایم و پیشگیری از مفاسد دارد، یقین به قیامت و روزحسابرسی است. انسانی که به آخرت معتقد است و آن را منزلگاه ابدی خویش می داند و اعتقاد دارد که ریز و درشت اعمالش را باید در آن روز پاسخگو باشد و او را از پاداش یا عذاب الهی گریزی نیست. تأثیر آخرت ب-اوری در رفتارهای آدمی و نقش آن در زندگی انسانی، به گونه ای است که امام به صراحت از رابطه مستقیم میان این باور و پیشگیری از گناهان و رفتارهای مجرمانه یاد می کند و می فرماید: «کسی که بسیار یاد آخرت کند، گنااهش کاهش یابد.»<sup>(۱)</sup>

«آگاه باشید به خدا سوگند، یاد مرگ مرا از شوخی و کارهای بیهوده باز می دارد ولی او (عمرو عاص) را فراموشی آخرت از سخن حق باز داشته است.»<sup>(۲)</sup>

به سبب نقش عظیم این باور در جلوگیری از انحراف و فساد، امام علی (علیه السلام) کارگزاران و مردم را به تمرین مرگ باوری سفارش می کرد و آن را از جمله روشهای پیامبر در جهت پیشگیری از فساد می دانست. امام در نامه ای خطاب به مردم مصر نوشت:

«پس هر گاه شهوت ها به شما روی آوردند، بسیار مرگ را به یاد آورید که این برای پندآموزی کافی است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یاران خود را پیوسته به یادآوری مرگ سفارش می کرد و می فرمود: مرگ را بسیار یاد کنید،

ص: ۷۷

---

۱- «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْآخِرَةِ قَلَّتْ مَعْصِيَتُهُ» آمدی، همان، ج ۵، ص ۳۶۵، ح ۵/۳۶۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۴.



زیرا بر هم زنده لذت‌ها و مانعی بین شما و شهوت هاست.»<sup>(۱)</sup>

در جرم‌شناسی، از جمله ویژگی‌های برخی بزه‌کاران، داشتن آرزوها و هوسهای بسیار و لجام گسیختگی، تعلقات مادی و دنیایی فراوان و عطش روبه‌فزونی مقام طلبی و ثروت خواهی است و یاد مرگ دارویی مؤثر در برطرف شدن این زمینه‌ها است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«هان! آنگاه که به کارهای زشت شتاب می‌آورید، بر هم زنده لذت‌ها و تیره‌کننده شهوت‌ها و برنده آرزوها را به یاد آورید.»<sup>(۲)</sup>

در سیره عملی امام علی (علیه السلام) نیز توجه دادن به مرگ باوری برای پیشگیری از انحراف دیده می‌شود. نمونه بارز این مطلب ماجرای است که خود امام درباره برادرش عقیل نقل می‌کند که چگونه از امام تقاضای دست‌درازی به بیت‌المال و تجاوز به حقوق عمومی را داشت و امام با نزدیک کردن آهنی گداخته به دستش، او را متوجه عذاب خداوند کرد.<sup>(۳)</sup>

### ۳- التزام به رفتارها و احکام دینی و پیشگیری از جرم

در دین اسلام احکام، بی‌ملاک و مبنا وضع نشده و همگی در جهت سعادت دنیایی و آخرتی انسانند. به طور مثال، خداوند متعال در بیان تأثیر نماز می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.»<sup>(۴)</sup>

از جمله فلسفه‌هایی که پیشوایان دینی ما در تبیین علل وضع این

ص: ۷۸

---

۱- شیخ طوسی، الامالی، ص ۲۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۹.

۳- همان، خطبه ۲۲۴.

۴- عنکبوت، آیه ۴۵.

احکام بیان کرده اند، پیشگیری از انحراف و فساد انسان و سوق دادن او به کمالات است. امام علی (علیه السلام) نیز پابندی به احکام الهی را عامل مهمی در پیشگیری از جرم و ترک طاعات الهی را سبب افزایش جرایم می داند:

«هنگامی که اطاعت از فرمان های خداوندی کم شود، گناهان افزایش می یابد.»<sup>(۱)</sup>

یکی از مهمترین عوامل بازدارنده از جرم، دینداری است. داشتن رابطه ای مستحکم با خداوند، ترس از قیامت، اعتقاد به حسابرسی روز جزا و پابندی به احکام دینی نقش بسیار مؤثری در کاهش جرم دارد. کاهش میزان جرم (آمارهای جنایی) در ماه های محرم یا رمضان خود شاهد این مدعا است.

جامعه شناسان به این نتیجه رسیده اند که دست کم برخی از ابعاد دین را می توان دارای نقشی بازدارنده در خصوص لاقفل، برخی از انواع رفتارهای غیر قانونی به حساب آورد! آنان همچنین بر آنند که دین نیز این نقش بازدارندگی را دست کم در برخی اوضاع و احوال ایفا خواهد کرد.<sup>(۲)</sup>

اگر فعالیتهای دینی، به صورت گروهی و شبکه های اجتماعی انجام گیرد، به گونه ای که بتوان از فرهنگ دینی سخن گفت، این وضعیت را بیشتر نمودار می سازد. تأثیر فعالیتهای دینی به ویژه در شبکه های اجتماعی از نظر برخی محققان، به مراتب بیش از جنبه های دیگر

ص: ۷۹

---

۱- «إِذَا قَلَّتْ الطَّاعَاتُ كَثُرَتِ السَّيِّئَاتُ» آمدی، همان، ج ۳، ص ۱۲۷، ح ۴۰۲۹.

۲- ایوانز، تی. دیوید و دیگران، ترجمه علی سلیمی، بررسی رابطه مجدد دین و جرم، ص ۱۴۳.

دینداری است. (۱) بدین ترتیب، وظیفه دولت این است که بکوشد شبکه های قوی اجتماعی دینداران را تقویت کند و از راه تشویق افراد به فعالیتهای دینی، به ویژه فعالیتهای گروهی به تثبیت باورهای مذهبی در افراد بکوشد.

## گفتار هفتم: اصلاح ارتباطات اجتماعی

### اشاره

از دیگر اولویت ها و برنامه ها در سخنان و سیره امام علی (علیه السلام) برای پیشگیری از جرم، تصحیح ارتباطات اجتماعی و کوشش در جهت بهینه سازی فرآیند اجتماعی شدن و جامعه پذیری است. در مباحث مهم

مطرح در نظریه های جامعه شناختی و نیز روان شناختی اجتماعی، بر نقش شبکه های روابط اجتماعی، خانواده، گروه ها، معاشران و همسالان و نیز سران و الگوهای اجتماعی در رشد پدیده شوم بزهکاری تأکید شده است، تا آنجا که برخی چون لاکاسانی این گونه وضعیتهای محیطی را به مثابه محیط کشت می دانند که بزهکاری (به مثابه میکرب) در آن رشد می کند.

در گفتار امام علی (علیه السلام) آموزه های ارزشمندی را می توان یافت که از اهتمام حضرت به خشکاندن زمینه های اجتماعی رشد و پرورش بزه حکایت و اشاره به برخی از این آموزه های سودمند و لازم است.

### ۱- سفارش به پرهیز از پیروی الگوهای منحرف

روان شناسان اجتماعی بر این نکته اتفاق دارند که بخش عمده ای از رفتارهای انسان در جریان تقلید و همانندسازی، از الگوها و اشخاص

ص: ۸۰

شکل می گیرد که به عللی (درونی یا بیرونی یا هر دو) دارای نوعی قدرت یا اقتدار در افرادند و بسته به این که این الگوها چه شخصیتی داشته باشند و چه نوع رفتاری از خود بروز دهند، رفتار فرد نیز شکل می گیرد.

متون مقدس دینی به روشنی تمام این نکته را خاطر نشان می سازد که یکی از مهمترین علل انحرافهای انسانها و از ریشه های اصلی رفتارهای منحرفانه و مجرمانه، متنفذان و صاحب منصبانی هستند که به نوعی یا تسلط معنوی و روحی بر افراد یافته اند یا به سبب جایگاه اجتماعی و قرار گرفتن در طبقات بالای اجتماعی و در دست داشتن منابع و امکانات مورد نیاز آدمیان، از قدرت و اقتدار برخوردارند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«لغزش و انحراف عالم، مانند شکسته شدن کشتی است که خود در دریا غرق می شود و با آن گروهی نیز غرق می گردند.»<sup>(۱)</sup>

در مورد امیران و حاکمان نیز به گفته امام، تأثیر آنها در افراد جامعه بیشتر از تأثیر پدران است:

«مردم به حاکمان و پیشوایان خود شبیه ترند تا به پدران خود.»<sup>(۲)</sup>

حضرت امیر (علیه السلام) مردم را از پیروی و اطاعت این گونه الگوهای اجتماعی باز می دارد:

«آگاه باشید! زنهار! زنهار! از پیروی و فرمانبری سران و بزرگانان، آنان

ص: ۸۱

---

۱- «زَلَّةُ الْعَالَمِ كَانْكَسَارِ السَّفِينَةِ تَغْرُقُ وَ تَغْرُقُ مَعَهَا غَيْرَهَا» ابن ابی الحدید، همان، ج ۲۰، باب ۹۴۶، ص ۳۴۳.

۲- «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۷۸، باب ۱۶، ص ۴۶، ح ۵۷.

که به اصل و حسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می پندارند. آنان شالودهٔ تعصب جاهلی و ستونهای فتنه و شمشیرهای تفاخر جاهلیت اند؛ پس، از خدا پروا کنید، و با نعمتهای خدادادی درگیر نشوید و به فضل و بخشش او حسادت نورزید و از فرومایگان اطاعت نکنید.»<sup>(۱)</sup>

## ۲- سفارش به پرهیز از همنشینی با پلیدان

دوستان تأثیر فراوانی بر شخصیت آدمی دارند و سعادت و شقاوت او را رقم می زنند. همنشینان فاسد و ناباب، جدا از آنکه می توانند عرضه کنندهٔ الگوهای رفتاری ناصواب و منحرفانه باشند از طریق همراهی، تأیید و تقویت رفتارهای نابخردانهٔ آدمی، به گمراهی بیشتر او کمک می کنند. افزون بر این، این گونه معاشرتها می تواند فرصتهای لازم را برای ارتکاب بزه فراهم آورد؛ زیرا با این گونه معاشرتها، شریکان، معاونان و مشاوران جرم به خوبی یافت می شوند.

امام علی (علیه السلام) بر این نکته تصریح دارد که معاشرت با اشرار و پلیدان، مانند بازی و تماس با آتش است که انسان رامی سوزاند و از بین می برد:

«از همنشینی با پلیدان پرهیز، زیرا اینان به آتشی می مانند که ارتباط

ص: ۸۲

---

۱- نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۹۲.

نزدیک با آن سوزاننده است.»<sup>(۱)</sup>

و کسانی که در مجالس اشرار حاضر می شوند از بلا و گرفتاریهای آن در امان نخواهند بود:

«همنشینان بدان از آثار و پیامدهای بلا ایمن نیستند.»<sup>(۲)</sup>

به همین دلیل، امام همنشینی با فاسقان را نیز منع می کند و می فرماید:

«از همراهی با پست صفتان پرهیز؛ زیرا پستی به پستی پیوند می خورد.»<sup>(۳)</sup>

امام ضمن پرهیز دادن افراد از همنشینی با شروران و فاسدان، به لحاظ اینکه انسان از داشتن رفیق و همراه ناگزیر است و این از نیازهای او به شمار می رود، به همنشینی با صالحان و نیکان سفارش می کند:

«از پلیدان دوری گزینید و با نیکان همنشین شوید...»<sup>(۴)</sup> با نیکان همراه شو تا از آنان شوی و از بدان دور شو تا

از آنان جدا شوی.»<sup>(۵)</sup>

ص: ۸۳

- 
- ۱- «ایاک و معاشره الأشرار فانهم كالنار مباشرتها تحرق» همان، ج ۲، ص ۲۸۹، ح ۲۶۴۱.
  - ۲- «لا یأمنُ مجالسوا الأشرار غوائلُ البلاء» همان، ج ۶، ص ۴۱۱، ح ۱۰۸۲۳.
  - ۳- «إیاک و مُصاحبهُ الفساق فإنَّ الشرَّ بالشرِّ ملحق» نهج البلاغه، نامه ۶۹.
  - ۴- «جائِبُوا الاشرارَ و جالِسُوا الأخیارَ جائِبُوا الاشرارَ و جالِسُوا الأخیار» آمدی، همان، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۴۷۴۶.
  - ۵- «قارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تُكُنْ مِنْهُمْ و باین أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنْ عَنْهُمْ.» همان، ج ۴، ص ۵۱۴، ح ۶۸۰۵.

قوام و بقای اجتماع، به کمیت و کیفیت پیوندهای افراد آن بستگی دارد. این امر، خود به عواملی چون میزان مدارا و تسامح و تساهل افراد درباره خطاهای دیگران، روحیه همکاری با یکدیگر و عوامل دیگر وابسته است؛ به گونه ای که حساسیت بسیار می تواند عاملی در جهت تقابل و تضاد افراد با یکدیگر باشد و از این رو به بدگویی، بدبینی و حتی جرایم خشونت آمیز منجر شود. ریشه بسیاری از نزاعها و درگیریها را می توان در حساسیتهای نا به جا و عدم وجود روحیه رفق و مدارا در جامعه جست. از این رو، از جمله اقدامهایی که باید در سطح عموم ترویج و تبلیغ کرد، اقدامهایی است که به گسترش و تقویت پیوندهای اجتماعی منجر می شود. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«با مردم مدارا کن، تا از مکر و تزویر آنها در امان بمانی.»<sup>(۱)</sup>

همچنین می فرماید:

«نزدیک شدن به اخلاق مردم (همنوایی و پذیرش اخلاق آنها) سبب ایمنی و آسودگی از مکر و حيله های آنها است.»<sup>(۲)</sup>

بدیهی است که سفارشهای پیشین، در جهت جلوگیری از بزه دیدگی به آنها کمک می کند. البته مدارا با مردم می تواند انسان را از بزهکاری نیز برهاند. زیرا کسی که دارای این ویژگی نیست؛ چه بسا به درگیری و نزاع با دیگران روی می آورد. به هر رو، سلامت و بهداشت عمومی زندگی با مدارا حاصل می آید «سلامت زندگی در پرتوی مدارا به دست می آید.»<sup>(۳)</sup>

ص: ۸۴

۱- «دارِ النَّاسِ تَأْمِنُ غَوَائِلَهُمْ وَ تَسْلَمُ مِنْ مَكَادِهِمْ» همان، ح ۵۱۲۸.

۲- «مُقَابَرَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمِنَ مِنْ غَوَائِلِهِمْ» نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱.

۳- «سلامه العيش في المداره» آمدی، همان، ج ۴، ص ۱۳۹، ح ۵۶۰۷.

#### ۴- امر به معروف و نهی از منکر

«تعریفی که مرحوم محقق حلی در کتاب شرایع از معروف ارائه نموده اند عبارت است از هر عمل نیکی که علاوه بر نیک بودنش دارای یک وصف زائد باشد و انجام دهنده این عمل نیک این وصف زائد را بداند و در تعریف منکر فرموده اند: هر فعل قبیحی که فاعل، قبح آن عمل را (چه از راه اجتهاد و چه از راه تقلید) بداند.»<sup>(۱)</sup>

از مهمترین سازوکارهایی که در جامعه اسلامی برای پیشگیری از انحرافها و جرایم و جهت دادن جامعه به سوی خوبیها و نیکیها طراحی شده است، نظام امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند رستگاری چنین جامعه ای را نوید داده و می فرماید:

«و باید از میان شما، گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان، همان رستگارانند.»<sup>(۲)</sup>

تبیین این ارتباط و اینکه امر به معروف و نهی از منکر، چگونه رستگاری و سعادت آدمی را در پی دارد، در سخنان پیشوایان دین، به ویژه امام علی (علیه السلام)، به خوبی آمده است. حضرت درباره فلسفه این دستور الهی می فرماید که خداوند، امر به معروف را برای اصلاح توده های ناآگاه و نهی از منکر را برای باز داشتن ناآگاهان و سفیهان از زشتیها قرار داده است.<sup>(۳)</sup>

نهی از منکر نیز چنین است؛ به ویژه که آنچه از نهی از منکر متوجه

ص: ۸۵

---

۱- سیدمصطفی محقق داماد، تقریرات درس فقه الجزاء، دوره دکتری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵. ص ۲ و ۴.

۲- «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» سورة آل عمران، آیه ۱۰۴.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.



افراد اجتماع می شود، بیشتر مراتب قلبی و لسانی است؛ زیرا نه چشمان حکومت و دستگاه های دولتی همیشه و همه جا حضور دارند و نه به مصلحت است که فهرست بزرگی از وظایف برای دولت تهیه شود.

امام علی (علیه السلام) درباره پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر می فرماید:

«امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که بدهای شما بر شما مسلط می شوند.»<sup>(۱)</sup>

امر به معروف و نهی از منکر، حوزه نظارت همگانی را بر اجرای پیشگیری مراقبتی توسعه می دهد و شامل مواردی می شود که چه بسا نص صحیح قانونی هم در خصوص آن وجود ندارد؛<sup>(۲)</sup> بنابراین، ممکن است به آزادیها و حقوق مشروع افراد لطمه بزند یا سبب تضعیف پیوندهای اجتماعی و به هم خوردن روابط اجتماعی و در نتیجه فرو پاشیدن نظم اجتماعی می شود. از این رو، دولت اسلامی باید زمینه نهادینه شدن این اصل را در اجتماع فراهم آورد و حدود و شرایطی را که در روایات و متون دینی برای این وظیفه آمده است، لحاظ کند تا از این طریق، یکی از مهمترین برنامه های سیاست جنایی مشارکتی اسلامی، محقق و عملی شود.

اصل امر به معروف و نهی از منکر، چنانکه برخی چون شهید مطهری اشاره کرده اند، به پیشگیری غیرکیفری ناظر است و پیشگیری کیفری، هر چند خود نوعی نهی از منکر است، فقط با اجازه حاکم شرع و دولت اسلامی مجاز است.<sup>(۳)</sup>

این سخن به معنای نفی ورود و تسلط دولت بر

ص: ۸۶

---

۱- همان، نامه ۴۷.

۲- میرخلیلی، سید محمود، پیشگیری از بزهکاری، ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳- مطهری، مرتضی، همان، صص ۵۱ و ۵۰.

برنامه های امر به معروف و نهی از منکر نیست. اصل حفظ نظم و اقتدار حکومت اقتضا می کند که دولت اسلامی جریان کلی را زیر نظر داشته باشد و با ارائه آموزشهای لازم به افراد، آنها را در تشخیص مصادیق و چگونگی به کارگیری درست این اصل، یاری رساند.

### **گفتار هشتم: نظارت بر عملکرد مجریان**

نظارت و بازرسی دقیق، از جمله برنامه ها و اولویتهای اساسی در الگوی پیشگیری از جرم است که خود در دو سطح مردمی و دولتی قابل اجرا است. در سطح مردمی آنچه مصداقی از امر به معروف و نهی از منکر به شمار می رود، مردم به گزارش رفتارهای خلاف و نادرست مجریان به حاکم و دستگاه نظارتی موظفند که معمولاً امروزه سازمان یا شعبه ای جهت دریافت گزارشهای مردم و نیز نظارت بر کار مجریان به این مهم اختصاص می یابد. اما نوع مهمتر آن در سطح حکومت و دولت است که به دو شکل آشکار و پنهان اجرا می شود. در سطح آشکار آن، سازمان یا وزارتخانه یا گروهی به طور رسمی و آشکارا به نظارت بر کار مجریان حکومت موظفند. در سطح پنهان، افراد مورد اعتماد و موثق و امینی باید پنهانی و بدون آنکه شناخته شوند، اطلاعات و گزارشهای لازم را از راه های گوناگون گرد آورند و بر کار مجریان نظارت داشته باشند.

اهمیت بازرسی در این است که اگر چنین امری وجود نداشته باشد، زمینه های انحراف و لغزش مجریان فراهم می شود و سوءاستفاده از قدرت و منصب به راحتی امکان می یابد و این خود، زمینه های ستم و تجاوز به مردم و خیانت و بی عدالتی را رواج می دهد و اندک اندک بنیان زندگی سالم از هم فرو می پاشد. امام علی (علیه السلام) بازرسی را چشم تیزبین حکومت

می‌داند. طبیعی است «حکومتی که نظام بازرسی صحیح و مطمئن نداشته باشد، همانند کوری است که معایب را نمی‌بیند و در منجلاب عیوب و مفساد غوطه‌ور می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

امام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

«سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفایسته بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود.»<sup>(۲)</sup>

حضرت در ادامه به مالک دستور می‌دهد که اگر در جریان بازرسی، خیانت کسی آشکار شد با او برخورد کند، نه اینکه بازرسی در حد تهیه گزارش باقی بماند و عکس‌العمل حکومتی را در پی نداشته باشد که این، مفسده‌آورتر است.

### گفتار نهم: ارائه آموزش‌های همگانی

#### اشاره

بخشی از آموزه‌های به‌یادگار مانده از امام علی (علیه السلام)، افراد را به مقابله با وضعیتهای خاص جرم‌زا ترغیب می‌کند که احتمال بزه‌دیدگی یا بزهکاری انسان را فراهم می‌آورد؛ امری که امروزه از آن با عنوان «پیشگیری وضعی» یاد می‌کنند. پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرم ممکن است در آن وضع به وقوع

ص: ۸۸

---

۱- فاضل لنکرانی، محمد، همان، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۲- «وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَيْدُوهُ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَةِ» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

بپیوندد»<sup>(۱)</sup> تعریف می کنند.

در این وضعیتها، فرصتهای ارتکاب بزه بیشتر فراهم است و زمینه گذر از اندیشه مجرمانه به فعل مجرمانه، به سبب وجود آماجهای لازم، موجود است. به طور مثال، نیازمندی آدمی در وضعیت بحرانی و رجوع او به کسی که قادر به رفع نیازهای او است؛ اما شخصیت نابهنجاری دارد، می تواند زمینه های تحریک اندیشه بزهکاری وی را فراهم آورد. موقعیتهای فیزیکی و اجتماعی خاص نیز می تواند وسوسه ارتکاب جرم را در انسان تشدید کند. در ادامه مواردی از سفارشهای امام علی (علیه السلام) در زمینه پیشگیری وضعی ذکر می گردد.

### ۱- پرهیز از حضور در مکان های جرم خیز

فرصتها و زمینه های ارتکاب بزه در برخی از مکانها به لحاظ جغرافیایی یا محیطی بیشتر فراهم است. حضور در این مکانها، به ویژه اگر فرد نیروی بازدارنده درونی قوی نداشته باشد، می تواند او را به بزهکاری سوق دهد. در این صورت، «تقوای پرهیز» از «تقوای حضور» کارآمدتر است. اگر انسان از تقوا و مصونیت درونی قوی و کارسازی برخوردار باشد و بتواند بر آن محیط تأثیر بگذارد، از «تقوای حضور» برخوردار است و باید در جهت امر به معروف و نهی از منکر دست به کار شود.

یکی از عللی که امام علی (علیه السلام) سلامت آدمی را در تفرد دانسته، همین است:

«سلامت انسان در تنهایی اوست»؛<sup>(۲)</sup>

ص: ۸۹

---

۱- گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ص ۶۱۰.

۲- «السَّلامَةُ فِي التَّفَرُّدِ» ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ح ۱۲۵۹۸.

«جدایی از مردم، باعث سلامت انسان است.»؛(۱)

«کسی که با مردم بسیار آمیزش دارد، از سلامت برخوردار نیست.»؛(۲)

«همهٔ صلاحها در جدایی از دنیاخواهان، [نهفته] است.»(۳) و

«هر کس از مردم کناره گیرد، از بدی آنان سالم می ماند.»(۴)

روایاتی که پیش از این در خصوص منع معاشرت با افراد پست و ناپاک ارائه شد نیز به پیشگیری وضعی ناظر است. حضور در مجالس پر زرق و برق و پر از دارایی و خواستنیهای مادی نیز می تواند وسوسه های به چنگ آوردن مال از هر طریق ممکن، هر چند ناصواب و غیرمشروع را در آدمی پدید آورد؛ زیرا به قول امام علی (علیه السلام):

«مال، مادهٔ اصلی و اساسی همه شهوات است.»(۵)

## ۲- پرهیز از همنشینی با نامحرمان

از جمله غرایزی که خداوند در وجود آدمی قرار داده، غریزهٔ جنسی است که برای بقای نسل آدمی ضرورت دارد. ارضا و تأمین نیازهای جنسی در اسلام مانند دیگر نیازها و غرایز، با برنامه و روش خاصی طراحی شده است. از جملهٔ این برنامه ها و روشها سفارشهای اسلام دربارهٔ چشم پوشی از محرمات، به حداقل بسنده کردن ارتباط زن و مرد، آداب

ص: ۹۰

۱- «العزلة سلامه» همان، ح ۱۲۵۹۷.

۲- «لاسلامه لمن أكثر مخالطة الناس» همان، ح ۱۲۵۹۴.

۳- «فی إعتزالِ أبناءِ الدُّنيا جماعُ الصَّلاح» همان، ح ۱۲۵۸۶.

۴- «مَنْ اعْتَرَلَ النَّاسَ سَلِمَ مِنْ شَرِّهِمْ» همان، ح ۱۲۶۰۱.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۵۸.

نزدیکی و ازدواج و عفاف است. همنشینی و معاشرت با زنان می تواند زمینه های تحریک شهوات جنسی را فراهم سازد و با شعله کشیدن شهوات، چه بسا حریمها و حرمت‌های الهی نادیده گرفته شود.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خود می کوشید اسوه و الگوی پرهیز از اختلاط و معاشرت با زنان باشد. هر گاه به زنان سالخورده بر می خورد، به آنها سلام می کرد (چون معمولاً در برخورد با اینگونه زنان زمینه های تحریکی برای افراد کمتر وجود دارد)؛ ولی وقتی به دختران یا زنان جوان می رسید، از سلام کردن به آنها اکراه داشت و می فرمود:

«می ترسم صدای زنان مرا به شگفتی وا دارد و در این صورت، زیان این کار بیش از فایده آن باشد.»<sup>(۱)</sup>

همچنین حضرت به یاران خود می فرمود:

«هر گاه به زنان جوان برخوردید به آنان سلام نکنید و آنها را به خوردن غذا نیز نخوانید.»<sup>(۲)</sup>

این امر بدون شک در رابطه با زنانی که به فساد معروفند، بیشتر ضرورت دارد. به هر حال، امام مردم را از اختلاط با زنان باز می داشت؛

«حتی اگر این اختلاط، به بهانه معروف باشد.»<sup>(۳)</sup>

### ۳- حجاب و نظارت بر زنان

در همین زمینه، امام بر ضرورت حفظ پوشش زنان و مراقبت در رفت و آمدشان تأکید دارد و این امر را عامل سلامت و مصونیت از

ص: ۹۱

---

۱- حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۷۴.

۲- همان، ص ۱۷۳.

۳- ر.ک.: نهج البلاغه، خطبه ۸۰.

بزه دیدگی و بزهکاری ایشان می داند.<sup>(۱)</sup>

امام به مردم بر ضرورت مراقبت از رفت و آمد زنان در خیابانها و کوچه ها نیز سفارش می کرد. ایشان درباره رفت و آمد آنان می فرماید که زنان و دختران باید از کنار دیوار یا خیابان عبور کنند<sup>(۲)</sup> تا برخوردی با مردان نداشته باشند. در حدیث دیگری مردم عراق را به سبب آنکه بر زنان و دختران خود در خیابانها و کوچه ها نظارت ندارند، سرزنش می کند و می فرماید:

«آگاه شده ام که زنان شما در معابر با مردان اختلاط دارند و به آنان تنه می زنند؛ آیا حیا نمی کنید.»<sup>(۳)</sup>

#### ۴- ضرورت ارضای غریزه جنسی برای مردان

نمونه ای دیگر از سفارشهای پیشگیرانه ای که از امام علی (علیه السلام) به ما رسیده و پیشگیری غیر کیفری از نوع وضعی به شمار می آید، سفارش به مردان متأهل هنگام دیدن زنان و برافروخته شدن شهوت جنسی در ایشان است. البته بهتر، بلکه لازم است که انسان چشم خود را از نامحرم بپوشاند. ولی در صورتی که این حکم الهی را رعایت نکرد یا به طور تصادفی نگاه او به نامحرم افتاد و غریزه جنسی اش تحریک شد، باید در صدد

کنترل آن برآید. امام در سفارش خویش می فرماید:

«همانا دیدگان این مردان به منظره شهوت آمیز دوخته شده و به هیجان آمده اند. هر گاه کسی از شما با نگاه به زنی به شگفتی آید، با همسرش

ص: ۹۲

---

۱- همان، نامه ۳۱.

۲- حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۳۲.

۳- «أَهْلَ الْعِرَاقِ بُبْتُ أَنْ نِسَائِكُمْ يَدَافِعَنَّ الرَّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ» همان، ص ۱۷۴.

بیامیزد که او نیز زنی چون زن خودش باشد.»(۱)

## ۵- پرهیز از خلوت گزینی

از جمله مکانهایی که در آن، فرصت ارتکاب بزه بسیار مهیا است، خلوتها و مکانهایی است که انظار دیگران را به آن راهی نیست و هیچ نوع مراقبتی (جز مراقبت خداوندی) در آن وجود ندارد. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) از جمله علل و اسباب فجور را «خلوتها» می داند و افراد را از آن پرهیز می دهد.(۲)

## ۶- برنامه ریزی برای اوقات فراغت

اوقات فراغت نیز از جمله مواردی است که فرصت ارتکاب بزه و نیز قرار گرفتن در معرض بزه دیدگی را بیشتر ممکن می سازد. محیطهایی که برای گذراندن اوقات فراغت برگزیده می شود، ممکن است الگوها و برنامه هایی را به فرد ارائه دهد که وی را به بدبختی و شقاوت بگذرانند. ثابت گردیده که بیش از نصف دزدان بزرگسال با سوء سابقه، اوقات فراغت خود را در مرکز تفریحات ناسالم گذرانده اند (قهوه خانه، مجالس رقص، قمارخانه و ...) معاشرت با دوستان جنایتکار و حتی فاقد اخلاق نیز قطعاً در شکل گیری شخصیت بزهکار مؤثر است.(۳)

امام علی (علیه السلام) این نکته را خاطر نشان می سازد که:

ص: ۹۳

---

۱- «إِنَّ أَبْصَارَ هَذِهِ الْفُجُورِ طَوَامِحٌ، وَإِنَّ ذَلِكَ سَبَبٌ هِبَابِهَا، فَإِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى امْرَأَةٍ تَعْجِبُهُ فَلْيَلْمِسْ أَهْلَهُ فَإِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ كَأَمْرَأَتِهِ» نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰.

۲- «سَبَبُ الْفُجُورِ الْخَلْوَةُ» آمدی، همان، ج ۴، ص ۱۲۳، ح ۵۵۳۲.

۳- گسن، ریموند، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، ص ۱۸۶.



«لذت جویی های نادرست دوران جوانی، از فراغت سرچشمه می گیرد.»<sup>(۱)</sup>

از این رو، باید کوشید تا با برنامه ریزی درست، اوقات فراغت جوانان را پر کرد.

ص: ۹۴

---

۱- «مِنَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبْوَةُ» آمدی، همان، ج ۶، ص ۱۰، ح ۹۲۵۱.





مطالعه تاریخ گذشته و حال جوامع بشری، بیانگر آن است که جامعه بدون جرم و انحراف از آرمانها و آرزوهای جوامع بشری و انسانها در همه اعصار و قرون بوده، اما این آرمان هرگز تحقق نیافته است و تمامی کوششهای صورت گرفته در مواجهه با پدیده شوم بزهکاری، آدمیان را به این آرمان نرسانده است. در این استنتاج، البته فرقی میان جوامع دینی و غیردینی نیست؛ با وجود این، آن چه در جوامع دینی شایسته پژوهش و جستجو است، نوع و نحوه مواجهه ای است که با بزهکاری و بزهکاران می شده است، زیرا، ادیان الهی؛ به ویژه اسلام، هدف عالی خود را تهذیب و تزکیه بشر و برقراری قسط و عدل می دانند؛ اموری که خود از مهمترین برنامه ها و روشهای پیشگیری از جرم و ریشه کنی آن به شمار می آید.

از این رو، فهم اینکه پیشوایان دینی ما، به ویژه در زمانی که فرصت و امکان تشکیل حکومت داشته اند، چگونه با مجریان برخورد می کرده اند، بسیار حائز اهمیت است. اهمیت این موضوع، زمانی بیشتر احساس می شود که ما رسالت امروز دین پژوهان را نیز در نظر بگیریم. در عصری که رویکرد به معنویت و دین و اخلاق، رشد فزاینده ای یافته و نهضت عظیم و بی سابقه ای پدیدار شده و با تحقق یافتن جمهوری اسلامی، با هدایت عالمان دینی، انتظارات از دین رشد و گسترده تر شده است.

اساسی ترین کار، پژوهشهای بنیادین دربارهٔ جوانب مختلف دین است. تحقیق و پژوهش در باب سیاست جنایی اسلام از جملهٔ این پژوهشها است که بخشی از آن، به تبیین دیدگاه های معصومان دربارهٔ مجرمان و تحلیل سیرهٔ ایشان در مواجهه با بزهکاران اختصاص می یابد.

ص: ۹۸

**اشاره**

روشهای برخورد با مجرمان و بزهکاران، شدیداً وابسته به نوع نگرش و برداشتی است که درباره شخصیت بزهکاران وجود دارد. البته نوع جرم و بزه ارتكابی نیز به لحاظ آنکه کدامین ارزش و هنجار مقبول اجتماعی را نقض می کند و به چه میزان ناقض آن ارزشها است، در این امر مؤثر است. افزون بر این، نوع اهدافی که در این مواجهه و برخورد، مقصود است نیز شکل دهنده نوع مواجهه و واکنشی است که در قبال مجرمان اتخاذ می شود.

**گفتار نخست: مجرم در آموزه های امام علی (علیه السلام)**

تاریخ تحولات کیفری، بیانگر آن است که نحوه مواجهه با مجرمان، به شدت به نوع نگرشها و بینشهایی که یک فرد یا مکتب درباره پدیده

برخی، مجرمان را مانند علفهایی هرز در یک کشتزار یا میکروبهایی مزاحم دانسته اند که در اجتماع رشد می کنند و جامعه محل کشت آنها است. از این رو، باید با تغییر در جامعه (محل کشت)، بزهکاری را از میان برد. برخی دیگر، تفاوتی میان مجرم و غیرمجرم قائل نشده و مجرمان را انسانهایی دانسته اند که شرایط سوء محیطی و اجتماعی آنان را به انحراف کشانده است. از این رو، باید به اصلاح شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه اهتمام داشت. برخی دیگر، حتی از اطلاق نام مجرم بر انسانهایی که مرتکب رفتارهای مجرمانه شده اند ابا دارند و مجرمان را بیمارانی روانی و رنجور و آشفته حال می دانند. از دیدگاه اینان، باید به معالجه و مداوای این بیماران پرداخت، نه آنکه آنها را مجازات کرد. گروهی نیز مجرمان را دارای ویژگیهای خاصی می دانند که از والدین خود به ارث برده اند و حاصل این توارث نامیمون، مجرمیت بوده است. پس مجرم، مجرم به دنیا می آید! اینان سیاستهای عقیم سازی و بهسازی نژاد را توصیه می کنند. کسانی نیز معتقدند که مجرم، انسانی مستقل، آزاد و با اراده است که باید در مقابل اعمال و رفتار خویش پاسخگو باشد.

سرانجام، باید از دیدگاه هایی یاد کرد که امروزه زیر عنوان «مکاتب دفاع اجتماعی نوین» مطرح است که هر چند نوعی اختیار و آزادی را برای مجرمان می پذیرند، اما شدیداً به تأثیر عوامل و زمینه های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی در تکوین جرم نیز توجه دارند. رویکرد اینان بیشتر در جهت توسعه اقدامات تأمینی و تربیتی است.

ص: ۱۰۰

هر یک از این نگرشها، همچنان که ملاحظه شد، روشها و رویکردهای خاصی را در برخورد با مجرمان پیشنهاد می دهند و از این رو است که تاریخ تحولات کیفری، هم رنگ و بوی کیفرها و مجازاتهای سرکوبگرانه و خشن را به خود دیده است و هم نسیمهای مشحون از رحمت و شفقت و مهربانی به مجرمان را؛ هم مداوای درمان گرانه را توصیه کرده است و هم عقیم سازی و نسل کشیهای بی رحمانه را. روشهای دیگری نیز در کار است که در جای خود، خواندنی و قابل تأمل است.

حال، جای این سؤال است که مجرم در اندیشه امام علی (علیه السلام) چه شخصیتی دارد. آنچه به اجمال می توان گفت این است که در اندیشه امام علی (علیه السلام) می توان گزاره های زیر را استنباط کرد.

الف. مجرم همچون سایر انسان های دیگر است که راه خطا را پیموده است. ممکن است این مطلب، به ظاهر متناقض آید؛ چه، اگر مجرم همانند انسانهای دیگر باشد، چرا مانند نیکان راه صواب نپیموده است؟! پاسخ این پرسش روشن است. وقتی سخن از همانندی مجرم با انسانهای دیگر است، مراد این است که مجرم به لحاظ شخصیت انسانی مانند دیگر انسانها است.

البته انسانها دارای گرایشهای مثبت و منفی (خیر و شر) می باشند و از این رو همچنان که گرایش به انجام امور نیک، امری طبیعی و موافق سرشت آدمی است، بزهکاری نیز بر خاسته از قابلیت و استعداد آدمی در شرارت و فجور است. این سخن نه به معنای آن است که مجرم، مجرم به دنیا می آید و نیکوکار، نیکوکار، یا آدمی هم مجرم و هم نیکوکار زاده می شود، بلکه به معنای آن است که ساختار وجودی آدمی هم گرایش به فجور را بر می تابد و هم گرایش به تقوا را و چنان نیست که عروض این



حالات بر آدمی و فعلیت یافتن این حالات، بی ارتباط با ساختار وجودی آدمی باشد.

به عبارت دیگر، انسان لوح سفید نانوشته نیست، بلکه وجودی همراه با قابلیت‌ها و استعداد‌های متفاوت و متضاد است و آنچه این استعدادها را به فعلیت می‌کشاند، علل و عواملی همچون تربیت فرد، خواست و اراده او، فرهنگ اجتماعی و ... است. این امری برای همه آدمیان یکسان است. پس، چنان نیست که عده‌ای از آدمیان نیکوکار زاده گردند و پاره‌ای از ایشان مجرم به دنیا آیند. به بیان دیگر، چنان نیست که خطا کردن خاص و ذاتی بخشی از انسانها باشد، بلکه همه انسانها استعداد بزهکاری را دارند و آنچه این استعداد را فرو می‌نشانند یا به ظهور می‌رساند برای افراد متفاوت است. بنابراین، بزهکاری هر چند ریشه در ذات آدمی دارد، امری عارض بر اوست و به همین سبب می‌توان به پیشگیری و مواجهه با آن اقدام کرد.

باری، مجرم انسانی همسان با انسانهای دیگر است که به سبب علل و عواملی که در مباحث جرم‌شناختی به تفصیل از آن بحث می‌شود به بزهکاری کشیده می‌شود، نه این که او از اساس با سایر آدمیان متفاوت باشد. این معنا را می‌توان از کلام امام علی (علیه السلام) فهمید که می‌فرماید: «مردم دو دسته اند دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌شوند ...» (۱).

ص: ۱۰۲

---

۱- «فَبِأَنَّهُمْ صِيغَتَانِ: إِمَّا أُخِ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ، يَفْرُطُ الزَّلَلُ، وَ تُعْرِضُ لَهُمُ الْعِلَلُ، وَ يُؤْتِي عَالِي أَيْدِيهِمْ فِي الْعَمَدِ وَ الْخَطَاءِ» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ب. بزهکار انسانی مسئول است. طبیعی بودن خطاکاری انسان، او را از مسئولیت کیفری نمی رهاوند. آدمی به لحاظ آن که از قوه عقل و تدبیر و آزادی اراده و اختیار برخوردار است، مسئول رفتار خویش نیز شناخته می شود و در پرتوی این مهم است که سازندگی و تهذیب نفس او معنا و مفهوم می یابد و می توان از او انتظار چنین اموری را داشت. از دیدگاه اسلامی، اصولاً تشریح کیفر به مفهوم پذیرش آزادی انتخاب و اراده انسان است؛ زیرا، تشریح کیفر فرع بر تکلیف پذیری آدمی است و در شرایط عامه تکلیف این بحث مطرح می شود که در فرض عدم وجود هر یک از آن شرایط، تکلیفی وجود ندارد و از این رو عقابی متوجه شخص نخواهد بود.

در واقع، شرایط عامه تکلیف بیانگر تعریفی است که اسلام از انسان مسئول دارد و بدون این شرایط، سخن گفتن از مسئولیت فرد بی معناست. بنابراین، آنچه در مباحث عام مسئولیت و تکلیف مطرح می شود، حجم بسیاری از مباحث مسئولیت کیفری را نیز پوشش می دهد.

با توجه به آنچه گفته شد، امام علی (علیه السلام) نیز مجرمان را مسئول رفتار خویش می دانسته است. خوشبختانه کلماتی از امام در دسترس ما است که تأییدکننده این ادعا است. امام فلسفه کیفر و پاداش را اختیار و آزادی انسان و از این رو مسئولیت او می داند. برای مثال ایشان می فرماید:

«وای بر تو! گویی پنداشته ای که قضا و قدر الهی جبری و انعطاف ناپذیر است و سرنوشت انسانها محکوم به چنین جبری است. اگر چنین باشد، بر نظام پاداش و کیفر مهر بطلان می خورد و وعده و وعید به کلی ساقط می شود.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۰۳

---

۱- «وَيَحِيكَ لَعَلَّكَ ظَنَنْتَ قَضَاءَ لَازِمًا وَقَدْرًا حَاتِمًا وَلَوْ كَانَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ وَسَقَطَ الْوَعْدُ وَالْوَعِيدُ» همان، حکمت ۷۵.

همچنین حضرت در جای دیگر می فرماید: راه هر توجیهی را فرو بسته، حجت را تمام کرده است، پیش از کیفر تهدیدتان کرده است و از عذابهای سختی که فرارو دارید اندارتان داده است. (۱)

ج. بزهکار انسانی مستحق رأفت و شفقت است. درست است که بزهکار انسانی همانند سایر انسانها است و از این رو علی القاعده و در فرض وجود شرایط عامه تکلیف و مسئولیت کیفری، مسئول است، اما در اندیشه امام علی (علیه السلام) او مستحق رأفت و شفقت است.

ذیلاً به بیان گزاره هایی از کلام امام در این خصوص می پردازیم:

«سزاوار است که اهل جرم و گناه مورد رحم و شفقت قرار گیرند»؛ (۲)

«دلت را محل لطف و رحمت و محبت به مردم قرار بده ... پس با عفو و بخشش چنان با ایشان برخورد کن که دوست داری خداوند با تو برخورد کند»؛ (۳)

«می خواهم شما را مداوا کنم»؛ (۴)

طبیعی است چنین نگرشی به معنای آن است که مجرم بیماری است که باید با شیوه های درمانی و بسیار انسانی با او برخورد کرد. به همین جهت امام با قاتل خویش، چنان برخوردی دارد که انسان در شگفت و حیرت می ماند. در بحث روشهای برخورد، به خوبی ملاحظه خواهید کرد

ص: ۱۰۴

---

۱- معادی خواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، ج ۴، ص ۸۵۹.

۲- «إِنَّمَا يَتَّبِعِي ... أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ» نهج البلاغه، خطبه ۱۰۷.

۳- «وَ أَشْعِرَ قَلْبِيكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ، وَ الْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَ اللَّطْفُ بِهِمْ ... فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَيَّفِحَكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ وَ تَرْضَى أَنْ يُعْطِيكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفِيحِهِ» همان، نامه ۵۳.

۴- «أُرِيدُ أَنْ أَدَاوِيَ بِكُمْ» همان، خطبه ۱۲۰.

که امام تا چه میزان در حق مجرمان رأفت و شفقت داشته است.

### گفتار دوم: نوع جرم و روش برخورد با جرم

دومین مؤلفه و اصولاً محوری‌ترین مؤلفه‌ای که تعیین‌کننده نوع روش برخورد با مجرمان است، نوع جرم ارتکاب یافته توسط مجرم است. جرم، در واقع، نقض قواعد و هنجارهایی است که در یک جامعه بر اساس فرهنگ و مذهب رایج در آن جامعه، مورد پذیرش واقع شده و سرپیچی از آنها توسط قانونگذار جرم دانسته شده و برای آنها مجازات تعیین شده است. این تعریف در مورد همه جرایم صادق است و همه جرایم ناقض هنجارهای مقبول اجتماعی اند، ولی این مانع از متنوع بودن جرایم نیست؛ چه همه هنجارها به یک اندازه دارای ارزش و اهمیت نیستند و به همین سبب، نوع واکنش جامعه در قبال تخلف از آنها نیز یکسان نیست. بدون شک واکنشی که جامعه در قبال تعرض به نفوس و اعراض مردم از خود نشان می‌دهد با واکنشی که در برابر تعرض به یک مال کم ارزش انجام می‌شود، یکسان نیست. به همین جهت از دیرباز تاکنون، مجازاتهایی که برای جنایات وضع شده اند بسیار شدیدتر و خشنتر از واکنشهایی است که برای امور خلافی و جرایم کم اهمیت در نظر گرفته می‌شود. در جرایم نوع اخیر، راه برای تعریق و عفو مجرم بازتر است و انعکاسی از خواست اجتماع نیز وجود دارد.

از کلمات امام علی (علیه السلام) و سیره قضایی آن بزرگوار نیز می‌توان استنباط کرد که برخورد امام با مجرمان بر حسب نوع جرم متفاوت بوده است. برای مثال در حالی که در جرایمی که بیشتر ناقض حقوق الهی است و اجرای حکم به تعیین امام بوده است، امام، بیشتر، دعوت مجرمان به توبه

و گذشت از عقاب ایشان را مدنظر قرار داده است و در جرایمی که ناقض حقوق فردی بوده است، زیان دیدگان را به عفو گذشت از مجرم دعوت می کرده است؛ هر چند در فرض عدم گذشت نیز درباره

مجازات مجرمان کوتاهی نمی کرده است. همچنین در جرایمی که حقوق اجتماعی را مخدوش می ساخته، امام پس از آن که اقدامات پیشگیرانه را رعایت می کرده و توصیه های اکیدی در جهت جلوگیری از این جرایم داشته است، به شدت با مجرمان برخورد می کرده است.

امام در منشور حکومتی خویش به مالک اشتر، نسبت به جرایم کارگزاران حکومت و خیانت به حقوق اجتماع و پایمال ساختن اموال بیت المال است، شدیداً هشدار می دهد و از وی می خواهد که با این مجرمان برخورد کند:

«مراقب کارکنان خود باش! اگر یکی از آنها دست به خیانتی گشود و گزارش جاسوسان تو بر آن خیانت یکسان بود، بدین گواهی اکتفا کن؛ او را عقوبت بدنی ده و آنچه را از این طریق به دست آورده از او بگیر، سپس او را خوار بدار و خیانتکار شمار و طوق بدنامی بر گردنش آویز.»<sup>(۱)</sup>

حساسیت امام درباره جرایمی که علیه بیت المال و سرمایه عمومی مردم انجام می شد، در کلمات آن حضرت مشهود است. ایشان حتی

ص: ۱۰۶

---

۱- «و تَحْفَظُ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي يَدِنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلِيِّ وَ وَسَّيْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ» همان، نامه ۵۳.

درباره چنین جرایمی که پیش از حکومت او انجام شده بود، می فرماید: «به خدا سوگند، اگر از آن بخششهای ناروا بینم به صاحبش برمی گردانم اگر چه زانی را با آن کابین بسته و یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا عدالت موجب گشایش است و آن که عدالت بر او گران آید، ستم بر او گرانتر است.»<sup>(۱)</sup>

وقتی یکی از کارگزاران امام بیت المال را حیف و میل نموده بود، حضرت در نامه عتاب آلودی به وی نوشت:

«از خدا بترس و اموال مردم را به آنان بازگردان! اگر از خلاف خویش بازنگردی و بر تو دست یابم درباره کیفر تو نزد خدا عذر داشته و با شمشیرم، که کسی را با آن نزد مگر داخل دوزخ شده، تو را مجازات خواهم کرد. به خدا سوگند اگر حسن و حسین (علیهما السلام) نیز مرتکب چنین فعلی می شدند هیچ ارفاقی در مورد آنان نمی کردم.»<sup>(۲)</sup>

این حساسیت به گونه ای بود که هنگامی که امام مطلع شد دخترش از بیت المال گردن بندی عاریه گرفته است تا در روزعید از آن استفاده نماید، او را سخت مورد عتاب قرار داد و با لحنی کاملاً جدی فرمود:

«اگر نبود که آن را به صورت عاریه مضمونه گرفته ای، دستت را

ص: ۱۰۷

---

۱- «وَ اللَّهُ لَوْ وَجِدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءَ وَ مَلَكَ بِهِ الْأُمَاءَ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ فِي الْعَيْدِ سَيْعَهُ وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضِيقٌ» همان، خطبه ۱۵.

۲- «فَاتَّقِ اللَّهَ وَارْدُدْ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ تُثَمِّمَ أَمَكْنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْدِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَ لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ! وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ» همان، نامه ۴۱.

می بریدم و درباره تو اجرای حد می کردم.»<sup>(۱)</sup>

امام از مجرمانی یاد می کند که هم به لحاظ شخصیتی و هم به لحاظ نوع جرمی که مرتکب شده بودند، برخورد با آنها تنها از عهده امام بر می آمده است و هیچ کس دیگر جرأت برخورد با چنین مجرمانی را نداشته است. آنان به ظاهر دیندارانی بودند که از حقیقت دین هیچ اطلاعی نداشتند و با تمسک به آموزه های دینی رفتارهای مجرمانه خود را توجیه می کردند و پس از آنکه امام بارها آنان را به کنار گذاشتن سلاح فراخوانده بود، در مقابل او شمشیر کشیدند. امام در این هنگام، آماده مبارزه سخت و قاطع با آنان شد و پس از قلع و قمع آنان فرمود: «چشم این فتنه را در آوردم! غیر از من احدی جرأت چنین کاری را نداشت.»<sup>(۲)</sup>

بنابراین، نوع جرم ارتكابی، در حقیقت، بیانگر میزان نقض هنجارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آنها است. بدیهی است نمی توان با مجرمی که به ارزشهای اساسی و والای اجتماعی بی اعتنا است ارزشهایی که قوام جامعه به آن است مانند مجرمی که ارزشهای درجه دو و سه و به تعبیر بهتر ارزشهای با درجه اهمیت کمتر را زیر پا می گذارد، برخورد کرد. این مهم، علاوه بر آن که یک قاعده عقلایی و مقتضای عقل سلیم است، در گفتار و کردار پیشوایان دینی و به ویژه امام علی (علیه السلام) نیز مشهود و معلوم است.

#### گفتار سوم: اهداف مجازات ها

#### اشاره

از مطالعه منابع موجود در زمینه حقوق جزا، اهداف متعددی برای

ص: ۱۰۸

---

۱- مجلسی، همان، ج ۹، ص ۵۰۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۲.

مجازات‌ها استخراج می‌شود که خاستگاه‌های فلسفی، ارزشی، اجتماعی و چه بسا مذهبی خاصی دارد. سزادهی و اجرای عدالت، اصلاح و بازپروری مجرمان، پیشگیری از جرم و تکرار آن، و ایجاد نظم و امنیت اجتماعی، از جمله مهمترین این اهداف است. آن چه اهمیت دارد این است که بر حسب اهداف خاصی که برای مجازات‌ها در نظر گرفته می‌شود، انتخاب نوع و میزان مجازات نیز تغییر می‌کند.

درست است که اعدام، حبس، جزای نقدی، شلاق، محرومیت از حقوق اجتماعی و ... روش‌های متعدد برخورد با مجرمان است که از هر یک از آنها به مجازات تعبیر می‌شود، ولی این که برای برخورد با مجرم از کدام یک از این مجازات‌ها باید استفاده کرد و اساساً کدامیک از این

مجازات‌ها را باید در مجموعه قوانین جزایی لحاظ کرد و در عمل عنایت بیشتری به آن داشت، تابع کارکرد آن مجازات و غایتی است که برای آن متصور است.

البته این بحث در جای خود بحث بسیار مهمی است که نسبت این اهداف با یکدیگر چگونه است و باید باشد، کدامیک از آنها اولویت دارد و آیا در تمام مجازات‌ها، همه این اهداف باید مطمح نظر باشد یا برخی از اینها. به هر حال، نمی‌توان از این نکته غافل بود که هدف از مجازات امری است که شیوه برخورد با مجرمان را برای دست‌یابی عالی اخلاقی، اجتماعی و انسانی مشخص می‌کند. درست است که مجازات، تاوان عمل سوء مجرم است و از این رو باید خاصیت سزادهدگی و زجرآوری خود را تا حدی منطقی دارا باشد، ولی آنگاه استفاده از این ابزار سزادهنده و رسواکننده مفید خواهد بود که بتوانند طریقی برای اصلاح و بازپروری مجرم، پیشگیری از جرم و برقراری نظم و امنیت عمومی و عدالت



اجتماعی باشد و این گونه اهداف متعالی را تحقق بخشد.

نکته بسیار مهم این است که در پرتو این اهداف متعالی است که نوع و میزان مجازات‌ها تغییر کرده است و به بیان دیگر، روش برخورد با مجرمان تابعی از اهداف مجازات‌ها است. حال باید دید که در اندیشه امام علی (علیه السلام) چه اهدافی برای مجازات‌ها می‌توان یافت. در کلام امام اهداف متفاوت و متعددی برای مجازات‌ها بیان شده است که البته از خاستگاه‌های فلسفی، اجتماعی، دینی و ارزشی خاصی سرچشمه می‌گیرد.

## ۱- اجرای عدالت

از جمله اهدافی که برای مجازات‌ها بیان شده است، هدفی است که گاه از آن به عنوان هدف اخلاقی مجازات‌ها تعبیر می‌شود؛ هر چند تفسیر مورد اتفاقی از مفاد و معنای این هدف در کلمات حقوقدانان یافت نمی‌شود؛<sup>(۱)</sup> چه، برخی هدف اخلاقی را همان سزادهی دانسته، می‌گویند برای آنکه حس انتقام جویی و کینه ورزی افراد فرو نشیند، باید مجرم به سزای عمل خویش برسد و برخی فارغ از این نکته اجتماعی- روانی، اجرای مجازات را امری مطابق عدالت و مقتضای اخلاق و اصول اخلاقی می‌بینند. جزیره متروکه کانت، مثالی است که این مهم را به روشنی ترسیم می‌کند. با این حال بهتر است سزادهی را از جمله ویژگی‌های مجازات‌ها به حساب آورد و مقصود از هدف اخلاقی را همان اجرای عدالت دانسته که البته با این ویژگی مجازات متناسب است؛ همچنان که هدف بازدارندگی مجازات با

ص: ۱۱۰

---

۱- ر.ک.: اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲.

ویژگی زجرآوری و ترس آور بودن مجازات متناسب است.

مقصود از اجرای عدالت آن است که از آنجا که جرم نوعی ظلم و جفا به حقوق مردم و خارج ساختن مسیر عادی و طبیعی امور و نقض حقوق فردی و اجتماعی به حساب می آید، باید در مقابل آن واکنش نشان داد. کسانی که به خود جرأت می دهند و حقوق دیگران را پایمال می کنند و به حقوق عامه تعدی و تجاوز می نمایند، با این کار، امور را از مسیر بهنجار خود خارج ساخته و از این طریق به مطامع خود رسیده اند. این جاست که باید آنان را مجازات کرد و متنبه ساخت و حقوق پایمال شده افراد را به ایشان بازگرداند و این مقتضای عدالت است که:

«عدل امور را به جای خود می نهد»<sup>(۱)</sup> و به همین جهت، «سیاستی همگانی و فراگیر است»<sup>(۲)</sup>.

این امر آنگاه که در حوزه کیفری دنبال می شود، به معنای ترمیم حقوق بزه دیدگان و بر جای نشانیدن مجرمان است:

«ذلیل نزد من عزیز و قوی است تا حق او را بگیرم و قوی نزد من ضعیف است تا حق را از او بگیرم»<sup>(۳)</sup>.

بدیهی است این مهم هر چند حس تشفی و انتقام جویی افراد (بزه دیدگان) را فرو می نشاند، هیچ گاه ضرورتاً با آن ملازمه ای ندارد.

ص: ۱۱۱

---

۱- «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» نهج البلاغه، حکمت ۴۲۹.

۲- «سَائِسُ عَامٌّ» همان.

۳- همان، خطبه ۳۷.

دو تلقی و نگرش جدید از مجرمان ارائه شده است که به نوبه خود روشها و رویه های تازه و کاملاً متفاوتی را در برخورد با مجرمان پیشنهاد داده است. نگرش نخست که بیشتر روان کاوانه است، مجرم را انسان بیماری می داند که به دلیل عوارض روانی و اختلالات روحی، از تبعیت از قواعد اجتماعی دور افتاده است. نگرش دیگر، مجرم را انسانی می داند که نتوانسته است قواعد اجتماعی را درونی کرده، با مقررات و هنجارهای اجتماعی سازگاری حاصل نماید و این ریشه در فرایند جامعه پذیری او دارد.

در واقع، مجرمان کسانی اند که متولیان فرآیند جامعه پذیری نتوانسته اند این فرآیند را آن چنانکه باید و شاید در مورد آنان به اجرا در آورند. از این رو، مجرمان سر ناسازگاری با اجتماع را در پیش گرفته اند. به هر حال، انسان بهنجار و متعارف و به طور صحیح تربیت شده، هیچ گاه دامن خویش را به قبایح نمی آلاید و انسانهای بیمار یا تربیت نایافته اند که چنین قبایحی را مرتکب می شوند. طبیعتاً راه علاج را نیز باید متناسب با مشکل در نظر گرفت و گرنه مداوا جز با عوارض سوء پیامد مثبت و مورد انتظاری را در بر نخواهد داشت.

درباره این دو تلقی باید گفت که البته نمی توان تمام مجرمان را بیمار یا ناسازگار تلقی کرد. آری، ممکن است برخی مجرمان چنین باشند، ولی بدون شک حقوق کیفری، ناظر به انسانهای بااراده و مریدی است که عاری از اختلالات دماغی و روانی اند. به بیان دیگر، اگر مرتکب جرم حقیقتاً واجد اختلال دماغی باشد، نمی توان او را در زمره مجرمان، یعنی افرادی که واجد مسئولیت کیفری اند، لحاظ کرد. در خصوص تلقی ناسازگار از جرم نیز باید به این نکته توجه داشت که اتخاذ رویه های

کیفری و روش برخورد با مجرمان، هیچگاه بدون ملاحظه سوابق تربیتی، خانوادگی و اجتماعی مجرم صورت نمی گیرد. این یکی از مباحث اساسی در حقوق کیفری است که فرآیند جامعه پذیری و تربیت همواره مقدم بر اعمال کیفرند و نباید پیش از فعال کردن و اتخاذ یک سیستم تربیتی صحیح و کارآمد به کیفر و مجازات روی آورد؛ چه، به فرموده امام علی (علیه السلام):

«مجازات همواره آخرین رتبه و مرتبه در برخورد با ناهنجاری فرد است.»<sup>(۱)</sup>

غالب انسانها با موعظه و تربیت اصلاح می شوند. بنابراین، وجود سیستم کیفری هر چند ضروری و لازم است، هیچگاه تقدم آن را در مقام عمل و اجرا نمی رساند. نکته حائز اهمیت این است که در اسلام سیستم کیفری نیز صبغه اصلاحی و تربیتی دارد؛ بدین معنا که این داروی زجرآور و ناخوش نیز با هدف اصلاح و تربیت شخص اعمال می شود، درست مانند بیماری که تنها راه چاره او در درمانهای زجرآور است. بدیهی است این سخن با آنچه امروزه در زبان برخی از حقوقدانان مطرح است که دائماً نفی سیستم کیفری را ندا می دهند و اقدامات تربیتی و اصلاحی و درمانی را پیشنهاد می کنند تفاوت دارد.

نگاهی گذرا به کلمات امام علی (علیه السلام) و سیره قضایی آن حضرت، به خوبی این نکته را روشن می سازد که امام مجازات را اقدامی اصلاح گرانه قلمداد می کند. غالب مجازاتهای اسلامی این گونه اند. امام علی (علیه السلام) خطاب به منحرفان می گوید:

ص: ۱۱۳

---

۱- «آخِرُ الدَّوَاءِ الكِي» همان، خطبه ۱۶۸.

«می خواهم شما را مداوا کنم!»<sup>(۱)</sup>

و رسول خدا را پزشکی معالج معرفی می کند که اگر مرهم می نهاد یا داغ می کرد، جز در پی مداوا نبود:

«پیامبر خدا طیب سیاری است که به دنبال بیماران خود می رود و آنها را با مرهم و داغ نهادن هر جا که لازم باشد مداوا می کند.»<sup>(۲)</sup>

### ۳- پیشگیری از جرم

مجازات می تواند عامل مهمی در پیشگیری از جرم باشد؛ به این معنا که هم جلوی تکرار جرم را می گیرد (بازدارندگی خاص) و هم اساساً مانعی فرا روی افراد در دست یازی به عمل مجرمانه است (بازدارندگی عام). مجازات، مجرم را متوجه پیامد عمل ناشایست خود می کند و او این نکته را عیان در می یابد که تنها نباید به لذات و منافع زودگذر و سود حاصل از ارتکاب جرم فکر می کرده، بلکه باید این گونه پیامدها را نیز که در قانون هر کشور وجود دارد و به نوعی به مردم ابلاغ می شود، در نظر می گرفته است.

بدیهی است که این بازدارندگی در صورتی خواهد بود که مضار و پیامدهای ناخوشایند ارتکاب جرم، بر منافع و سود حاصل از آن غلبه داشته باشد. از سوی دیگر، هم اجرای مجازاتها و هم نفس وجود مجازاتها این پیام را برای دیگران دارد که آنها نیز در صورت ارتکاب چنین اعمال ناشایستی مجازات خواهند شد و این، خود، درسی است برای آنها تا از

ص: ۱۱۳

---

۱- «أُرِيدُ أَنْ أُدَاوِيَ بِكُمْ» همان، خطبه ۱۲۰.

۲- «رَسُولُ اللَّهِ طَيِّبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ» همان، خطبه ۱۰۷.

این گونه اعمال دوری جویند. امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«شمشیر جداکننده است و دین پیوند دهنده. دین امر به معروف می کند و شمشیر نهی از منکر. خداوند فرموده است: قصاص مایه قوام حیات و زندگی شما است.»<sup>(۱)</sup>

در این کلام، شمشیر نماد و نمونه ای از مجازات اسلامی است که نقش آنها نهی از منکر است و به خوبی می توان رابطه بین شمشیر به عنوان مجازات و پیشگیری از ارتکاب منکرات را از این کلام ارزشمند استنباط کرد. در پرتوی این بازدارندگی است که امور اجتماعی انتظام و سامان خود را خواهد داشت (باز دارندگی عام) یا باز می یابد (در فرض وقوع جرم)، و این خود، زمینه های شکوفایی استعداد های انسانی و شکل گیری جامعه ای صحیح و سالم را که در آن نسلی پاک دامن و عقیف، با برخورداری از موهبت عقل خدادادی خویش، پیوندها و روابط صحیحی با یکدیگر برقرار کرده، در اندیشه تعالی کمال خویش برمی آیند، فراهم خواهد ساخت. در حقیقت، غایت و هدف نهایی از مجازاتها، نه بازدارندگی و نه سزادهی و نه حتی صرف حفظ نظم و امور اجتماعی، بلکه همان هدف عالی

اخلاقی تتمیم مکارم اخلاقی و شکل گیری جامعه ای مبتنی و معتقد بر اصول اخلاقی و ارزشمند است.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«خداوند ایمان را برای پاک شدن از شرک و قصاص را به خاطر حفظ خونها (از ریخته شدن بی مورد) و اجرای حدود را برای اهمیت دادن به جرایم و ترک شراب خواری را برای حفظ عقل، و ترک دزدی را برای

ص: ۱۱۵

---

۱- «السَّيْفُ فَاتِقٌ وَ الدِّينُ رَاتِقٌ فَالدِّينُ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ السَّيْفُ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ قَالَ اللهُ تَعَالَى وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ» آمدی، عبد الواحد، همان، ح ۲۱۳۵.

حفظ پاک دامنی و ترک زنا را برای محافظت از نسب و ترک لواط را برای استمرار نسل واجب نمود.»(۱)

با دقت نظر در این کلام حکیمانه امام روشن می شود هدفی که امام علی(علیه السلام) از مجازاتها ترسیم می کند، اصلاح و به سامان در آوردن امور اجتماعی و فردی است که البته بازدارندگی مجازات در طریق نیل به این هدف است. در اجتماع انسانی، باید ضمانت اجرایی برای حفظ جان و ناموس مردم وجود داشته باشد تا هر کس به خود اجازه حرمت شکنی را ندهد و در فرض تجری و گستاخی، این ضمانت اجرا در مورد او اجرا گردد تا دیگر نه او و نه دیگران به خود اجازه چنین کاری را ندهند و از این طریق امنیت اجتماعی حاصل آید و در پرتوی ایجاد این امنیت، فرصتهای لازم برای بهره گیری از استعدادهای نیک انسانی فراهم آید.

از این رو، اهداف مجازاتها در نظر امام علی(علیه السلام) هیچگاه به صرف بازدارندگی، سزادهندگی، یا حتی بازسازی مجرم محدود نمی شود، بلکه فراتر از این مهم مد نظر قرار می گیرد و آن اصلاح امور اجتماعی و فردی و ایجاد نظم و امنیت عمومی، برای هدف غایی شکوفا سازی استعدادهای انسانی و پدید آمدن جامعه دینی مبتنی بر قواعد و ضوابط الهی و اخلاقی است. امام علی(علیه السلام) می فرماید:

«پروردگارا، تو خود شاهدی آنچه از ما صادر شد، نه از میل و رغبت در سلطنت و خلافت بود و نه برای به دست آوردن چیزی از متاع دنیا،

ص: ۱۱۶

---

۱- «فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشُّرْكِ ... وَالْقِصَاصَ حَقّاً لِلدَّمَاءِ وَإِقَامَةَ الْحُدُودِ إِعْظَاماً لِلْمَحَارِمِ وَ تَرَكَ شُرْبَ الْخَمْرِ تَحْصِيناً لِلْعَقْلِ وَ مُجَابَبَةَ السَّرِقَةِ إِجَاباً لِلْعَفْهِ وَ تَرَكَ الزَّانَا تَحْصِيناً لِلنَّسَبِ وَ تَرَكَ اللُّوَاطِ تَكْثِيراً لِلنَّسْلِ» نهج البلاغه، حکمت ۲۴۴.

بلکه برای این بود که آثار دین تو را باز گردانیم و اصلاح و آسایش در شهرهای تو برقرار کنیم تا بندگان ستم دیده ات در امنیت باشند و موازین و حدود معطل مانده تو، به جریان افتد.»(۱)

نکته بسیار حائز توجه در این کلام، این است که هر چند ممکن است برای کسانی مجازات، ابزاری برای حفظ سلطنت و مقام باشد، از دیدگاه اسلامی هیچگاه

چنین تصویری از مجازات در کار نیست و مجازات تنها در پرتوی اهداف عالی و ارزشی است که معنا و مفهوم و جایگاه خود را باز می یابد. حال باید دید که با توجه به این مبانی، امام علی (علیه السلام) چه روشهایی را در برخورد با مجرمان در پیش می گرفته است و آیا روشهای مواجهه حضرت با مجرمان با این مبانی همخوانی دارد.

ص: ۱۱۷

---

۱- «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنِّيَا مُنَافِسَةً فِي السُّلْطَانِ وَلَا- التَّمَاسِ شَيْءٌ مِنْ فُضْلِ الحُطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ المَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرِ الإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ المَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ المَعَطَّلَةُ مِنْ حُدُودِكَ» همان، خطبه ۱۳۱.



اشاره

اکنون نگاهی گذرا به نمونه هایی از روشهای برخورد امام علی (علیه السلام) با مجرمان خواهیم داشت. بدون شک روشهای مواجهه امام منحصر به این موارد نیست و با استقصای کامل می توان موارد و روشهای دیگری را نیز در روبه و سیره عملی آن حضرت یافت.

گفتار نخست: صرف نظر کردن از مجازات مجرم

از جالبترین روش های برخورد امام علی (علیه السلام) با مجرمان این است که امام در برخی از جرایم که میزان و اجرای مجازات بنا به صلاحدید حاکم شرع است، از اجرای مجازات به سبب ویژگی مثبتی که در مجرم وجود داشته صرف نظر کرده است؛<sup>(۱)</sup> البته آن ویژگی مثبت نباید ارثی باشد، بلکه باید با کوشش مجرم بدست

آمده باشد. طبیعی است که این امر، علاوه بر آن که نوعی ترحم و ارفاق در حق مجرم به حساب می آید، خود، به نوعی زمینه را برای تشویق و ترغیب او و دیگران به تحصیل هر چه بیشتر فضایل و نیکوییها فراهم می آورد. افزون بر این، به سبب آنکه این روش، امتنانی از

ص: ۱۱۸

---

۱- مانند آنچه در بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی بیان شده است.

جانب حاکم و دستگاه قضایی به مجرم به حساب می آید، تصور و پندار و نگرش مثبتی را در او درباره قاضی فراهم می آورد و او را متفطن این نکته می سازد که دستگاه قضایی دستگاهی نیست که همواره در فکر انتقام و حذف و طرد مجرمان باشد، بلکه حقیقتاً اصلاح و بازپروری مجرمان و پیشگیری از جرایم را مد نظر دارد.

همچنین این روش، مجرم را متوجه ویژگیهای مثبت خود می کند؛ ویژگیهایی که خود در به دست آوردن آنها سهیم بوده است و لاقفل در این لحظه، به کار او آمده است. بدون شک، ترغیبی که در افراد به کسب رفتارها و خصایص نیکو به وجود می آید، آنها را به سوی انجام رفتارهای مثبت می کشاند و از این طریق از انجام افعال ناشایست باز می دارد؛ بگذریم که انجام افعال نیک، زمینه را برای تهذیب و پاکی نفس آماده می سازد. از این نمونه برخوردها می توان به مورد زیر اشاره کرد.

نقل شده است که شخصی نزد امام اقرار به سرقت کرد. ایشان از وی پرسید: آیا می توانی قرآن بخوانی؟! مجرم پاسخ داد:

آری، سوره بقره را می دانم. حضرت فرمود: دست تو را به سوره بقره بخشیدم!<sup>(۱)</sup>

آنچه از این روایت برداشت می شود این است که لازم نیست دستگاه قضایی همواره در فکر اجرای مجازات و به اصطلاح مجازات گرا باشد. مجازات در صورتی کارایی فوق العاده خواهد داشت که واقعاً خصیصه اربعابی و رسواکنندگی خود را داشته باشد. بدیهی است که اجرای مجازات وقتی به صورت مداوم دنبال شود تا حدی از این دو خصیصه مهم می کاهد. بی جهت نیست که آن امام همام، مجازات را آخرین مرحله برخورد می دانست.<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۱۹

---

۱- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸.

مفاد بارز این سخن، با توجه به آنچه از سیره قضایی و حکومتی آن حضرت به دست ما رسیده است و به ویژه برخورد از نوع اخیر، بیانگر آن است که قاضی و دستگاه قضایی باید در وهله نخست «اصلاح گرا» باشند و گرایش به مجازات نیز باید پس از انجام روشهای ملایم و توأم با رأفت و رحمت، آن هم با قصد درمان و مداوای مجرم و جامعه باشد. البته متأسفانه گاه فرهنگ غالب و رایج در یک جامعه مجازات گرا است و این امر قضات را از اعمال شیوه های انسانی و ملایم باز می دارد.

اتفاقاً در دنباله همین روایت، به اعتراض فردی از جاهلان و متعصبان به ظاهر دیندار آن روز اشاره شده است. او (اشعث) که از این کار امام ناخشنود شده بود به امام عرض کرد: آیا حدی از حدود الهی را تعطیل می کنی؟ امام به وی فرمود: تو متوجه این موضوع نیستی؛ اگر بینه اقامه شد، امام حق عفو ندارد، اما در صورتی که فردی علیه خود اقرار کرد، امام مخیر است؛ اگر بخواهد حد را اجرا می کند و گر نه عفو نماید. (۱)

به هر حال، در تحلیل شرایط و معیارهای لازم برای اجرای احکام اسلامی، شرایط و متغیرها چنان فراوان است که راه را بر رسیدن به مرحله نهایی (مجازات کردن) می بندد و می توان با لحاظ اموری مانند آنچه امام انجام داده است، به فردی کردن مجازتها و سوق دادن بیشتر احکام قضایی به سوی امور انسانی و اصلاحی حرکت کرد. بدیهی است بخشیدن مجرم به سبب ویژگی مثبت او به جرم سرقتی محدود نمی شود که با اقرار اثبات شده باشد. زیرا چنانکه خود امام تصریح می کند، مادام که ادله قضایی، حدود را اثبات نکند، می توان به راه های دیگری تمسک

ص: ۱۲۰

## گفتار دوم: کوشش برای اصلاح مجرمان

از جمله نکات بسیار مهمی که در روشهای برخورد امام علی (علیه السلام) با مجرمان به دست می آید این است که امام به صرف اجرای مجازات بسنده نمی کردند، بلکه می کوشیدند تا موجبات بازسازی و اصلاح هرچه بیشتر مجرمان را پدید آورند.

واقعیت این است که هر چند مجازات می تواند اثر بازدارنده داشته باشد و به نوعی در پیشگیری از جرم کمک نماید، اگر این مهم بدون توجه به خشکانیدن ریشه ها و علل و عوامل بزهکاری صورت گیرد، جز در مدتی کوتاه اثری نخواهد داشت. چگونه می توان فردی را که به سبب نداشتن سرمایه لازم برای کسب و کار، دست به دزدی زده است، با صرف مجازات کردن از این مسیر باز داشت؟! وقتی انگیزه های روانی و نیازهای درونی فرد و فشارهای خانوادگی او غلیان یابد، چه بسا حتی از درد مجازات هم غافل می ماند. بنابراین، هر چند فرد به سبب آزادی اراده و اختیار و داشتن عقل و خرد مسئول رفتار خود است، باید کاری کرد که زمینه های لازم برای ارتکاب رفتارهای ناشایست در او خشکانده شود. در سیره قضایی امام علی (علیه السلام) این امر به خوبی مشاهده می شود.

روایت کرده اند چند دزد را نزد حضرت آوردند که در موردشان حدود الهی اجرا شده و دستشان قطع شده بود. حضرت به قنبر فرمود: اینان را پیش خود نگاه دار و جراحاتشان را مداوا کن و از آنان به نیکی پذیرایی کن و آن گاه که بهبود یافتند مرا خبر کن. قنبر دستور امام را اجرا کرد. وقتی جراحات آنان بهبود یافت، خدمت امام آمد و جریان را به امام

گزارش کرد. امام فرمود: به هر کدام از آنها دو لباس بیوشان و آنان را نزد من بیاور. قنبر نیز لباسی نیکو به آنان پوشاند و آنان را نزد امام آورد. امام علی (علیه السلام) که در این هنگام نشسته بود و با انگشت به خاک می زد، سر بلند کرد و فرمود: دستانتان را به طرف آسمان دراز کنید و بگویید خدایا، علی دست ما را قطع کرد. آنان نیز چنین کردند. سپس حضرت فرمود: خدایا بر کتاب تو و سنت پیامبرت. آنگاه به قنبر فرمود: به هر کدام از آنها چیزی بده و آزادشان کن تا به شهرشان برسند. (۱)

طبیعی است کسی که مرتکب سرقت می گردد و شرایط اجرای حد بر او وجود دارد، باید طعم حد الهی را بچشد و این مقتضای عدالت است؛ ولی این که امام دستور می دهد تا جراحات آنان را که در اثر اجرای حدود پدید آمده است التیام بخشند و خود به آنها یاد آوری می کند که حکم کتاب و سنت خدا در مورد آنان جاری شده است و از همه مهمتر هزینه بازگشت به موطنشان را به ایشان می پردازد، همه حکایت از آن دارد که باید کوشید تا فردی که مجازات شده است دوباره به دامن اجتماع باز گردد و مشتاقانه تن به پذیرش هنجارهای دینی و اجتماعی دهد.

امام درباره زندانیان نیز چنین رویه ای داشت. زندان، به عنوان یک مجازات می تواند عاری از هر گونه برنامه تربیتی و اصلاحی باشد، ولی می توان در طول دوره زندان، آموزشهای لازم را به زندانیان ارائه کرد و برنامه های پرورشی را جهت بازسازی ایشان به اجرا در آورد. به عقیده برخی دانشمندان، امام علی (علیه السلام) پایه گذار اندیشه ایجاد زندان اصلاحی در تاریخ بشریت است. (۲) تدارک شرایط لازم برای انجام عبادات، تنظیم و

ص: ۱۲۲

---

۱- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۵۴۲.

۲- وائلی، احمد، احکام زندان در اسلام، ترجمه محمدحسن بکایی، ص ۲۷۳.

اجرای برنامه های تهذیبی و تربیتی، آموزش قرآن، فرا گرفتن دانش و خواندن و نوشتن، از برنامه های اجباری دو زندان «نافع» و «مخیس» بود. امام به زندانیان اجازه حضور در نماز جمعه را می داد، هر چند که از اولیای آنان تضمین می گرفت تا زندانیان به زندان باز گردند.<sup>(۱)</sup>

نمونه ای دیگر از اقدامات امام این است که مردی را به اتهام استمنا نزد امام آوردند و جرم او ثابت شد. حضرت او را شلاق زد و تعزیش کرد. سپس هزینه ازدواج او را از بیت المال فراهم آورد.<sup>(۲)</sup>

این نمونه ها بیانگر آن است که نباید صرفاً در پی اجرای مجازات بود، بلکه باید از اقدامات لازم برای اصلاح مجرمان نیز باید بهره جست.

### گفتار سوم: مجازات نکردن مجرم مسلمان در سرزمین دشمن

از جمله نکات بسیار مهم قضایی امام علی (علیه السلام) این است که می توان از اجرای مجازات مجرم در سرزمین دشمن صرف نظر کرد. ممکن است این مطلب در وهله نخست ابهام انگیز جلوه نماید؛ چه، مگر می توان حدود و دیگر مجازاتهای الهی را در سرزمینی که تحت سیطره حکومت دیگری است به اجرا در آورد و آیا این، خود، به نوعی نقض نظم اجتماعی آن حکومت نیست؟ بحث در این مورد، مجال مفصل می طلبد.

نکته مورد نظر این است که بر فرض امکان اجرای مجازاتهای الهی، در سرزمین دشمن آیا این امر به صلاح است یا خیر. امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «در سرزمین دشمن حد را اجرا نمی کنم تا اینکه از آنجا

ص: ۱۲۳

---

۱- محدث نوری، همان، ج ۱۷، ص ۴۰۳.

۲- حر عاملی، همان، ج ۱۸، ص ۵۷۴.

خارج شود، به علت اینکه سرافکنندگی به سراغ او نیاید و به دشمن نیوندد.»<sup>(۱)</sup>

دقت در این کلام گهربار امام، فلسفه عدم برخورد با مجرم در سرزمین دشمن را به خوبی روشن می سازد. معمولاً مجرمان به سبب اجرای مجازات و درد و رنجی که از این ناحیه، در خود احساس می کنند و نیز احساس سرافکنندگی و خجالتی که دارند، رابطه شان با اجتماع -- ولو برای مدتی محدود قطع یا تیره می گردد. واضح است در زمانی که رابطه خصومت و دشمنی بین دو دولت برقرار باشد و هر یک در صدد تضعیف دیگری و تقویت خود باشند، پذیرش مجرمان می تواند از جمله ابزارهای کارساز در این زمینه به شمار آید و اجرای مجازات مسلمانان در سرزمین دشمن، زمینه را برای این پناهندگی و پذیرش و در نهایت، تضعیف دولت اسلامی فراهم سازد. بنابراین، در برخورد با مجرمان باید مصالح اجتماعی و حکومتی را رعایت نمود و از انجام کارهایی که راه را برای گسستگی پیوندهای فرد مجرم با دولت اسلامی و ابزار دست دشمن شدن او باز می کند، پرهیز کرد. بدیهی است این امر صرفاً به معنای تأخیر اجرای مجازات و نه تعطیل آن است. از این رو، هیچگاه پذیرش این امر به معنای سازش و سستی در اجرای دین و احکام آن نیست؛ چرا که سخن مذکور را کسی گفته است که می فرماید:

«در دین خویش سستی و مسامحه نمی ورزم.»<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۲۴

---

۱- «لَا أُقِيمُ عَلَى رَجُلٍ حَدًّا بِأَرْضِ الْعَدُوِّ حَتَّى يَخْرُجَ مِنْهَا لِنَلَّا تَلَحَّقَهُ الْحَمِيَّةُ فَيَلْحَقَ بِالْعَدُوِّ.» مجلسی، همان، ج ۷۹، ص ۹۷.

۲- «لَا أُدَاهِنُ فِي دِينِي» نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲، ص ۲۳۱.

از جمله ایراداتی که گاه برخی از افراد به ظاهر روشنفکر به حقوق کیفری اسلام می گیرند، این است که چرا اسلام برای برخی رفتارها که تنها به حوزه زندگی فردی و شخصی مربوط می شود، مجازات تعیین کرده است. اینان از این طریق و به ویژه با توجه به نوع مجازاتی که در شریعت مقدس اسلام برای این دسته از رفتارهای ناصواب دیده شده است، سعی در خشن نشان دادن چهره حیات بخش و زیبای اسلام دارند، اما غافلند که هیچ یک از احکام اسلامی بی مصلحت نیست و ورای هر یک از احکام، حکمتها و مصالحی وجود دارد که چه بسا هیچگاه به ذهن آدمی خطور نکند. البته اینان در فلسفه حقوق کیفری اسلام نیز تأمل نمی کنند و حتی در مورد شرایط لازم برای اجرای حدود الهی نمی اندیشند.

راستی کدام شریعت و قانونی را می توان سراغ داشت که برای برخی رفتارهایی که امروزه به کام مردمانی شهوتگرا خوش آمده و در صورت شیوع، کیان جامعه و نسل آدمی را از میان بر می دارد مجازات تعیین کرده باشد، ولی هم حاکمان و هم افراد را، ضمن آنکه از عذاب و مجازات الهی بیم داده است، به پرده پوشی و فاش نکردن این جرایم دعوت کرده باشد و راه را بر اجرای مجازات مجرمان بسته و آنان را به توبه و انابه به درگاه الهی دعوت کرده باشد؟! و راستی کدام برخورد با مجرم زیباتر از اینکه او را به زبان فرو بستن و اقرار نکردن و در فرض اقرار به ساکت شدن و باز نگفتن و دعوت او به توبه و انابه و بازگشت به دامان لطف و رحمت الهی، فراخواند؟ کدام عاقلی است که تبعات اصلاحی و تربیتی این گونه برخوردها را نادیده انگارد؟

آری، امام علی (علیه السلام) پرورش یافته چنین مکتبی است. آنچه از کلام و



سیره آن حضرت نقل شده است، حکایت از این دارد که او با مجرمانی که مرتکب برخی از جرایم، مانند جرایم منافی عفت، می شده اند، برخوردی این چنین داشته است. روایت شده است که بعد از اقرار فردی به زنا، امام با ناراحتی فرمود:

«چقدر قبیح است که فردی از شما مرتکب اینگونه جرایم شود و خود را در حضور مردم رسوا نماید. آیا نمی تواند در خانه اش توبه کند؟ به خدا قسم، توبه این فرد بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد توسط من بر او است.»<sup>(۱)</sup>

ایشان حتی به حکمرانان خود دستور می داد تا عیوب مردم را بپوشانند و با کمتر شبیه ای از اجرای حدود سرباز زنند.<sup>(۲)</sup>

### گفتار پنجم: عفو مجرمان و توصیه به آن

از جمله روشهای بسیار مورد تأکید امام علی (علیه السلام) در برخورد با مجرمان، عفو و گذشت از ایشان و دعوت از بزه دیدگان به عفو بزهکاران است. در بخش پیشین، به هنگام بحث از مبانی روشهای برخورد با مجرمان، ملاحظه شد که از دیدگاه امام علی (علیه السلام) اساساً مجرم فردی است که مستحق رأفت و رحمت و بخشش است و سیاست جنایی نیز باید به گونه ای باشد که فرد را از پیوندهای اجتماعی خود و جایگاهی که در اجتماع دارد منسلخ نماید. به همین جهت، مجازات هر چند اثر ارعابی، پیشگیرانه و تربیتی و اصلاحی دارد، اجرای آن را باید به آخرین مراحل

ص: ۱۲۶

---

۱- کلینی، محمد ابن یعقوب، الفروع من الکافی، ج ۷، ص ۱۸۸.

۲- «أُسْتُرَ عَوْرَةَ رَعِيَّتِكَ وَلَا تُكْشِفْ مَا طُوِيَ عَنْكَ» ذاکری، علی اکبر، سیمای کارگزاران، ج ۲، ص ۱۸۱.

وانهاد؛ چه، مجازات در حقیقت واکنش سرکوبگرانه و خشن اجتماع در برابر فرد بزهکار است و طبیعی است که با اجرای مجازات نوعی حقد و کینه نسبت به اجتماع در فرد پدید آید؛ بگذریم از این که معمولاً عرف اجتماعی، فرد مجازات شده را به نوعی مطرود تلقی می کند و او

انگشت نمای آحاد اجتماع می گردد. البته در مواردی، از اجرای مجازات گریزی نیست و همچنان که گفته شده، فلسفه حقیقی مجازاتها در اسلام تطهیر فرد است و از جمله اموری است که در متون دینی مایه رحمت، حیات و زندگی است، ولی باید توجه داشت که تلقی رایج در بیشتر جوامع این است که مجازات، در حقیقت انعکاسی از کینه و بدخواهی اجتماعی درباره مجرمان است. از این رو است که مجازات به هر حال، به ویژه، اگر ناصواب باشد، کینه آفرین است.

به همین جهت، امام علی (علیه السلام) از اجرای مجازات، به ویژه در مواردی که اختیار به دست حاکم است، ابا می نمود و می کوشید تا فرد مجرم را مدیون لطف و رحمت اجتماع بار آورد و از این طریق او را در اختیار حکومت و جامعه قرار دهد. همچنان که اگر افراد از جرم و خطاهای یکدیگر در گذرند نیز تعلق و وابستگی آنان به یکدیگر بیشتر خواهد شد. امام مکرراً مردم را به عفو توصیه می کرد و بخشش از موضع قدرت را یک ارزش اخلاقی می دانست. در روایتی از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که:

«سزاوارترین مردم به عفو کسی است که قدرت بیشتری بر مجازات داشته باشد.»<sup>(۱)</sup>

به همین جهت بود که امام حتی در مورد قاتل خویش فرمود:

«دیروز همنشین شما بودم و امروز عبرتتان! و فردا از شما جدا می شوم.

ص: ۱۲۷

---

۱- «أُولَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ» نهج البلاغه، حکمت ۴۹.

اگر زنده ماندم، خود، خون خواه خویشم و اگر از دنیا رفتم و در میان شما نبودم، اگر قاتلم را بخشیدید برای من مقامی است و برای شما پاداشی.»<sup>(۱)</sup>

آن حضرت، خود، در بیان سیره حکومتی خویش و اینکه تا چه میزان درباره مجرمان گذشت داشته است، خطاب به مجرمان -- که اکنون شهروند عادی او بودند -- می فرماید:

«مجرمان شما را مورد عفو قرار دادم و شمشیر را از تعقیب فراریان برداشتم و روی آورندگان شما را پذیرفتم.»<sup>(۲)</sup>

آری، این روشی است که مجرم را در موضع انفعال قرار می دهد و در او نسبت به جامعه و منجی نگرش مثبتی ایجاد می کند. از این رو، در فرهنگ اخلاقی و قضایی امام علی (علیه السلام) در گرایش به عفو و بخشش بر گرایش به مجازات تقدم و برتری دارد. ایشان می فرماید:

«زشتترین عیوب کم عفو کردن و بزرگترین گناه سرعت گرفتن در انتقام جویی است.»<sup>(۳)</sup>

این روایت و روایات بسیار دیگری که از آن حضرت نقل شده است، در حقیقت، بیانگر یکی از مهمترین ویژگیهای نظام قضایی مورد نظر آن حضرت است و آن اخلاقی بودن نظام قضایی است. پیوند اخلاق با قضاوت و حقوق کیفری، به نحوه بسیار روشنی در این روش برخورد امام ملاحظه می شود.

ص: ۱۲۸

۱- همان، خطبه ۲۳.

۲- «فَعَفَوْتُ عَنْ مُجْرِمِكُمْ وَ رَفَعْتُ السَّيْفَ عَنْ مُدْبِرِكُمْ وَ قَبِلْتُ عِن مَّقْبَلِكُمْ» همان، نامه ۲۹.

۳- «قَلَّ الْعَفْوُ أَفْبَحَ الْعُيُوبِ وَ التَّسْرُعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ» آمدی، همان، ح ۶۷۶۶.

به همین جهت است که عفو و گذشت، به ویژه آنگاه که از موضع قدرت باشد و به خصوص برای دستگاه قدرت یعنی حکومت، که خود نماد و اسوه و الگویی برای عموم جامعه است، یک ارزش اخلاقی مؤکد تلقی می شود. ایشان می فرماید:

«عفو زکات قدرت است»؛<sup>(۱)</sup>

«عفو زینت قدرت است»؛<sup>(۲)</sup>

«بهترین اعمال قدرتمند عفو است»<sup>(۳)</sup> و

«بهترین عفو، عفو در حالت قدرت است»<sup>(۴)</sup>

به همین جهت است که امام به افراد توصیه می کند حتی در مواردی که با شدیدترین نوع جنایات و خیانتها به خود مواجه می شوند و شدیداً از مجرم منزجر می شوند، کینه او را به دل نگیرند و کینه را با کینه پاسخ نگویند؛ بلکه از موضعی کاملاً اخلاقی و انسانی با مجرم برخورد نمایند:

«خواستار کیفر برادرت مباش، گر چه خاک در دهان تو ریزد»<sup>(۵)</sup>

رویه عملی آن حضرت نیز بدینسان بوده است. نقل کرده اند که روزی حضرت مشغول سخنرانی بود و در این میان، مردی سؤال کرد و ایشان بالبداهه و سریع پاسخ وی را گفت. یکی از خوارج در میان مردم فریاد زد: «خدا او را بکشد، چقدر دانشمند است.» مردم خواستند متعرض وی

ص: ۱۲۹

۱- «العفو زكاهُ القُدْرَةِ» همان، ح ۹۲۴.

۲- «العفو زینُ القُدْرَةِ» همان، ح ۷۷۲.

۳- «أَحْسَنُ أَعْمَالِ الْمُقْتَدِرِ الْعَفْوُ» همان، ح ۳۰۰۰.

۴- «أَحْسَنُ الْعَفْوِ مَا كَانَ عَنْ قُدْرَةٍ» همان، ح ۳۱۸۴.

۵- «و لَا تَطْلُبَنَّ مُجَازَاتِ أَحْيِكَ و لو حَثَّ التُّرَابَ بِفِيكَ» حرانی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۷۸.

شوند، اما امام فرمود: رهایش کنید! او تنها به من فحش داد. (۱)

بدیهی است، ترویج این روحیه می تواند عامل بسیار مهمی در رفع کینه ها و تقویت پیوندهای اجتماعی باشد و از این رو اهمی بسیار مهم در جهت کاهش روند بزهکاری به شمار آید.

گذشته از آنچه در مورد تبعات اجتماعی عفو گذشته شد، اساساً عفو مجرمان هر چند بر خطا باشد، نسبت به مجازات خطای مجرمان برتر و بهتر است؛ زیرا در فرض دوم؛ چه بسا راهی برای جبران آن نباشد و ظلمی عظیم به فرد -- به ظاهر مجرم اما در واقع بی گناه و خانواده او واقع شود؛ اما در فرض نخست، به هر حال، عفو عملی اخلاقی است که در پیشگاه خداوندی بی پاسخ نخواهد ماند و فرد از ثواب عمل نیک خویش بهره مند خواهد شد.

بنابراین، کاهش تظلمات دستگاه کیفری درباره مجرمان در گرو حاکمیت این دیدگاه است. از اینجا می توان به حکمت گفتار امام پی برد:

«در موارد شبهه تا آنجا که می توانید از اجرای حدود خودداری کنید. اگر راهی برای عدم اجرای حد درباره مسلمانان بود، او را رها کنید؛ زیرا اگر امام در عفو اشتباه کند، بهتر است تا آن که در اجرای مجازات دچار اشتباه گردد.» (۲)

متأسفانه، بسیاری از افراد، درباره اثر کارساز و سازنده عفو آگاهی ندارند. آری، درباره کسانی که ارتکاب اعمال ناشایست در روح و جان آنان ملکه شده است، عفو نمی تواند کارساز باشد؛ اما درباره کسی که بار

ص: ۱۳۰

---

۱- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، ص ۱۴۴.

۲- «ادرووا الحدود بالشبهات ما استطعتم، فإن وجدتم لمسلم مخرجاً فخلوا سبيله فإن الإمام إن يخطيء في العفو خير من أن يخطيء في العقوبه» مجلسی، همان، ج ۴۰، ص ۲۹۲.

نخست است دست به جرمی می زند که مکان عفو و گذشت آن در شریعت وجود دارد، چه بسا عفو و گذشت، کارسازتر از مجازت باشد.

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

«چون جرم کسی نزد تو ثابت شد، عدالت را به نیکی اجرا کن؛ زیرا عدالت همراه با عفو و گذشت برای انسان عاقل شدیدتر (کارسازتر) از اجرای مجازات است.»<sup>(۱)</sup>

در واقع اجرای عدالت تنها به اجرای مجازات منحصر نمی شود، بلکه حکم به مجرمیت و اثبات مسئولیت کیفری برای فرد نیز، خود، اجرای عدالت است.

### گفتار ششم: آزاد ساختن مجرمان در انتخاب نوع مجازات

از جمله روش های برخورد امام علی (علیه السلام) با مجرمان این است که در مواردی، امام اختیار تعیین نوع مجازات را به مجرمان واگذار می کرد و آنان را به اختیار یکی از چند مجازات مقرر دعوت می نمود. برای مثال؛

روایت شده است که در مورد فردی که خود اقرار به لواط کرده بود و شرعاً مجرمیت او اثبات شده بود، امام وی را به انتخاب یکی از سه کیفر مخیر ساخت:

۱. یک ضربه شمشیر، هر جا برسد؛

۲. بستن دست و پا و پرتاب از فراز کوه؛

۳. سوزاندن با آتش.

این فرد خود، سومین مجازات را انتخاب کرد و به درگاه خداوند

ص: ۱۳۱

---

۱- «فَإِذَا اسْتَحَقَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ ذَنْبًا فَأَحْسِنِ الْعَدْلَ فَإِنَّ الْعَدْلَ مَعَ الْعَفْوِ أَشَدُّ مِنَ الضَّرْبِ لِمَنْ كَانَ لَهُ عَقْلٌ» حرانی، همان، ص ۸۳.

عرض کرد که خدایا؛ سخت ترینش را انتخاب کردم و از تو می خواهم که آن را کفاره گناهانم قرار دهی و مرا به آتش دوزخ نسوزانی و گریه بسیار کرد و به سوی گودالی که آتش آن را فرا گرفته بود رهسپار شد. در این هنگام، امام از اجرای مجازات او چشم پوشید به وی فرمود که خداوند توبه تو را قبول کرده است. (۱)

آنچه برای نویسنده این سطور جالب می نماید، مخیر ساختن مجرم در انتخاب نوع مجازات است؛ زیرا اساساً مجازات در نظر مجرمان، بیانگر نوعی انتقام اجتماعی است و نظر به خاصیت زجردهندگی و رسواکنندگی مجازات ها، تحمل آنها معمولاً برای مجرمان بسیار دشوار است. با وجود این، اختیار دادن به مجرم در انتخاب یکی از چند مجازات، می تواند تا حدی از درد و رنج مجازات بکاهد و تحمل آن را برای مجرم آسانتر گرداند؛ به ویژه که معمولاً قضات از توان و ظرفیت جسمی و روحی مجرمان چندان اطلاعی ندارند و از همه مهمتر اینکه چون خود مجرم، نوع خاصی از مجازات را برمی گزیند، آن نگرش منفی به دستگاه قضایی که در فرض عدم انتخاب برای او حاصل می آمد، کمتر خواهد شد.

### گفتار هفتم: تأخیر در اجرای مجازات ناتوانان

در بحث پیشین اشاره شد که از جمله قواعدی که رعایت آن در برخورد با مجرمان ضروری است، قواعد اخلاقی و رحمت و شفقت بر مجرمان و کوشش در جهت انسانی کردن مجازات ها است. از جمله موارد رعایت این اصل مهم در سیره قضایی امام علی (علیه السلام) این است که امام اجرای مجازات در مورد بیماران (۲) و زنان حائض و مستحاضه را به تأخیر

ص: ۱۳۲

---

۱- کلینی، همان، ح ۱.

۲- حر عاملی، همان، کتاب الحدود.

می انداخت تا این که بیماری آنان مرتفع گردد و به لحاظ جسمی و روحی زجری افزونتر از مجازات را متحمل نگردند. همچنین آن حضرت اجرای حد در مورد زنان حامله را به این دلیل که ممکن است به حمل آسیب برساند، به تأخیر می انداخت.

این روش، گذشته از آنکه مصداقی است از آنچه امروزه با عنوان فردی کردن مجازاتها از آن تعبیر می شود و بسیار مورد تأکید حقوقدانان است، خود، بیانگر سیطره اخلاق اسلامی و اصول بشر دوستانه بر قوانین قضایی اسلام است. بدیهی است رعایت این قاعده اساسی، محدود به مورد یاد شده نمی شود و به اصطلاح نمی توان بر یک یا چند مصداق جمود ورزید؛ بلکه اساساً در هر موردی که از لحاظ شرعی منعی وجود نداشته باشد که آن هم حتماً به خاطر مصلحت مهمتری است می توان این قاعده را به کار بست.

### **گفتار هشتم: برخورد انسانی با مجرم مجازات شده**

در بحث از مبانی روشهای برخورد با مجرمان در اندیشه امام علی (علیه السلام) ملاحظه شد که آنچه از ظاهر کلام آن حضرت به دست می آید این است که مجرم فردی همانند دیگر انسان ها است که راه خطا پیموده است و گرایش او به جرم و تبه کاری، ذاتی او نیست، بلکه امری است عارضی و از این رو می توان با آن مقابله و آن را اصلاح کرد.

از جمله لوازم پذیرش چنین دیدگاهی این است که برخورد سرکوب گرانه با مجرم نیز باید به میزان هنجارشکنی او باشد و پس از اجرای مجازات باید به فرد همان نگاهی را داشت که پیش از ارتکاب جرم به او داشته ایم. به بیان دیگر، برخورد با مجرم نباید به گونه ای باشد که نوع نگاه و نگرش ما به او منفی شود و او را از حقوق اجتماعی و انسانی



محروم کند. مجرم انسانی است همانند انسان های دیگر که باید کفاره عمل خویش را بپردازد و مجازات شود، ولی باید تنها به آنچه مفاد آن مجازات است، اکتفا شود و نه بیشتر؛ زیرا در این صورت، در واقع میزان مجازات او و نوع آن افزایش یافته و چنین امری، خود، نوعی اجحاف و ظلم به مجرم است.

آری، گاه مقتضای مجازات، نوعی محروم سازی مجرم از برخی حقوق اجتماعی است، ولی این امر نیز باید مشخص و معین باشد.

مقتضای منصفانه و عادلانه بودن مجازات و برخورد با مجرم و رعایت اصول بشر دوستانه و انسانی و اخلاقی این است که با مجرمان مجازات شده همانند دیگر انسان ها برخورد شود و هر گونه رویه نادرست دیگری جز این، در حقیقت، نوعی جفا به مجرم است. این سخن حتی قبل از اجرای مجازات و یا حین اجرای مجازات نیز در مواردی صادق است و به همین دلیل است که یک زندانی نیز حق حضور در

نماز جمعه، رأی دادن و ... را دارد.

آنچه از سیره و کلام امام علی (علیه السلام) استنباط می شود این است که امام با مجرمان مجازات شده برخوردی این چنینی داشته اند. از این رو بوده است که امام گواهی و شهادت سارق مجازات شده را می پذیرفته و خود حکم به پذیرش چنین شهادتی داده است. (۱)

تحلیل چنین رویه و کلامی حاکی از این است که مجرم به حسب ظاهر و عرف اجتماعی با تحمل مجازات از هر گونه گناهی پاک می شود.

متأسفانه نگرش های افراطی در طول تاریخ تحولات کیفری از مجرم، انسان و بلکه حیوانی قسی القلب تصور کرده است که دیگر صلاحیت

ص: ۱۳۴

بازگشت به اجتماع را ندارد و باید همواره منفور و مطرود باشد و سالیانی در کشورهای به ظاهر متمدن امروز، این نگرش های متوحشانه حاکم بوده است. اما خوشبختانه اسلام در عصر جاهلیت عرب چنین پیامهای انسان دوستانه و دلنشینی را به بشریت عرضه کرده و راه را برای بازگشت و اصلاح مجرمان همواره باز نگاه داشته است.

تذکر این نکته ضروری است که اگر مجرم از آن دسته مجرمانی باشد که در اصطلاح امروز از آنها به «مجرمان به عادت» تعبیر می شود، چنین رویه ای درباره آنها اجرا نمی شود. اینان کسانی هستند که به اصول انسانیت و کرامت ذاتی خویش یکسره پشت پا زده اند و شیاطینی انسان نما هستند که مشغول به انحراف کشاندن آحاد اجتماع اند.

### **گفتار نهم: جبران خسارت مجرمان**

با وجود همه تلاش هایی که یک حکومت و نهاد متولی امر قضاوت در راه اجرای عدالت و مجازات مجرمان دارد، همیشه چنان نیست که قضات در تشخیص مجرم یا نوع جرم یا میزان مجازات صائب باشند و خطا نکنند. خطای قاضی هر چند امر عادی و رایجی نیست، چندان هم دور از انتظار نیست. از این رو باید از سویی هشدارهای لازم را به قضات داد و آنان را به توجه بیشتر و دقیقتر به کار خویش آگاهی داد و از سوی دیگر، در مقابل خطاهای قضات واکنش مناسب نشان داد و از فردی که بیش از استحقاق خود یا اصولاً به ناحق و اشتبهاً مجازات شده است، جبران خسارت کرد.

این مهم، در سیره حکومتی امام علی (علیه السلام) به خوبی دیده می شود. ایشان از سویی کارگزاران حکومتی خود و از جمله قضات را به دقت در برخورد با خطاهای افراد دعوت می کرد و آنان را از زیر پا گذاشتن و نادیده گرفتن

حقوق رعیت و از جمله مجرمان بر حذر می داشت،<sup>(۱)</sup>

و از سوی دیگر، قضات را به عفو و بخشش دعوت می کرد و می فرمود:

«اگر قاضی در عفو مجرم خطا کند، بهتر از آن است که در مجازات او خطا کند.»<sup>(۲)</sup>

زیرا در فرض نخست، راه برای تجدیدنظر در حکم وجود دارد، اما در فرض دوم و پس از اجرای مجازات همواره راه برای جبران خسارت باز نیست.

افزون بر این، امام در برابر کسانی که در اجرای مجازات طفره رفته، بیش از استحقاق مجرمان با آنان برخورد می کرده اند، شدیداً واکنش نشان می داد و آنان را عتاب و حتی قصاص می فرمود. برای مثال، وقتی قنبر که مأمور اجرای مجازات بود، سه تازیانه بیشتر به مجرمی زده بود، توسط امام مورد قصاص قرار گرفت.<sup>(۳)</sup>

سرانجام این که امام از کسانی که به ناحق و از روی خطای قاضی، بیش از میزان استحقاق خود مجازات شده بودند، جبران خسارت می کرد.

روایت کرده اند که در ایام حکومت امام یکی از قضات، به ناحق و از روی خطا، حکم به قطع عضو یا قتل کسی داده بود و امام دستور داد تا دیه آن از بیت المال پرداخت گردد.<sup>(۴)</sup>

عبدالله بن معقل نیز روایت کرده است که امام علی (علیه السلام) کسی را تعزیز کرد، اما مأمور اجرای مجازات دو تازیانه بیشتر بر او زد. امام علی (علیه السلام) نیز او را قصاص کرد و دو تازیانه به وی

ص: ۱۳۶

---

۱- ر.ک.: نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- مجلسی، همان، ج ۴۰، ص ۲۹۲.

۳- کلینی، همان، ج ۷، ص ۲۶۰.

۴- حر عاملی، همان، ج ۱۸، باب ۱۰.

این همه، بیانگر این نکته است که نباید به بهانه اجرای عدالت، عدالت قربانی گردد. رعایت این قاعده اقتضا می کند که روش برخورد با مجرم چنان باشد که هیچ گونه ستمی در حق وی اعمال نگردد و اگر خدای ناخواسته کوچکترین اجحافی در حق او شد، به هر ترتیب ممکن از او اعاده حیثیت شود. معنی و مفهوم این روش، این است که هیچگاه فرد مجرم به سبب ارتکاب جرم از حقوق انسانی خویش محروم نمی شود، جز آنچه مطابق با قانون درباره او روا داشته می شود.

متأسفانه نگرش های ناصوابی ممکن است وجود داشته باشد مبنی بر این که بزهدکار کسی است که با ارتکاب بزه، از زمره انسان ها و انسانیت بیرون رفته است و باید شدیداً او را مجازات کرد. این نگرش که با احساسات کینه توزانه به مجرم توأم می گردد، راه را برای رفتارهای ناصواب و غیرقانونی با مجرم هموار می گرداند و این زمینه روانی، مقدمه رفتارهای خلاف قانون از سوی مجریان قانون می گردد. بنابراین، باید با آموزش لازم و وضع تدابیری جلوی خودسری ها و خودکامگی و اشتباهات قضات را گرفت و آنها را از برخوردهای غیرمجاز، ناصواب و کینه توزانه با مجرمان بازداشت.

امام علی (علیه السلام) در نامه خود به به مالک

اشتر می نویسد:

«و اگر به خطا دچار شدی و در یک کیفر بر تازیانه، شمشیر یا دست تند روی ای تحمیل شد، که گاه مشتی سبب قتل می شود، چه رسد به بیش از آن، مبدا که غرور قدرت از پرداخت خون بها به اولیای مقتول

ص: ۱۳۷

---

۱- «وَإِنْ بَخَطِيٍّ وَأَفْرَطَ عَلَيْكَ سَوْطِكَ أَوْ سَيْفِكَ أَوْ يَدُكَ بِالْعُقُوبَةِ فَإِنَّ فِي الْوَكْرَةِ فَمَا فَهِيَ مَقْتَلَةٌ فَلَا تَطْمَحَنَّ بِحُكِّ نَحْوِهِ سُلْطَانِكَ عَن تُوْدِيٍّ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ حَقَّهُمْ» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

هیچیک از ادیان عالم به اندازه اسلام، به علل وقوع اعمال انسان توجه ندارد. قبل از انجام آن اعمال، عوارض آنها را پیش بینی می کنند. از این جهت اندرزهای قرآن و معصومین: را باید قاعده و قانون تغییرناپذیر و طبیعی شمرد که مخالفت با آنها موجب ضرر و زیان خواهد گشت. مسئله جرم و رفتار انحرافی از زمانهای طولانی مورد بحث حقوقدانان و محققان بوده است. گروهی از آنان در طبایع سه گانه غضبیه، شهویه و مطمئنه بحث می کنند.

دسته دیگر، مطالعه در احوال جسمانی یا فیزیکی فرد و رابطه آن با جرم و کثرتاری را وجه نظر خود قرار می دهند. گروه دیگر، روانشناسان مکتب روانکاوی هستند که بر عوارض رشد کودک تأکید می کنند. بعضی دیگر به رابطه فقر و محرومیت با کجروی اجتماعی توجه می کنند.

گروهی از روان شناسان از قرن بیستم به جای تأکید بر فقر، به سازمان اجتماعی و نقصان وحدت و هماهنگی بین اجزای تشکیل دهنده سازمان توجه می کنند.

در این زمینه فقدان کنترل و نظارت کافی، دلیل بر فراوانی جرم محسوب می شود.

جرم شناسی نظیر سایر علوم اجتماعی، به دنبال واقع گرایی و بی طرفی

می باشد و در این راه می کوشد. این علم تلاش می کند تا به صورت یک دانش غیرهنجاری باشد. با وجود این، این هدف، سخت و دشوار و تقریباً غیرممکن است. آیا جرم شناسی همیشه می تواند بی طرف باشد؟ آیا امکان دارد یک علم اجتماعی فارغ از نظام ارزشی وجود داشته باشد؟ اکثریت جامعه شناسان بدون تردید به این سؤال پاسخ منفی می دهند. بعضی بر این عقیده پا برجا هستند که علم اجتماعی ای که کاملاً غیر ارزشی باشد، وجود خارجی ندارد. ارزشها از طریق انتخاب مسائل مورد تحقیق، انتخاب روشها، از طریق گردآوری اطلاعات، از راه مفاهیمی که مورد استفاده قرار می گیرند و سرانجام از طریق تفسیر داده ها، وارد فرآیند تحقیق می شوند.

احتمالاً بزرگترین مانع در راه بی طرف بودن دانش جرم شناسی آن است که برای بزه شناسان مطمئناً غیرممکن است که خود را از نظامهای ارزشی خودشان رها سازند و به طور کامل از تعصبات و پیشداوریها آزاد شده و در مقابل هنجارهای اجتماعی و قوانینی که آن هنجارها را به صورت قواعد حقوقی در می آورند، موضعی غیر ایدئولوژیک اتخاذ کنند. بسیاری از جرم شناسان تلاش در راستای عینیت گرایی و بی طرفی را به عنوان یک هدف با ارزش در نظر نمی گیرند. برای مثال، جرم شناسان رادیکال و انتقادی آشکارا با بی طرفی سیاسی و اخلاقی مخالفت می کنند. آنها این امر را مخفی نمی کنند که از نظر ایدئولوژی ملتزم هستند و با جرم شناسی غیرسیاسی مخالف هستند.

علی رغم چنین مواضع قوی به نفع جرم شناسی هنجاری- ارزشی، دانشمندانی وجود دارند که هنوز به نظریه جرم شناسی بی طرف پایبند مانده اند. از نظر آنها جرم شناسی غیرسیاسی است و باید غیرسیاسی بماند. آنها معتقدند که چنین موضعی به این معنا نیست که بزه شناس باید خود را در برج عاج قرار داده، از نظر اجتماعی بی روح و بی تفاوت باشد. آنها

می‌توانند از اصلاحات و تغییراتی که بر پایه و اساس علمی استوار هستند از مبانی ایدئولوژیکی و اخلاقی دفاع کرده و به آنها کمک کنند.

در نوشتار حاضر سعی شد با دیدی ارزشی به جرم و بزهکاری و شیوه‌های کنترل جرم توجه شده و جرم‌شناسی از این منظر مورد مذاقه قرار گیرد. با توجه به آنچه گفته شد می‌توان دریافت که در سخنان امام علی (علیه السلام) آموزه‌هایی در خصوص علت‌شناسی و پیشگیری از جرم وجود دارد که استخراج، تحلیل، تفسیر و تدوین آنها در طرحی منطقی می‌تواند ما را به الگویی ویژه در ریشه‌یابی و پیشگیری از جرم رهنمون سازد.

پس از استخراج آموزه‌ها، نخستین گام در این کار مهم، دست‌یابی به اصول مهمی است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها باید بر راهکارهای کنترل جرم حاکم باشد. از اصولی که در این نوشتار مورد اشاره قرار گرفت می‌توان اصول زیر را برشمرد: مشروعیت راه‌ها و روش‌ها، جامع‌نگری و حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع افراد.

در مرحله‌ی بعد باید دید که اولویت‌های اساسی در برنامه‌های پیشگیرانه از جرم کدام است و در هر اولویت، از چه روش‌هایی می‌توان کمک جست. بر اساس متون دینی، یکی از اصول مهم در طراحی الگوی پیشگیری از جرم این است که ما را مجاز می‌دارد در منطقه‌ی فراغ و مواردی که با نصوص شرعی تعارضی ندارد، از اندیشه‌ها و تجارب دیگران نیز مدد جوییم.

به هر حال، اولویت‌ها هر چه باشد، باید در اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، به سه رکن دولت، جامعه و فرد توجه داشت. تمایز الگوی استنباطی از آموزه‌های امام علی (علیه السلام) و به‌طور کلی الگوی دینی از دیگر الگوها، در جوهی چون «دین محوری» است؛ امری که جای خالی آن در همه‌ی الگوهای پیشگیرانه کنونی مشهود است و اگر به درستی مورد توجه



قرار گیرد می تواند الگویی کارساز بر مبنای اندیشه های اسلام ناب محمدی به جهانیان ارائه دهد.

از مطالب گفته شده نتیجه می گیریم که به تجربه ثابت شده است، تنها وضع قوانین جزایی و اجرای آن درباره مجرمین موجب اصلاح جامعه نمی شود، بلکه گاهی از شدت عملها نتیجه معکوس به دست می آید. برای مثال، وقتی به جای مبارزه با جرم، با مجرمین مبارزه می شود، زندانها پر و عصیان مردم زیاد می گردد. باید ابتدا از وقوع جرم پیشگیری کرد تا اجباری برای مجازات مجرم به وجود نیاید. بنابراین جامعه عمل پوشاندن به مطلب مذکور نیاز به فرهنگی دارد که موجب شود زمینه ارتکاب جرم تقلیل یابد. لذا فرهنگی می تواند زمینه رشد و تعالی را در جامعه ایجاد کند که متکی بر ارزشهای الهی باشد و اگر اتکا به ارزشها توأم با عمل باشد و در فرهنگ جامعه جایگزین شود به خودی خود جامعه می تواند از مصونیت فوق العاده ای برخوردار شود.

برای نیل به این هدف باید علت و علل بروز و ظهور جرایم را کنکاش نمود و همانطوری از کلمات حضرت استخراج گردید. این عوامل متعددند که از میان آنها علل روانی نقش مهمتر را ایفا می کنند و از سوی دیگر اگر موفق به پیشگیری از این گونه اعمال نشدیم با شناسایی بزه دیده و حمایت از او مطابق آموزه های حضرت به نوعی با تسکین ناملايمات روحی و روانی او و تأمین خسارتهای مادی و معنوی وی مرهمی بر دردش بوده و از گرفتار شدن او در گرداب جرم و گناه بکاهیم که مطابق کلام زیبای حضرت

«هر فریب خورده ای را نمی شود سرزنش کرد.»<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۴۲

الف. کتابها

قرآن مجید.

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، دو جلد، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴.

۲. استفانی، گاستون و لواسور، ژرژ و بولوک، برنار، حقوق جزای عمومی، جرم و مجرم، ترجمه حسن دادبان، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.

۳. الوائلی احمد، احکام زندان در اسلامی، ترجمه محمدحسن بکایی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

۴. آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

۵. باتومور، تی بی، جامعه شناسی، ترجمه سیدحسن منصور و سیدحسن حسینی کلجاهی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰.

۶. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری مؤسسه نشر

۷. پیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ترجمه غرالحکم و دررالکلم، ۲ جلد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۹. حکیمی، محمدرضا، جامعه شناسی قرآنی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. حکیمی، محمد و محمدرضا و علی، الحیات، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۱. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرالحکم و دررالکلم، ۷ جلد، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۱۲. دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
۱۳. دشتی، محمد و محمدی، کاظم، المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه، چاپ اول، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
۱۴. دفتر آموزش روحانیون و تدوین متون فقهی قم، آداب القضاء، چاپ اول، قم، نشر قضا، ۱۳۸۶.
۱۵. ریمون، آرون، مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
۱۶. ساموتر، آیدین و پوت واین، دیوید، روان شناسی و جرم، ترجمه داوود نجفی توانا، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
۱۷. سروری، محمدحسین، روان شناسی تفاوت‌های فردی، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۴.
۱۸. سوتیل، کیت و ...، شناخت جرم شناسی، ترجمه میرروح الله صدیق، چاپ

اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۳.

۱۹. سیدرضی، ابوالحسن محمد ابن حسین الطاهر ذوالمناقب، ترجمه نهج البلاغه، مترجم سید جعفر شهیدی، چاپ چهاردهم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۲۰. صبحی صالح، فرهنگ نهج البلاغه، مترجم مصطفی رحیمی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.

۲۱. طالقانی، محمود، پرتوی از نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۲. عسکری بغدادی (شیخ مفید)، محمد ابن نعمان، امالی، ترجمه حسین استاد ولی، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴.

۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، آیین کشورداری از دیدگاه امام علی (ع)، تنظیم و تقریر حسین کریمی، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.

۲۴. فلچر، جورج پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، چاپ اول، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.

۲۵. کاتوزیان، ناصر، دوره حقوق مدنی، الزامهای خارج از قرارداد: ضمان قهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۲۶. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد اول،

چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۲۷. کی نیا، مهدی، روان شناسی جنایی، جلد ۱ و ۳، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۷۴.

۲۸. گروه پژوهشی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، قواعد فقه جزایی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۳.

۲۹. گسن، ریموند، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۰.

۳۰. گسن، ریموند، جرم شناسی نظری، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران،

۳۱. گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۷.
۳۲. گنجی، حمزه، روان شناسی تفاوت‌های فردی، چاپ دوم، تهران مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۸.
۳۳. گودرزی بروجردی، محمدرضا، سیاست جنایی قضایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۵.
۳۴. لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۳۵. لیز، ژرار و فیلیزول، اژینا، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح الدین کردعلیوند و احمد محمدی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
۳۶. محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)، جلد ۱، ۲ و ۳، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالحديث، ۱۳۷۷.
۳۸. محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، چاپ اول، تهران، نشر سایه، ۱۳۷۹.
۳۹. محمدی، مجید، آسیب شناسی دینی، چاپ اول، تهران، نشر تفکر، ۱۳۷۳.
۴۰. محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه یابی جرم در اسلام، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۶۱.
۴۱. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مجموعه نظریات مشورتی فقهی، ۲ جلد، چاپ اول، قم، نشر قضا، ۱۳۸۳.
۴۲. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، دو جلد، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۹.
۴۳. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، چاپ سوم، تهران، انتشارات صدرا،

۴۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.

۴۵. مطهری، مرتضی، پانزده گفتار، چاپ دوم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.

۴۶. معادی خواه، عبدالمجید، فرهنگ آفتاب، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات ذره، ۱۳۷۳.

۴۷. منصور، محمود، زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۵.

۴۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیکی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۷.

۴۹. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، چاپ اول، تهران، انتشارات خیام، ۱۳۷۷.

۵۰. نقوی قاینی خراسانی، سیدمحمدتقی، مفتاح السعاده فی شرح نهج البلاغه، ۷ جلد، تهران، مکتبه المصطفوی، بی تا.

۵۱. نوروبها، رضا، زمینه جرم شناسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.

۵۲. ویلیامز، فرانک پی و مک شین، ماری لین دی، نظریه های جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.

۵۳. هاشمی شاهرودی، سید محمود، قوانین جزایی از نظر اسلام، چاپ اول، تهیه و تنظیم سیدعلی اشکوری، قم، دارالکتاب قم، ۱۳۷۳.

۵۴. هیأت تحریریه بنیاد نهج البلاغه، مسائل جامعه شناسی از دیدگاه امام علی (ع)، چاپ اول، قم، مدرسه مکاتباتی نهج البلاغه، ۱۳۷۳.

## ب. مقالات

۱. اردبیلی، محمدعلی و حسینی، سیدمحمد، پیشگیری از جرم در حقوق کنونی ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، سال ۱۳۸۳.

ص: ۱۴۷

۲. توجهی عبدالعلی، سیاست جنایی حمایت از بزه دیده، مجله مجتمعی آموزش عالی قم، ش ۴، زمستان ۱۳۷۸.
۳. دیوید، ایوانز تی و دیگران، بررسی مجدد رابطه دین و جرم، ترجمه علی سلیمی، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳.
۴. صدیق اورعی، غلامرضا، اندیشه اجتماعی در گزیده ای از روایات امر به معروف و نهی از منکر، نشریه جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۴.
۵. عبدالفتاح، عزت، مقاله «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه دیده»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، ش ۳.
۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق و عدالت، مجله نقد و نظر، شماره ۳ و ۲، سال سوم.
۷. گسن، ریموند، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۸. محقق داماد، سیدمصطفی، تقریرات درس فقه الجزاء، دوره دکتری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵.
۹. معظمی، شهلا، جرم شهری سیاستهایی برای پیشگیری، مجله امنیت، شماره ۹ و ۱۰، سال ۱۳۷۹.
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و غلامی، حسین، آسیب شناسی آموزش و پژوهش جرم شناسی در ایران، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره بیست، سال ۱۳۸۵.
۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناس صاحب یک تخصص علمی یا صاحب یک کار حرفه ای، مجله کانون وکلای مرکز، شماره ۶ و ۷، سال ۷۲-۱۳۷۱.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزهکاری و پلیس علمی، مجله تحقیقات حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰ و ۲۵.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، سال ۱۳۷۷.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی (دوره

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲.

۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، سال ۱۳۷۶.

### ج. پایان نامه ها

۱. حاجی ده آبادی، محمد، ارتباط اخلاق و سیاست جنایی، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، قم، دارالعلم مفید، ۱۳۷۸.
۲. حسینی نیک، سیدحسین، بحران در سیاست جنایی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران، سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲.
۳. صادقی، محمدهادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، پایان نامه دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تابستان ۱۳۷۳.
۴. قدیمی ذاکر، سیدعبدالزهره، دیدگاه های جرم شناسانه امیرالمؤمنین علی (ع)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۷.

### منابع عربی:

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، شرح نهج البلاغه، ۲۰ جلد، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۳۷.
۲. ابن عیسی، مسعود، تنبیه الخواطر، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ه. ق.
۳. ابن حزم، المحلی بالاثار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، ج ۱۱، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ه. ق.
۴. ابن قدامه، المغنی، به تصحیح دکتر محمد خلیل هراس، ج ۸، چاپ اول،

ص: ۱۴۹



مصر، مطبعة الامام، ۱۴۰۵هـ. ق.

۵. حرانی، حسن ابن علی ابن الحسین بن شعبه، تحف العقول، ترجمه صادق حسن زاده، چاپ اول، قم، انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۲.

۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳هـ. ق.

۷. الحلّی شیخ ابی طالب محمد ابن حسن ابن یوسف ابن مطهر (علامه حلّی)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۴، الطبعة الاولى، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۹هـ. ق.

۸. خوانساری سیداحمد، جامع المدارک، ج ۶، چاپ دوم، قم، مکتبه الصدوق، ۱۳۶۴.

درایتی، مصطفی و حسین، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۸.

۹. ری شهری، محمد، موسوعه امام علی ابن ابیطالب (ع) فی الکتاب و السنه و التاریخ، چاپ اول، قم، دارالحديث الثقافیه، ۱۴۲۱هـ. ق.

۱۰. طاهر، عباس، سیکولوجیه الذنب، چاپ اول، لندن، دارالرافه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۳م.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، ۱۰ جلد، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳هـ. ق.

۱۲. العاملی زین الدین ابن علی (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۲، الطبعة الثانيه، قم، مؤسسه معارف الاسلامیه، ۱۳۷۷.

۱۳. العکبری البغدادی ابی عبدالله محمد ابن محمد ابن النعمان (شیخ مفید)، المقنعه، الطبعة الثانيه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰هـ. ق.

۱۴. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ترجمه ناصر قربانیان و سعید رهایی و حسین جعفری بابازنگری عباس شیری، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲.

ص: ۱۵۰

۱۵. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۸، چاپ اول، قم، نشر اسوه، ۱۴۱۴ ه. ق.
۱۶. کریم محمد، آویس، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۱۷. کلینی الرازی، محمد ابن یعقوب ابن اسحاق، الفروع فی الکافی، جلد ۷، چاپ سوم، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۸. مامقانی، عبد الله، مناهج المتقین، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، بی تا.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲، بیروت، نشر الوفا، ۱۴۰۴ ه. ق.، باب «نصر الضعفا و المظلومین».
۲۰. مکی العاملی، محمد ابن جمال الدین (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۲، قم، منشورات مکتبه الداوری، بی تا.
۲۱. موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقهیه، چاپ اول، تهران، نشر میعاد، ۱۳۶۸.
۲۲. موسوی الخمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، جلد ۲، چاپ چهارم، مکتبه الاعتماد، تهران، ۱۴۰۳ ه. ق.
۲۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، چاپ اول، تحقیق محمد قوچانی، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۲.
۲۴. نوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ۳ جلد، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ه. ق.

### منابع انگلیسی:

۱. D. Chapman sociology and Stereotype of the criminal. London: Tavistock. ۱۹۶۸.
۲. C. Becker □ criminal justice, U.S.A: Rastike. ۱۹۹۴.
۳. Hentig. The criminal and his victim U.S.A: New Haven Yale H.Von. University Press. ۱۹۴۸.
۴. E. A. Fattah, Understanding criminal victimization, Canada: Pretice-Hall, ۱۹۹۱.
۵. F. Wertham, The show of violence, New York: Doubleday. ۱۹۴۹.

.P. Rock, victimology, U.S.A: Dartmouth, ١٩٧٩ .٩

Freeman Sebba, Editorial, International Review of victimology and R. Elias The .٧  
Politics of Victimization: Victims. Victimology and Human Rigths. New York: Oxford  
.university Press. ١٩٨٩

E.E Flynn. Theory development in victimology: An assessment of recent progress .٨  
and of continuing challenges. in Schneider (ed). The Victim international Perspective.  
.Berlin: de Gluyter. ١٩٨٢

J. Siegl, Larry, Crimonology, Printed in U.S.A, sixth edition ١٩٩٨ .٩

.R.I.Mawby Walk late, critical victimology .London: sage publication ,١٩٨٤ .١٠

.Howard zehr, The little book of Restorative justice, good books Publication, ٢٠٠٢ .١١

Martin Wright, An international Approach, what is Restorative justice? Paper to .١٢  
.seminar in Hounour of Gunual marnell, stockholm, ١٨ April ٢٠٠٢

.Separovic, Z.P, Victimology, Zagreb: samobor novacl ١٩٨٥.١٣

Philips coretta, Farrl Graham Peas Ken, why does repeat victimization occur, British .١٤  
.Jornal, Vol ٣٥ , no.٣, ١٩٩٨

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

